فاضل وراه زندگی

خلاصه مقالات

بهمن چنین

بایش گرداشته کمی صدر الیاس شیرازی

(علامه)

اول خرداد 1392 تهران
الصلاة على الإمام
عنوان...............................................................................................................صفحه
پیشگفتار.................................................................................................صفحه ۱۳
نقوش «راه زندگی پوستن فلسفه» در اقبال حکم‌های مسلمان به فلسفه: از کنیت تا ملاصدرا
امید فرامرز قرملکی.........................................................................................صفحه ۱۵
ذات انسان آزادی است.........................................................................................صفحه ۱۷
منوچهر صنعتی دریابی.........................................................................................صفحه ۱۸
درباب امکانی برای «زندگی فلسفی» حسین کلیسکی اشتری.......................................................صفحه ۱۸
مطالعه جنبش نمازگزاری حركت جوهری ملاصدرا كریم زارع.......................................................صفحه ۱۹
فلسفه اخلاق و زندگی براساس تفاسیر صدرالملوهین بر قرآن كریم
سید صدرالدین طاهری.......................................................................................صفحه ۲۲
سیراغازین تفکر و حیات معنوی انسان در بیش از تاریخ
حکمت الله ملاصلاحی..............................................................صفحه ۲۳
فلسفه، مدیریت و سبک زندگی
طوبی کرمانی..............................................................................صفحه ۲۵
اموزه‌های حکمت متعالیه برای زندگی اجتماعی متعالی
علی بهداشتي..........................................................صفحه ۲۷
فلسفه، ادراکات اعتباری و زندگی از نگاه علامه طباطبایی
صالح حسن‌زاده...............................................................................................صفحه ۲۸
بررسی انتقادی فلسفه علم اقتصاد با روشکرد اسلامی
محمد رسول آهنگران.......................................................................................صفحه ۳۰
فلسفه ملاصدرا، زندگی و معناي آن
قاسم پورحسین...............................................................................................صفحه ۳۱
حکم‌زندگی و نزدیکی تن و جان
رضا سلیمان خشمت...............................................................................................صفحه ۳۳
معنای زندگی در سه مرحله معرفتی حکمت متعالیه

حسن صعیدی

زنگ‌داشتهای حیاتی و حقیقت زندگی در آینده ملاصرا

محمدرضا اکبری

مجری و نقش تربیتی آن (با محوریت کتاب کشف النهش) سحر کاوندی

هنر؛ زیستن بر مدار عقل و زیبایی (با تأکید بر آراء فلسفی)

حسن بلخاری یزدانی

تعامل فلسفه و سبک زندگی

غلامرضا فداپور

فلسفه معاصر (بررسی زمینه‌های جهالت ادبی) و نقش فلسفهوزی در آن

پژوهنده نقش معاصر

حکم متعالیه فراصی زندگی سیاسی

محمدرضا مهسا تنکابنی

فلسفه و معنای زندگی در رفتار و صفات از منظر بوفی سیتا و ملاصرنا

فرشته ندری ایبیته فرهنگی

سطح معنوی‌دانی زندگی و پیرامون «پرسش از اصل معنویتی زندگی و حکم به پیرامون آن در سطح تخنین»

مسعود امیدی

رفع برخی از جالش‌های انسان معاصر با بیان از نگرش ملاصرنا به انسان، عقل و هستی

علي سنا"ی

معنایشنبه معاصر

علیرضا دهقانپور

امکان فقیر، پیشه‌های نو برای معنای زندگی

محمدرضا ایرانی‌دشتی

انسان فلسفی مقول به تشکیک است

سید حسن واعظی

چرا حکم‌های مسلمان به بخش صنایعی (تولیدی/عملی) فلسفه یونانی به نظر کرده‌اند؟ علی‌محمد سپور

بررسی فلسفه سعرالملعیه بر اساس الگوی فلسفه همایه مشی زندگی

سید امامی

فلسفه ملاصرنا و احساس هویت افراد جامعه

عظام حمیدیان

فلسفه برای کودکان: بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌ها

عظام حمیدیان
تعالی زبان، حیات متعلیه

58.................................................................رسول بر پرگفته
فلسفه و زندگی

60.............................................................شهین اعوانی
فلسفه، علم و فناوری

61.............................................................فاتمیه علی بور
هدف و ارزش زندگی

62.............................................................نادر شیرکلی
بررسی و تحلیل قابلیت‌ها و کارکردگی فلسفه ملاصدرا در تبیین ساختار طولی و عرضی حیات بشر
63.............................................................حبسین زمانی‌ها
تربیت کودک و نوجوان از نگاه ارسطو

65.............................................................محسن جاهد
تأثیر نگاه فلسفی امام خمینی (ره) در سبک رهبری ایشان

66.............................................................معصومه دیباجی
"زندگی" معمای بزرگ پدیده‌شناسی هوسرل
67.............................................................محمد اصغری
معنای "زندگی" از نگاه ویلیام چیمز و وینگشتاين

68.............................................................محمد رضا عبداللطیف
ارزش ذاتی زندگی از منظر صدرا ملکی‌پور
69.............................................................محمد رضا مصطفوی کریمی
خودشناسی و خودسازی از دیدگاه ملاصدرا

70.............................................................سید شهاب الدین حسینی
نفس شناسی ملاصدرا و معنای زندگی
71.............................................................قاسم اخوان نیوی
فلسفه و تربیت

72.............................................................علی اصغر جعفری ولی
سیر که صدرایی از خودشناسی تا خداشناسی
73.............................................................علی مینی تهرانی
مراحل حیات از نگاه دین و فلسفه

74.............................................................حبسین عرب
مدیریت استراتژیک حیات انسان در حکمت عملی اخوان الصفای
75.............................................................میجید قربان‌علی دولتی
فلسفه و تربیت انسان
76.............................................................محمدرضا شریف‌نژاد
انسانشناسی صدرایی و تأثیر آن بر اخلاق حرفه‌ای هن اسلامی

مهراد آقا شریفیان اصفهانی

مرگ هست، من هستم» تأملی در مرجان‌دیشی فلسفی

سید محمد کاظم علوی

سرود زندگی

محمد رضا ارشادی‌نیا

پیروان (خلاق و جوان) در زندگی انسان معاصر و نقش «اصالت وجود» حکمت معاون‌هی در متاداری زندگی

محسن پیشوای علوی

علقاتیت و زندگی انسان از منظر ملاصدرا و علائم طبیعی

امین اسدپور

فلسفه و سبک زندگی

رحمه آقا علی

خدا و معنای زندگی

فرحناز عیدی

سعادت جامع‌نگر با رویکرد خاص فلسفه صدرایی

سیدمین استفانداری

پاور به کرامت ذاتی انسان تضمین کننده زندگی ارتقایی

مهدی بیات مختاری

سعادت و شقاوت از منظر ابینی بر اساس ارتقای نفس و بدن

حسین عباسی حسین آبادی

خوش بینی لایه نیتیس راهی به رستگاری و کامیابی

امل علی‌میر

نقش دین و حکمت الیه دردست‌سازی به معنای زندگی

امیر ابوالفضل حکمت‌ارجمند

سمه فلسفه اسلامی در سبک زندگی ما ایرانیان

علی اصغر مریمی رضا ماهوزی

نقش و بروزی خطایی بزرگ در معنای زندگی با تکیه بر انسانشناسی ملاصدرا

عبده‌الله صلواتی، شهرزاد شایان‌فر

نتایج نگرش صدرایی به انسان در تعلیم و تربیت انسان معاصر

علی سلیمانی، مهدی افتخاد

رویکردی بومی به فلسفه برای کودکان مبتنی بر نشیمه‌های موجود

احمد اکبری، علی خالق خواه

سبک معنویت خانوادگی در ایران: پاییز و نبایدگاه بر اساس فلسفه تربیت اسلام

زهره اسماعیلی، رحیم آقا علی
تیبین فلسفه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران در ایران

یحیی قااندی، مزگان کر

کرامت انسان از دیدگاه ملاصدرا

آیا اجتماعی دنیای زندگی در حکمت نظر آسکو از امام الشافعی است؟

حسن فتحی، سامان همین و رونسفارانی

فلسفه‌نگاران ایرانی در حکمت نظر آمده‌ایند از تاریخ ایران

سید محمد سید محمد ترکمنی

اندیشه پیش‌بر: دغدغه اصلی فلسفه دوست در غرب مدیران

سید مصطفی شریعتی، نریمن فیروز

بررسی اجمال اکبر فرج و روده بررسی مالی جانشینی و آثار آن بر تعلیم و تربیت

آیت‌اللهی فرج و فریاد فرمانی

مشریق مشنازی بر متونیت شرط نهایی سعادت

مرضیه صادقی، فریده فرامینی

مالاصرا و مشنازی زندگی

خلیل الله احمدوند، سید ملکی

فاوواری همسان‌سازی انسانی با گاه به مبانی انسان‌شناسی ملاصدرا

رضا رضازاده، لیلا تکوی نژاد، عزیزالله تیکمنش

جستاری در تفسیر منابعی خدا، خود و جهان در جهان زیست اخلاقی مالاصرا و ادامه

رضا رضازاده، رییزهر میری

کاربرد فلسفه در کمک به رستگاری و کامیابی با پرس و تحلیل و سید محمد تنایی

حسن اکرمی، فاطمه اکبرورشید

نقش نگاه وجودی ملاصدرا به علم در تعالی و کمال نفس

محمد همیدی مشکاتی، محرم فخرالدینی

راه زندگی: پرس و مشماران کار در اندیشه فلسفی علی‌محمد تنایی جعفری

هادی وکیلی، محمد خیاط زنجانی، سیدی کیانی

بررسی روشهای استفاده از برنامه فلسفه برای کودکان (p4c) در ایران

امنهدی اکبری، ملیجه اکبری، زینب اصلی
فلسفه به‌عنوان توجه به ایده‌ها و سوال‌ها در فلسفه برای کودکان
امام ابراهیم، زینب اجلاسی، ملیحه اکبری
خودشناسی و خود سازی در رسانه‌های این سیتا
محمدرضا امیدی، فریده سنگیان
رایگان خودشناسی باعث شناسی در مکتب و حکمت متعالیه صدرالتألّهین
علی محمد ساجدی، مصطفی صادقی، فاطمی قاسمی

رسالت فلسفه
۱۲۱ مریم عرب
درهم تندرگی زندگی این جهانی و آن جهانی از منظر صدرالتألّهین
جمیرا خامدی
فلسفه و معنای زندگی در اندیشه رابرت نوریک
۱۲۳ هزیم مهری
تأمل در نسبت "متافیزیک" با "زندگی در عیب رازی"
مهدی نبایی چهرمی
ربط با در هست در حکمت متعالیه ملاصدرا
۱۲۶ حسین قاسمی
کرامت آدمی و حقوق ذاتی از دیدگاه فلسفه اسلامی و فلسفه مادی
ژهر عباسی
قانون‌نگارانی از دیدگاه فارابی و ملاصدرا
۱۲۷ شیمی سپه
ارتباط فلسفه و عمل در حکمت متعالیه
فاطمی غاشویی
۱۲۸ حقائق انسان و اختیار او در حکمت متعالیه
علی پریی
بررسی امکان استخراج نوعی "منطق" از نظریه حرکت جوهری برای استفاده در مباحث عملی و اجتماعی جهان امروز
محمد مهیدی اردبیلی
۱۲۹ بررسی مفهوم مساعدت با توجه به سیر تکاملی نفس در رهیافت پویشی فلسفه حیات
برگسون و مکتب اصلی و وجودی ملاصدرا
یحیی صلواتی چشم‌های ماهی
۱۳۰ خودشناسی در هیل و ملاصدرا و نقش آن در کمال آدمی
فرزاد حاجی میرزایی
۱۳۱ تحلیل معنای زندگی برخی انسان شناختی و همتی شناختی دکترت و ملاصدرا
پدرام پورهراز
کرامت انسان از دیدگاه ملاصدرا

سید عبدالرضا افاضلی

سیمایی از حیات دینی انسان در حکمت متعالیه و تأثیر این عربی در ساختار آن

نفیس‌الدین سرمدی

جایگاه و معنا در زندگی وقف نظر در زندگی انسان مدرن بر مبنای انديشه‌های ارسطو و ملاصدرا

مرتضی گودرزی

حکمت عرشي ملاصدرا، همچون راه زندگی

نواب مقری

داستان‌ها یا بودن منسلک این است

روح‌الله علیزاده

پیوستگی در فلسفه ملاصدرا و معنا زندگی

حمید طالب

چرا فلسفه میخواهیم؟ فلسفه از نظر واک سعی

امام میری گلی

راه‌زندگی: اخلاق و اطلاق آن در حکمت متعالیه صدرایی

محمد خیاط زنجانی

حرفه‌جوهی و پرخورد شناخت گونه ما با چهان در زندگی روزمره

امیرضا جانیان

موانع اخلاقی زیستن در اندازه صدرالمتاهلین

رحیم دهقان سیمکانی

آموزه‌های اخلاقی و کرامت انسانی در اندیشه صدرالمتاهلین

مرتضی گودرزی

معنا زندگی از دیدگاه ارسطو

مریم سنگی

تأملی بر حیات معنوی در عرفان اسلامی

علیرضا جوانمردی ادیب

فلسفه پوشش و «بررسی از معنا زندگی»

مهدی سلطانی

زندگی سفر است: حکمت متعالیه بیمار به راه‌های اشرافی زندگی

حسن رضا خاویری

فرآینده‌گرایی در معنا زندگی

حسن شمروزی، موسی خانی
<table>
<thead>
<tr>
<th>صفحه</th>
<th>عنوان</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>158</td>
<td>جایگاه فلسفه در فرایند شکل گیری تمدن «فلسفه بهمراه تئبه راهم»</td>
</tr>
<tr>
<td>159</td>
<td>جایگاه «فلسفه و کودک» در کسب مهارت‌های اجتماعی لعیا رحیم‌زاده، معصومه ایمانی</td>
</tr>
<tr>
<td>160</td>
<td>تحلیل معاون‌نشانی زندگی در تلقی ملاصدرا معصومه نمازی، مریم حیدری فر</td>
</tr>
<tr>
<td>161</td>
<td>ارزشمندی علوم رضا ابری</td>
</tr>
<tr>
<td>162</td>
<td>آموزه‌های حکمت متعالیه بیای زندگی جدید فائیز عابد کوهری</td>
</tr>
<tr>
<td>163</td>
<td>کودک و تفکر صنیع‌علی حسینی</td>
</tr>
<tr>
<td>164</td>
<td>بررسی فلسفه عبادت و تعالی انسانها در ادیان شرقی و اسلام فرشته سادات روانی</td>
</tr>
<tr>
<td>165</td>
<td>خواداگاهی در بررسی تطبیقی سورون کی یک‌گارد و بابا الفضل کاشانی</td>
</tr>
<tr>
<td>166</td>
<td>مریم نوری‌الله سعیدت و رستگاری در فلسفه ملاصدرا و اسپینوزا عبارالرضا رمضان نیا‌ی اربیستان</td>
</tr>
<tr>
<td>167</td>
<td>فلسفه تربیت کودک با رویکرد محوریت معلم و کودک عاطفه شریفی</td>
</tr>
<tr>
<td>168</td>
<td>مهارت‌های زندگی در قالب تفکر فلسفه بیای کودک</td>
</tr>
<tr>
<td>169</td>
<td>الیه‌ها مسایل مجلسی نیا بستر‌سازی انتباه نفس کودک</td>
</tr>
<tr>
<td>170</td>
<td>مریم فرخی‌نیا</td>
</tr>
<tr>
<td>171</td>
<td>نقش بازی در دورنی شدن ارزش‌های اخلاقی در کودک</td>
</tr>
<tr>
<td>172</td>
<td>نقش بازی در دورنی شدن ارزش‌های اخلاقی در کودک</td>
</tr>
<tr>
<td>173</td>
<td>رقیه غفاری جایگاه حرکت جوهری ملاصدرا در زندگانی</td>
</tr>
<tr>
<td>174</td>
<td>معصومه حاجی آقایی شهرستانی تربیت و فلسفه آن از منظر اسلام</td>
</tr>
<tr>
<td>175</td>
<td>فرزاد شریفی</td>
</tr>
</tbody>
</table>
اویلین عامل مؤثر در سعادت هر کس شیوه زندگی کردن آست؛ که اگر بپرداز
عقل و حکمت عمل کند، فرافکش سعادت و کامیابی است. فلسفه و فیلسوف به عنوان
نمايندگان و طراحان نظامهای رفتار معقول، طلاهی داران این وظیفه‌اند. از اینرو، بنیاد
حکمت اسلامی صدر، محور هفدهم همايش سالانه بزرگداشت حکیم ملاصدرا را
به فلسفه و راه زندگی اختصاص داده است.

موضوعات و محورهای این همايش عبارتند از:
فلسفه و معنای زندگی؛ فلسفه و مديريت و سيك زندگی؛ فلسفه، آينده‌گري و
برنامريزي؛ فلسفه، اقتصاد و معاش؛ فلسفه، پيشرفته و تمدن‌سازی؛ فلسفه و
بهرهوری؛ فلسفه، علم و فن‌آوري؛ فلسفه و عمل؛ فلسفه، خودشناسی و خودسازی؛
فلسفه، دین و تعالی؛ فلسفه و تربيت؛ فلسفه، روستگي و کامیابي؛ فلسفه و
مسئوليت‌پذيری؛ فلسفه و قانونمداري؛ فلسفه و آزادي؛ فلسفه و برايي؛ فلسفه,
کرامت آدمي و حقوق ذاتي بيش؛ اموزه‌هاي حکمت متعاليه برای زندگي جديد.

اين همايش پس از فراخوانی اساتيد و پژوهشگران و اندیشمندان، با استقبال خوب
مخاطبان و مواجه شد. پژوهشکه در مدت مقرر بيش از ۲۵۰ مقاله و چکيده به دبيرخانه
هاييش وصل گردید به هميان آنها مقالاتي كه چكيدشان در اين مجموعه پيش
روي شمامست، همسرا محورهای همايش دانسته كه. ابترا از اين ميان بخشني نيز
براي سخنرانين برگزيده شدند که در نشسته‌هاي همايش ارائه خواهد شد.

ديرخانه همايش
نBERS: "راه زندگی بدون فلسفه" در القاب دگرگاه مسلمان به فلسفه ایرانی‌ها تلاش می‌کند

*  امروزه طریقت فلسفه را به بیر‌هادو نسبت می‌دهیم. وی در دو اثر معرفی‌فرمی، فلسفه
بوتان، جیست و فلسفه و مبادله راه‌های زندگی، جنبه عمیق فلسفه‌های باستان و ابتکار جنبه نظری
آنها بر جنبه عملی را نشنال داده است. در این مقاله نشان می‌دهیم که تلقی دانشمندان
مسلمان، از کنار تا ملاصدرا، از فلسفه، راه‌های زندگی بودن آن است و همین تلقی سبب
اقبال به فلسفه شده است. براساس یک اصل فرشتخارخ، تلقی هر کس از امری، مواجهه
وی با آن امر و شیوه رفتارش را با آن امر تعیین می‌کند. بدون تردید، اقبال خیره کننده
دانشمندان مسلمان به میزان فلسفه بوتان، اهتمام به توجهه، شرح و توسعه و بست آریه
در تلقی آنان از این میراث دارد. آنان تلقی خود از فلسفه را به صورتی متفاوت از چمله
بجوان تعیین و حد فلسفه بیان کرده‌اند. کنفید (1904-1919) ه.ق - که وی را نخستین
فلسفه مسلمان خوانده‌اند - در رساله‌ای می‌گوید، پس از بیان شرح اللفظ تعبیر پایانی
فلسفه‌ای (دوستدار فضیلت حکمت) به جهت تعیین از آن اثره میکنند. جنبه نظری فلسفه
تنها در تعیین آخر بخش می‌آید: 1) فلسفه تئیه به افعال از میکنند. جنبه نظری فلسفه
و مراز از آن کامل القاب لغت خان انسان است. 2) عبانیت به مدرک با عنوان میراندن شهرهای
است که راه به فضیلت است. 3) فلسفه معرفت انسان به خود است. کنفید تصویری میکنند
که دو تعلیف نخست، نظر به عمل فلسفه است و تعیین سیو در نهایت ارزشمندی،
شرکت و ضرورت‌گذاری می‌کنند. تعیین آخر علم به اثبات ایدلی کلی از حیث هستی، جیستی
و عمل آنها در توان انسان است. این تلقی‌ها نشان می‌دهد که فلسفه به عملیت راه‌های زندگی خاص
ارائه می‌شود و نه امری که هدف آن صرفاً شناخت امر است. معطوف بودن فلسفه به راه
زندگی خاص است که آن را با معروفیت نفس، اصلاح نفس، صحت نفس، صحت منی‌نه،
سعادت قصوی و استکمال نفس مرتب کرده است. به همین جهت، زندگی فلسفه
زندگی فلسفی است و با زندگی هر روزی انسان‌ها هر روزی تفاوت دارد. محمود بن
زکریای رازی (۳۴۳–۲۱۳ ۳۳۲ ۳۵۱–۲۵۱) ه.ق این تفاوت را با تعبیر "سره فلسفی،" نشان می‌دهد.

* استاد دانشگاه تهران
و الگوی عملی آن را ساقط می‌دانند و او را یک‌تاریم ما می‌خوانند. این تعبیر هرگز در ارتباط
صرفاً نظری دانشجو و استاد بکار نمی‌آید. بلکه نظر به رابط سالک و پیشوا نظر است.
رازی رساله کوتاهی سیری فلسفه را هزار و صد سال پیش از هادو نوشته و در آن فلسفه را
بمیانی‌ها راه زندگی معرفی کرد. وی از چهار زیست فضیلت‌های و فیلسوفانه در طب
روحانی هم سخن گفت. تعیین فلسفه به تبیین آگاه‌الله و یا در تعاونی متاخر تبیین به
اله را پس از کنار نرد غالب حکیمان، محمدیه زکریای رازی، فارابی، ابن سینا و
ملاصدرا میوئان یافت. تبیین به اله راه زندگی برتر است.
کتاب حکمت متعالیه ملاصدرا که در گذار از فلسفه سینوی به گفت‌مان جدید
معنی‌های نقش راهبردی دارد، از طرفی برآس سفرهای چهارگانه در سلولی عرفانی
ساختار می‌باشد. صرفنظر از انطباق همه مباحث الهیات در این سفرهای ابتكار ملاصدرا و
اکنون از این کتاب (حکمت متعالیه) در سفرهای چهارگانه عقیده) صرفنظر
عبارت در نشان دادن تلقی وی از فلسفه بمبیانی‌ها راه است. وی در آغاز حکمت متعالیه
فلسفه را تعیین می‌کند. تعیین‌ها در واقع به همان تلقی رایج که در آغاز کنند هم
آمدند است، بر می‌گردد. مقدمه حکمت متعالیه صدرایی به دیباچه در حکمت عمیلی
شبه‌است. تا آرامدی بر حکمت نظری، زیرا ملاصدرا فلسفه را استیصال نفس و
تشبیه به اله می‌دانند. اما هم مفهوم نسیم و هم مفهوم استیصال و تشبیه در حکمت متعالیه
با زرف‌گری همراه می‌شود. استیصال نسیم هنیه باعث، برآمد کمال‌های هم‌بندی
هیهاتی عارض بر نفس بلکه به‌منزله تحویل وجوهی آدمی و دریافت حس در مراتب
افزون‌هستی و کسب کمال‌های اولیه و انستان‌شان تلقی می‌شود. زندگی، در این
تفصیل، در پی ایجاد زمینه‌های تحویل و استیصال وجودی و رفع مواد آن، تحقق
می‌یابد. این مقاله با مطالعه موردی در ابتلا نظام آموزش عمومی و عالی بر رهیافت
فلسفه صدرایی به پایان میرسد. اگر مراکز آموزشی حکمت بین‌العمل سامان یابند، فلسفه
میوئان هویت راه زندگی بودن خود را در رشد کودک تا تربیت شهروند دانو و
خردند نشان دهد. امروز نظام‌های آموزشی با آنکه حکمت بینان نستند، در پی
مستیابی به شهروند مطلب و دارای دانش هستند، اما یا این شهروند دانو، خردند و
مستیابی به دنیای نیز می‌شود؟ دانش امروزی ایزرازیست را می‌آموزد، اما فلسفه صدرایی
چرا؟ و آیا راه زندگی را تفسیر می‌کنند، البته کجا می‌تویند مقدم بر چگونه برویم است.
کلیدواژه‌ها: راه زندگی، فلسفه، حکم‌متعالیه
دات آنان آزادی است

منوچهر صایغی درهبیدی*

آزادی متضایف آگاهی است. موجود آگاه نسبت به پیامون خود میداند که چگونه
بايد موضعگیری کند و مناسب با این دانست تصمیم میگیرد و عمل میکند. این خاصیت
تصمیم گیری آگاهانه در جمادات و نیانات و حیوانات مادون انسان (جانوران) دیده
نمیشود. رفتار حاکی از انطباق با محیط حیوانات نمیتواند آزادیهای آزادی باد. این رفتارها چرا میتوان
غیری یا مکانیکی یا طبيعي نامید، زیرا کل رفتارهای حیوانات فین کنواخت است که
نشانی از تصمیم و انتخاب آزادانه در آنها نیست. بعبارت دیگر، حیوانات در زندگی خود بر
سر دوراهی قرار نمیگیرند تا یکی از آن دو راه را برگرددند. این خاصیت (بر سر دوراهی
قرار گرفتن) فقط در زندگی و تصمیم‌های انسان مشاهده میشود. پس در میان موجودات
این جهان فقط انسان (آزاد) است.

از طرف دیگر بر سر دوراهی قرار گرفتن، تصمیم گیری و سنجد و محاسبه برای
تعیین یکی از دو راه پیش رو حاکی از نقص و کاستی و نارسایی و ناتمامی در آگاهی
موجودی است که بر سر دوراهی قرار گرفته است. پس یک موجود یا فعال بفرض
دارای علم تام و برخورد از موجودیت کامل بعلت اطلاق آگاهی خود برای عمل
کردن بر سر دوراهی قرار نمیگیرد زیرا نیاز به محاسبه و سنجد جوانب کار خود را
ندازد. از این جهت در یک موجود کامل، مطلق و دارای علم و قدرت ثام یا به زبان
قرآن موجود علم و قدرت فرض تصمیم گیری و سنجد و محاسبه (لوازم آزاد) مردود و آزادی، در مورد آی یا بمعنی است. پس آزادی مخصوص ذات انسان و
موجودیت انسان برابر آزادی است. بعبارت دیگر، انسان آزادی و آزادی انسان است.

کلید وژوهرا: انسان، آزادی، موجود آگاه

* استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی
درباب اکلی براي "زنگی فلسفی" 
حسین کلباسی اشتری

چنانچه "واو" مندرج در عبارت «فلسفه و راه زندگی» از سنین واو منفصل به اشتی، آنگاه پرسش از مناسبی میان فلسفه و زندگی رژه می‌زند. موجه و بلکه ضروری خواهد شد و در اینصورت سوال و مناقش در باب "کاربرد" فلسفه، همواره به قوت خود باید خواهد ماند: اما اگر با نظر به معنای دقیق فلسفه سخن بگویم و بی‌پیه بیان آن را با "وجود" فراموش نکنیم، آنگاه فلسفه به سنین از صنایع تعبیر خواهد شد. فلسفه خود "راه" است و نیز است باید از نتایج فلسفه و تفکر، دریافت معناي "در راه بودن" برای وجود آدمي است. مصداق اعلاي چنين صورتی از صنایع را در سقراط و زندگی و زمانه او باید جست. سقراط به ما می‌آموزد که اولًا، حقیقت زندگی در زیست متأملانه و برسگرانه است و ثانیا، به‌ناتیت چنین سنین از زندگی متأملانه، شناخت نفس و حقیقت روحاني آدمی است و ثالثا، تمامین به لوازم چنین حیاتی آسان نیست و محتمل است، جان فیلسوف (هیمالنداو) گرفتار جهالت و غفلت انتهای شود. ناباید فراموش کرد که ند حکما خشرا حکمت نظیری عبارت است از حکمت عملی (ند یونانی: فیژیس) و از این جهت، میان نظر و عقل تلخیمی وجود دارد که غویپ. 

کلیدواژه‌ها: حکمت عملی، زندگی فلسفی، سقراط، آرمانشهر فلسفی

* استاد فلسفه، دانشگاه طبیبایی.
مطالعه: جوش در افزایش ترکت جوهری ملاصدرا

کریم زارع

 حرکت جوهری ملاصدرا را می‌توان مهم‌ترین مباحث فلسفی در تاریخ فرهنگ و فلسفه اسلامی دانست. بررسی این نظریه از دیدگاه سیستمی‌یا یا جنگ نرم‌افزاری تفسیر نویی از حکمت جوهری ملاصدرا می‌باشد. با توجه به اینکه نظریه حکمت جوهری در طی قرون گذشته به مرحله‌ی معالی رسیده است، می‌توان آن را اصل حکمت جوهری نامید.

این اصل را می‌توان از نظر جنگ نرم‌افزاری و از دیدگاه‌های جامع و وحدت بخش که از مبدا و معاد حکایت می‌کند، مورد بحث و بررسی قرار داد. این اصل بنیاد جهان بینی ملاصدرا را تشکیل می‌دهد. در پرتو این اصل بنیش فلسفی نویی از مسائل دقيق طبيعي و مابعدالطبيعی بعید رابطه میان ثابت و متغیر در ارتباط با تغییرات زمان حاصل می‌گردد.

با توجه به اینکه زمان یکی از فاکتورهای اساسی سیستمیکی است و بررسی فرایند حکمت جوهری علاوه بر تغییرات زمان، به مکان نیز توجه دارد، می‌توان با کمی دریافت که حالت گذار در طی فرایند حرکت با تبدیل حرکت ارتعاشی به حرکت انقلای همواره وجود دارد. زیرا کلیه فرایندهایی که با تغییرات زمان همراه است با چرخش از مرحله‌ی بنام (sadele point)s.p1، حالت گذار از چک نقطه‌ی این بعید (تعبر می‌کند تا رابطه‌ی بین فرایند تبدیل شود. بنابراین حکمت جوهری نیز نمی‌تواند جدای از این قاعده، خواه بصورت نرم‌افزاری و خواه بصورت سخت‌افزاری مورد پذیرش قرار گیرد.

البته زمان نیم عمر انجام فرایندها از چندین میلیون سال گرفته تا یک فمتو ثانیه علاوه بر طی این مسیر از اصل مویانه تفصیلی، نظریه سرعت مطلق و قانون اثر متقابل مسلماً تعبیه می‌شوند.

در فلسفه ملاصدرا، حکمت طبیعی ارسطویی و تغییر دفعی یک جوهر به جوهر دیگر که این سنیان آن را همراه با تغییر تدریجی پذیرفت و از آن به کون و فساد تغییر کرده است، جای خود را به حکمت جوهری (وجودی) می‌دهد. زیرا از ممنع فیض الهی که دائم الفض است

* استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اسلامی
نشست میگیرد. از اینرو با توجه به اینکه ملاصدرا تمام حرکت را در محور وجود مطرح میکند
و در نهایت به قدرت الهی برمیگذرند، سرانجام این سوالات مطرح میشود:
1. موجد یعنی بوجود آوردن حرکت که دارای حرکت ذاتی میباشد، چه رابطه‌ای از
دیدگاه سینتیکی و جنس نرم‌افزاری با یکدیگر دارد؟
2. چگونه مکانیسمی این چنین موجودات از دیدگاه سیالان در بر دارد؟
نباید بررسی سینتیکی نرم‌افزاری فلسفه طبیعی در ارتباط با اینکه ساختمان فلان
شي چیست؟ بسیط است یا مرکب؟ فراینده بنیادی ساده یا کمال‌کر است؟ شرایط
تبدیل به شبی دیگر چیست؟ درصد دیدن مکانیسمی قابل تبدیل و پذیرفتی میباشد.
همچنین باید نمایه به اینکه ملاصدرا به حفر حرکت را باعث مربوط به متفاوتی و میان به
آن را تحت عنوان «تشکیل وجود» به ثابت و سیال مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد، دیدگاه
جنگ نرم‌افزاری در طی این فرآیند میتواند با زبان علمی روز نسبت ثابت بودن حرکت برای
موجود سیال را بهتر توجیه و قابل فهمتر نماید. زیرا بر اساس دیدگاه ملاصدرا، حرکت و
شدن خود نوعی «هستی و بودن» است و در اینصورت چون سیالی میتوانم بعد زمانی
میباشد و بدنشه علی دگرگونی نوآم با تغییر است، میتوان از نظر جنس نرم‌افزاری یکن
تغییر سرعت فرآیند و یکن ثابت تعادل برای هر مرحله با تغییر زمان در نظر گرفت؛ گو اینکه رابطه
ثابت سرعت و ثابت تعادل نمیتواند مشایخ حرکت را از راه تجدید و تعمیم ادراکات به‌خوبی
روشن نماید بلکه مندید سایر معقولات متافیزیکی جنس نرم‌افزاری میتوانند از تحلیل و تفسیر
ذهن نسبت به مدرک حضوری بوسیله برهان عقلی اثبات نماید.
مطلب مذکور با نظریه ملاصدرا که جبران «وجودی» و تحلیلی عقلی بصورت
معقولات ثانی فلسفی تصور میشود تطبیق دارد. از طرفی با توجه به نظریه ملاصدرا که
حرکت نحوه وجود سیال و وجود سیال مربی به از مراتب حقيقة عینی میباشد، مراتب
سینتیکی را میتوان در طی این فرآیندها به‌خوبی پذیرفت. همچنین در این مطلب که جوهر
شیئی که موجد حرکت است، ناگزیر باشد خودش متحرک و نازار و بلکه عین تحول و
حرکت باشد، همین‌گونه کاملاً با دیدگاه جنس نرم‌افزاری بر این معنا که جوهر ذاتی
متحرک است، دارد.
این مطلب که با دیدگاه جنس نرم‌افزاری در این چهان هیچ شی، ثابت در جهان
وجود ندارد، از دیدگاه ملاصدرا به‌خوبی نمایان میباشد. در نتیجه تصور صحیح از زمان
که ایجادی گذرا از موجودات جسمانی است، میتواند زمان حرکت جوهری را نیز
بخوی روش نماید و زمان و نقطه زنی حالت‌گذار به‌خوانه فاکتور اصلی جنسی

۲۰۰ / خلاصه مقالات / فلسفه و راه زندگی
نرم‌افزاری نمی‌تواند مستقل از جهان باشد و جهان نیز نمی‌تواند مستقل از زمان باشد که این امر با مفاهیم نظریه حرکت جوهری ملاصدرا کاملاً هماهنگی دارد. زیرا ملاصدرا در باب «حقیقت زمان» زمان را یک امتداد نامنظم یا بعد چهارمی از وجود مادی میدان. بعلاوه مفاهیم جنبش نرم‌افزاری مؤید این نظریه است که هر موجود مادی دارای دو امتداد است؛ یکی در بستر مکان و دیگری در بستر زمان؛ یعنی کوشش زمانی و مکانی نهفته در دیدگاه ملاصدرا منطقی با این واقعیت است که هر پدیده‌ای که بتوان آن را با معماری زمانی و مکانی سنجید وجود دارد و در نهایت در این فرآیند نقص کاتالیزور همانند فراورده‌ای شیمیایی و فیزیکی تأخیرگذار است و مراکز فعال کاتالیست‌ها میتواند سرعت حرکت جوهری را در چهت رسیدن به نقطه زنی تسرع نماید. البته برای انطباق با دیدگاه ملاصدرا میتوان پروپاپلات را کاتالیزور حرکت جوهری پذیرفته و لی این حقیقت که جوهر شیئی که ذنی متحرک است دارای حرکت پیوسته‌ی در طول زمان و متحرک در تمام مراحل حرکت است (خواه حرکت چرخشی، ارتقاء و خواه انتقالی) و حدث حقیقی خروج را حفظ خواهد نمود. این حدث دلیل دیگری بر این حقيقة است که هویت واحد دارای چهره‌ها و نمودهای گوناگون می‌باشد.

بنابرین حرکت جوهری شیء در واقع عین هویت شیئی است که از تحمل‌های عقلی جنبش نرم‌افزاری نیز نتیجه می‌گردد.

کلیدوواژه‌ها: حرکت جوهری، نقطه زنی، حالت گذار، جنبش نرم افزاری، اصل موازنه تفصیلی
فلسفه اخلاق و زندگی براساس تفسیرهای انسانی قرآن کریم

سید صدرالدین طاهری

صدراالمتاثره اثر کوتاه یا بلند مستقیل در باب فلسفه اخلاق - بر حسب اطلاع تاریخی که از تأثیرات وی در دست داریم - از خود بجای نگذشتی است، اما در خلخل آثار فلسفی و تفسیری خود به مناسب‌تها ی درباره اخلاق و اصول مهم فلسفه اخلاق صحبت و اظهار نظر کرده است. نگارنده پیشتر پیرامون نظر صدرالمتاثره درباب «حسن و قیح عقلي» که یکی از مهمترین اصول فلسفه اخلاق است، تحقیقی براساس برخی از آثار فلسفی وی انجام داده که در مجموعه مقالات یکی از همایش‌های بیشین در بزرگداشت ملایسرا، بچاب رسیده است و اینک در مقاله حاضر اصل مذکور و برخی دیگر از اصول فلسفه اخلاق از دیدگاه صدرالمتاثرى را براساس تفسیر وی بر قرآن کریم، مورد بررسی قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: فلسفه اخلاق، حسن و قیح، اختیار، تکلیف

* استاد گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
سیر آغازین تغییرات معنوی انسان در پیش از تاریخ

حكمت الله ملا صالحی

پیش از تاریخ یک مفهوم بسیار جدید است. این مفهوم علی‌الاکبر بن حیت خلیلی این تأکید کرده‌است که هیچ اثر و سند مکتوب و مدونی تا این لحظه از آن کشف نشده و بخش کافی از این دوران فوقلداده شده است. او به‌پیشنهاد می‌آورد که این دوران در تاریخ بسیار مهم و سرشناسی‌زا می‌باشد. این دوران در تاریخ باستانشناسی و مطالعات ویژه‌ای دوران قبل از اسلام و دانشجویان و دانشمندان انسان‌شناسی و رشته‌ها و دانش‌های مرتبط باستان‌شناسی و مطالعات دیرین انسان‌شناسی و رشته‌ها و دانش‌های مرتبط باستان‌شناسی و مطالعات دیرین

آهنگ بلحاظ زمانی بخش اعظم تاریخ، فرهنگ، جامعه و جهان بشری را شامل می‌شود. فراکنسی مدل‌ها به مرحله و تدریجی حضور و ظهور تاریخی انسان در جهان جوانان و مردی تاریخی شده و تاریخ‌دانان در همین دوران طولانی و بسیار مهم اتفاق افتاده است. همه ما بنحوی و به این یا آن طریق کنکاو و مشتاق هستیم که بدانیم این افتتاح عظیم و شگفت چگونه اتفاق افتاده است. جهت چه مسیرهایی و چگونه عبور کرده است بجایه که دیگر سخن میخواهیم بدانیم از کجا آغاز کرده‌ایم که به اینجا و در این لحظه تاریخی و موقعات اکنون خوش رسیده‌ایم؟ میخواهیم و مشتاق هستیم باجویم و بکویم و بهانیم و بهبود بهبود چگونه و نیز چه شرايط و چه تغییرات و تحولاتی صدها هزاره پیش رو به سرکوبنده غبار که‌های که زمین نام نهاده‌ایم تاریخ، فرهنگ جامعه و جهان بشری ما افتتاح شده و افاق گشوده و برآورد آمده و استمرار یافته است. سرچشمه‌های از این افتتاح و افق گشای تاریخی کجاست این رود هرکلیوتوس جاری و موجیزی و خروش مستمر نحوه بودن در شدنی (γιονον) تاریخی انسان از کدام سرچشمه‌هایی نشست گرفته و چگونه و در چه مسیرهایی بهم پیوسته‌اند؟ صور ابتدایی تشکل‌های اجتماعی چگونه در پیش از تاریخ بیدار شدند؟ چگونه انسان در مراحل سیستم وارد سطح و سپهر دیگری از نسبت، نوع دیگری از رابطه، نحوه

* دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران
دیگری از مشاهده‌های شیوه دیگری از مواجهه با واقعیت‌های عالم و اقليمی که در آن می‌باشند و اصطلاحاً آن را رابطه رمزی و معنی و ماوراءطبعی نام نهاده‌ایم و می‌شناسیم: می‌شدود؟ و خلاصه سخن آنکه صور ابتدایی کنکاوی‌ها و کنش‌ها و کوشش‌های فلسفی انسان برای بدست دادن معرفت و منظوری نظری از معنا هستند و واقعیت زندگی و مرگ چگونه و به چه طریق در تاریخ افق گشوده؟

انسان وجودی است معناگو و معناپذیر و طراح و معمار ماهر و چیره‌دست پیچ‌لاخی از نظامهای نشانه‌ای و نشانه‌های رمزی. در رگ و پی رابط‌ها و رفتار‌های آدمی سیاسی از معنی و فحاوی عمیق و تجربه‌های وجودی و معنی و را تا لایه‌ها و زیر لایه‌ها حیات پیش از تاریخی می‌توان لاشه‌گاری و ردیابی و رصد کرد. آرکتولوژی و کنکاوی‌ها و کاوش‌های آرکتولوژیک و ردق‌گری و رصد و لاشه‌گاری تجربه‌های آغازین تفکر و تعقل و حیات معنی انسان در پیش از تاریخ بهمین معنای بود.

کلیدواژه‌ها: تفکر، حیات معنی، تاریخ
فرش‌نمایی و بک‌نشینی

طبوی کرمانی

ضرورت وجود یک نظام مدیریت برای جوامع بشری، موجبات ظهور نظریات مختلف و کاه متعارضی را به همراه داشته است، از سوی دیگر هر نظریه مدیریتی مولود نوعی معرفت شناسی است که بر مبنای اندیشه‌های جهان‌شناسان و انسان‌شناسانه دانشمندان مختلف و غایا مرتب گردیده. این نوع معرفت شناسی، شکل گرفته است. این پژوهش بدبلا بررسی بهترین مدل مدیریت برای ایجاد بهترین شیوه زندگی است. این نوع مدیریت که در ادبیات فلسفی ملاصدرا گاهی به پیروی از گذشته‌گان، رئیس مدیران و گاهی براساس ادبیات دینی، وایت نامیده شده است، قسمی از اقسام حکمت عملی است. در تغییر ملاصدرا، تنها نظام فلسفی دینی است که درصد بی‌روی مدل مدیریت خاصی بر محور وجود متعالی خداوند و تمدنی نوین و توحیدی براساس این محور است که در آن، عبودیت و توحید، «ماخلقت یال» و الانس با لیست، محور هستی و سبک و شیوه زیست، آن اعتیاد و هم‌گیری کلمات ریک صدق و غداً لا شیادا لکلمانه و هو لمگی (عین/115) و نظم و تقوى است. در این تمدن انسان‌ها، هریت خاص یافته و زندگی نیز ممنوع و به دارد، زیرا جنس نگرش به هستی، دنیا و هدف‌مندی آفرینش و منع‌داری زندگی، اقدامی انسان خاص، دنبال خاص و مدیریت خاصی و زیست خاصی دارد. تلازم همیشه‌ی کسی که ایمان و عملوا الاصلاحات» در این تمدن توحیدی، حکایت از وابستگی مباین نظری و عملی (حکمت نظری و عملی) در ساختار این تمدن توحیدی دارد، یعنی نگاه این دو نوع حکمت، بوضوح نشان از عدم انفکش آنهاست. بطوری که ارتباط از حضیبی نقص بی‌سیف قلم و قرار در جوهر قرب الهی با هر یک از این دو نوع حکمت بدون دیگری حقیقی، به شکل نهایت کارکرد حکمت عملی در فلسفه، فیلسوفان مسلمان از جمله ملاصدرا، در چارچوب اعتقاد به عالم ورای طبیعت و مجردات،...
مباشرت در عمل خیر و انظمام نظام معایش و بالآخر نجات معاد شکل میگردید. به این‌صورت که در پایان، نفس اختیار تام بدن را در دست گرفته و بدن کاملاً منقاد و مطمئن نفس می‌گردد و تخلق به اخلاق‌الله در نتیجه حاکمیت عقل عملی بر افعال انسان محترق می‌شود. این کلام امیرالمومنین علی (ع) که «خداوند رحمت کنده آسانی را» آنچه لازم است برای نفس خود تهیه و خویشتن را برای قبر مستعد و آماده می‌سازد و آن آسانی را که بداند از کجا آمده و در کدام راه است و بسیار کدام مقصد باز می‌گردد، اشاره به همین امر است که بخش نخستین به غایت حکمت عملی و بخش دوم به حکمت نظری اشاره دارد و این گویای همبستگی و ارتباط میان این دو حکمت است و از آن نوار، هر حکمتی باید مستند بدبیر منزل و سیاست مبنایی را بعنوان حکمت عملی همراه داشته باشد، پراکه جهانی بدون جهانسازی جز سلسله مفاهیم خشک و تجربیه‌که ربطی به زندگی واقعی انسان‌ها ندارد، جایی به‌نشست و بعقیده برخی، لزوم توجه به امر حکومت، سیاست، مدیریت بعنوان شاخه‌ای از حکمت عملی تا آنجاکه آنانی که به کار سیاست و مدیریت (مدیریت اندیشه، مدیریت اجتماع و مدیریت خانه) نیاز دارد، شایسته ساخت شهروند بی‌آزار نیست و تنها او را شهروردی بی خصوصی باید قلمداد نمود. حکمت معنی‌الهی نیز از این قاعده مستثنی نیست و از آن‌جا که هر حکمتی، سیاست و مدیریت خاص خود را براساس حکمت نظری خود چه تحت عنوان تدبیر منزل و چه تدبیر مدن و اختلاف بدنال دارد، دقت در نوع نگاه ملایم‌ها و این در حکمت و کارکردهای آن برای فهم معنا زندگی و سبک و شیوه و مدیریت آن ضروری خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: فلسفه، سبک زندگی، معنا زندگی، تملک توحیدی، مدیریت
آموزش‌های عمیق مطالعه‌ای زندگی اجتماعی مطالعه

على الله بداشتی

حكمت متعالیه که ریشه در قرآن و برهان و عرفان دارد، برای تنظیم زندگی متعالی و جامعه متعالیه مبانی استواری دارد. یکی از آنها انسان‌شناسی حکمت متعالیه است. حکمت متعالیه می‌گوید انسان نوع نیست، انواع است؛ بنابراین، انسان‌شناسی و انسانیات بکار خانه نیستند، بلکه هر انسانی یک شخصیت مستقل است. ثالثاً، هر انسانی در طول حیات پنج‌اه شصت ساله خوش مراتبی از وجود اندازه‌ای که در هر مرتبه و مرحله آن نوعی متفاوت با مرتبتی قبل است، پس تفاوت‌های فردی و اختلاف آنها در مراحل زندگی امری پذیرفته شده است. ثالثاً، انسان همچون بنا‌یابی است که بندبندی ساخته می‌شود و خود بنا نو و محیط اجتماعی از این سازندگی دخیلند.

پذیرش این اختلافها ما را بر آن میدارد که اولًا، انتظارات خوشی را از مشابه بودن همه افراد در تفکر، اندیشه، اخلاق و رفتار به زیستی مشابه تعدل نموده و انتظار نداشته باشیم همه یکسان بین‌دیشند و یکسان عمل کند و در هر موقعیت اخلاق و رفتار مشابه داشته باشند. پس لازم است ترازوی رفتار‌مان را می‌گذاریم و از هرکس آن را بخواهیم که می‌تواند باشند‌ه و آنچه هست باشد. ثالثاً، بدینم که همه انسان‌ها به هم‌گون‌گیشان در رنگ و نژاد و پوست و استحکام و رفتار، ارزش‌شناسان و دارای گرایی انسانی هوستند، ثالثاً، کرامت امروز فرمات است و آنکه در انسانیت کاملتر است نزد خدا کرامتش بیشتر است. رابطه معیار و ترازوی ارزش انسان‌ها ما نباید بکه ترازو نزد خداست. پس هیچ‌گاه را نباید چکک چشم‌ها چه‌ی بکه نزد خداداد بزرگ باشد. اگر این حقیقت را بدرستی دریابیم و آن را مبنا رفتاری‌مان در زندگی اجتماعی قرار دهیم، دنیا بهتر از آن خواهد شد که هست.

کلیدواژه‌ها: حکمت متعالیه، زندگی اجتماعی، انسان‌شناسی

* دانشیار دانشگاه قم
فالسه، ادراکات اعتباری و زندگی از اقایاع علمی طبیعی‌الاثروی

صالح حسن زاده

ادراکات اعتباری در مقابل ادراکات حقيقی است. ادراکات حقيقی انکشافات ذهنی واقع است، اما ادراکات اعتباری فرض‌هایی است که دهن بمنظور رفع احتیاجات حیاتی، آنها را ساخته و جنبه قراردادی و اعتباری دارد و با واقع سرکاری ندارد. ادراکات حقيقی تابع احتیاجات طبیعی موجود زندگی و عوامل مخصوص محيط زندگانی وی نیست و با تغییر احتیاجات طبیعی و عوامل محيط تغییر نمی‌کند. اما ادراکات اعتباری تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص محيط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند. ادراکات حقيقی، مطلق و دائم و ضروری است ولی ادراکات اعتباری نسبی و وقت و غيرضروری است.

تمایز و تفکیک ادراکات حقيقی از ادراکات اعتباری بسیار لازم و ضروری و عدم تفکیک آنها از یکدیگر بسیار مضر و خطوران است و همین عدم تفکیک است که برخی از روشنفکران و فیلسوفان جدید را از یا درآورده است که بعضی اعتبارات را به حقایق قیاس کرده و با روشهای عقلانی مخصوص حقایق در اعتبارات سیر کرده‌اند و بعضی بعکس، نتیجه مطالعات خود را در مورد اعتبارات درباره حقایق تعیین داده‌ند و حقایق را مانند اعتبارات، مفاهیمی نسبی و متغیر و تابع احتیاجات طبیعی پداشته‌ند.

هر چه باشد، اعتبارات در زندگی موجود زنده آثار خارجی دارند. یکی از امور اعتباری که انسان در مراحل مختلف زندگی از آن بهره می‌برد، اصل استفاده و اجتماع است. البته نباید از کلمه «استخدام» به‌منظور کردن و تفسیر نارو نمود. ما نمی‌خواهیم یکگوییم انسان بالطبع روش استشمار و اختصاص دارد؛ چنانکه یک مله در پس پرده آزادی بخشی، دیگران را زین به پشت و لگام به دهان زده سوار شوند و بدبختی و پستی با الگا شیرین آزادی تأثیه کنند و بر روی هر حقیقتی اسم کنه و پوسیده گذاشته و بدور اندامان. همچنین یکگوییم یکگوییم چون انسان بالطبع مدنی و

---

*دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی*
اجتماعی است، در پس پرده فریب‌نده «اترنتاسیونالیسم» بنام رفع تضادهای داخلی افکار انسانی، را کشته و یک گله انسان بیفکر بارآورند که کوچکترين دخالتی در خوب و بد و باید و نباید جهان نداشته باشند و به اتهام «ارتجاع» اخلاق فاضلة عفت، عصمت، غیرت، حیا و صبر را پاییز جمایت نمایند.

مراد ما اینجا نیست، بلکه ما می‌گوییم انسان با هدایت طبیعت و تكوین پیوسته از همه، سود خود را می‌خواهد، «اعتبار استفاده» و برای سود خود سود همه را می‌خواهد; «اعتبار اجتماع» و برای سود همه، عدل اجتماعی را می‌خواهد; «اعتبار حسن عادالت و قبح ظلم» و در نتیجه فطرت انسان حکمی که با الهام طبیعت و تكوین می‌نماید قضاوت عمومی است. در این نوشتار، ضمن بیان خطای برخی واقعات و پیامدهای آنها، انواع اعتبارات تفسیر صحیح آنها و نقش‌مان در بقای تکمیل و توسعه زندگی عملي موجود زنده مورد نقد و بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: فلسفه، ادراکات حقيقی، مطلق، دائم، ضروری، ادراکات اعتباری، نسبی، متغیر، زندگی، علامه طبیعی
بررسی اثباتی فلسفه علم اقتصاد اسلامی

محمد رسول آهنگران*

فلسفه علم نگاه از بالاست به آنچه دانشمند یک علم در کوچه راههای باریک دانش مورد کنکاش خود نظرهای آن است.

در علم اقتصاد، اقتصاددانان به بررسی و تحلیل تنوربهای اقتصادی خود مشغول است و لی فیلسوف علم اقتصاد سعی دارد در یک نگاه جامع فروش و مقدمات را با روش و شیوه و نیز این دو با اهداف و مقاصد این علم یکجا ببیند تا هم بتواند درباره صحت بودن جهتگیری این دانش نظر بدهد و هم نسبت به هماهنگی و هارمونی سه وضع فوق کسب اطلاع و اطمنان نماید.

علم اقتصاد چون به مطالعه یکی از روابط میان انسانها میردازد، بیشتر از علمی که خارج از شاخه‌های علوم انسانی قرار دارد، نیاز به نگاهی از بالا دارد و اگر این نگاه از اوج منظر توخیاد صورت گیرد، بطور قطع صائیر و اطمنان بخشتر خواهد بود.

در مقاله مورد تحقیق سعی بر این است تا از منظر بروشور شاخه انسان و نیز روایات صادر از معصومان (ع) به بررسی سه وضع فروش اولیه، روش و هدف علم اقتصاد پرداخته شود. ابتدا بايد ديد آيا فروش و مقدماتی که اقتصاد بر پایه آن استوار شده درست است یا خیر؟ و سپس ملاحظه کرد که روش مورد انتخاب اين علم برای رسیدن به مقاصد چگونه است؟ و درنهايت بايد ديد که آيا اهداف مورد نظر علم اقتصاد اهدافی است که تأمل کنند آساسی و آرامش انسان باشد؟ و بطور خلاصه آيا اين علم توانسته است توقع بشر را در تأمل سعادت اقتصادی بارمنگان آورد یا خیر؟

کلیدواژه‌ها: انسان اقتصادی، حداکثر سازی، مطلوبیت، سود، بازار

* دانشیار دانشگاه تهران (پردیس قم)
فلاسفة‌ملاصرا، زندگی و معناى آن

قاسم پورحسين*

بنظر میرسند تنها زمانی می‌توان از زندگی و معناى آن سخن گفت که در درون نظریه‌های جدید مربوط به انسان و زندگی بی‌بینی‌شیم. چارچوب متفاوتی، ظرفیت بحث از زندگی و معناى آن به مفهوم جدید را ندارد. چنان‌چه این رویکرد را بپذیریم چگونه می‌توانیم براساس فلسفه ملاصرا به زندگی بی‌بینی‌شیم و درباره معناى زندگی سخن بگوییم؟

این نوشته در نظر داره سه پرسش اساسی را مورد توجه و بررسی قرار دهد:

پرسش اول: آیا می‌توانیم با ابتدا بر فلسفه ملاصرا از زندگی، انسان و معناى زندگی سخن گفت؟

پرسش دوم: چرا دیدگاه کسانی که معتقدند زندگی به مفهوم جدید آن و معناى آن نه در پرتو فهم جدیدی از انسان و زندگی در بستر دیدگاه مدرنیته می‌سر است، هم شناختی است و هم تأمل برونتیز است؟

پرسش سوم: آیا می‌توانیم به نظریه تلفیق گرایانه بی دست یافت که هم اعضاپذیر در آموخته متفاوتی ملاصرا صورت داد و هم در پرتو پرسش از زندگی، و اخوانى از فلسفه او بدست دهیم؟

غرفه اصلی این است که با محوریت پرسش دوم یعنی فهم زندگی و معناى آن در پرتو دریافت‌ها و امکان‌های دوره جدید و تبیین بنیادهای آن، بازخوانی‌ی را در فلسفه ملاصرا نسبت به این مسئله صورت دهیم. نگارندگه در این رویکرد تلفیق گرایانه قابل به ‘نظریه امکان’ بوده و می‌کوشد تا در پرتو این بازخوانی هم زندگی و معناى آن را در فلسفه ملاصرا جستجو کرده و هم شیوه دستیابی به آن را ندوین نماید.

ترک‌دادن نیست که چنین بازخوانی نیازمند بررسی مفهوم زندگی و معناى آن در ملاصراست. فرضیه اصلی نوشته حاضر این است که از میان دو رویکرد طبیعی و

* استادیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
غلطی، میتوان قول دوم را در باب معنای زندگی پذیرفت و در قول دوم دو رهیافت خدا محوری و غایتمندی را بهمراه رهایت تلقی کرد.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، فلسفه صدرایی، نظریه امکان، خدامحوری، غایتمندی
کلیدواژه‌ها: حکمت زندگی، تن و روان، اسلام

* استادیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
معنای زندگی و پراÙ‌مرفتی علت ماي‌لار

حسن سعیدی*

آدمی در طول زندگی خود با حوادثی دردناک و رنج‌آور مانند از دست دادن یک فرد مورد علاقه و یا احیاناً رویدادهای تلقّ بینی که سلامت او را دچار مخاطره می‌سازد، روایتس که اینهمه موجب فشار روی و روانی بی وی می‌گردد. از این‌رو پیوسته این سوآل مطرح است که اصلاً هدف از زندگی چیست؟ و چرا باید زنده ماند و زندگی چه نتیجه‌یی دارد و حاصل آن؟ آمد و شد و روز و گذشته زندگی چیست؟ آیا می‌آید که آدمی باید گذراند چند روزه و یا اینهمه ناملامینه‌دست به گربه‌ناپذیر و یا پیوسته در رنج و سختی به سر برده؟ دانشمندان کوشیده‌اند از زاویه‌های مختلف علمی مانند روانشناسی، عرفان، فلسفه اخلاق و فلسفه این معما را بگشایند و به این سوآل اساسی پاسخ دهند. نقطه تمرکز این نوشته، بررسی معنای زندگی در نظام حکمت صدرایی است.

در این راستا اولاً به این سوال باید پرداخت که آیا فلسفه شانست و نتاوایی دارد یا به پاسخ سوال‌های فوق بپردازد؟ و یا اینکه در این خصوص باید طرفدار دیدگاه «لا ادی» بود، زیرا تلاش برای یافتن پاسخی قاطع به فرجامی روش نمی‌انجامد زیرا:

اسرار اول را به دانی و نه من و حین حل معما نه تو خوانت و نه من و بر خلاف اینکه بتوان به واکاوی مسئله پرداخت به چه میزان می‌توان به پاسخی قانع‌کننده و روش رسمی؟ نگارنده در این نوشته کوشیده است تا چراپی یک زندگی را در سیره معرفی صدرالدین محمد شیرازی، بیان‌گذار حکم معطوبی، توضیح دهد. از این‌جا و به بیان جایگاه مسئولیت می‌پردازد که نقش اساسی در توصیه و معناداری زندگی دارند. مانند: اعتقاد به وجود حکم و علیم و کمال و زیبایی مطلق، عشق، سعادت و شعاع زندگی به این ترتیب زندگی آدمی را در تکمیل سیستمی شامل مجموعه دنیا و آخر دانسته و معین است شعاع زندگی آدمی فراتر از زندگی مادی دنیوی است، از

* استادیار و رییس دانشکده الهیات دانشگاه شهید بهشتی
کلیدوژوهه‌ها: معناى زندگي، لذت، سعادت، تجسم اعمال، قيمت
زندگی حقیقی و خیالی زندگی در آینده افزار

محمد اکوان

حقیقت و معنای زندگی از اهم‌ترین اوقات مناسبی است که ذهن و ضریر انسان جستجو و طالب کمک را بخود مشغول داشته است. انسان تنها موجودی است که علاوه بر تلاش برای شناخت جهان آفاقی درجه‌ی آگاهی یافتن از خود و جهان انفسی نیز اهمت ویژه نموده و گام به گام با پیشرفت علم و دانش و تکنولوژی که موجب افزایش معرفت او از دنیای پیامونی شده است، از هستی و غایت زندگی خود نیز پرسش می‌کند و در پی یافتن پاسخ مناسب و کارآمد و تبیین عقلانی پرسشهای بی‌پدیدی خود در این زمانی است.

هراندازه پرسش عمیقی و مبتینی بر تفکر و تعلق و یا مشتمل بر سپاس‌نهایی امیمتر وجود و هستی او و غایت حیات باشد، پاسخ‌های سطحی و بدون تأمل و پشتونه فلسفی و عقلانی عطش حقیقت‌یابی و کمال‌خواهی او را کاهش نمی‌دهد و اسرار نهفته در درون وی را آشکار نمی‌سازد. از اینرو، باید برای آگاهی از وجود حقیقی خود و معنای حقیقت زندگی و زندگی حقیقی که یکی از پرسشهای بی‌پدیدی ابتدای، ناشی مضاعف و همراه با تأمل و نعمت داشته باشد. پاسخ به این پرسش که معنا و هدف زندگی چیست؟ و چه معیارهایی سنجیده می‌شود و یا چگونه باید سنجیده شود و چرا باید زندگی هدف‌مند باشد، میاناند نگرش آدمی را در شیوه و سبک زندگی تغییر دهد و جهت حیات او از مشخص و معین نماید.

این نگرش فلسفی به انسان و زندگی او که از آن به انسانشناسی فلسفی و زندگی متصلانه و وقیف نظر تعبیر می‌شود، مبنا تحلیل و تبیین فلسفی سرشت انسان و معرفت عقلانی به حیات و غایت زندگی است و این انسانشناسی فلسفی که برخاسته از کاربرست عقل و نگرش خردولزانته اوست، هنگامی آغاز شد که انسان به تبیین عقلانی در مقابل توجه اسطوره‌ی روز آورد و بجای تأمل در جهان پیرامون

* استادیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
خویشتن را موضوع و متعلق پژوهش قرار داد و از جنبه‌های گوناگون وجود و زندگی خود را کاوشید. این کاوش و پرسش‌گری انسان از خود و معنا و غایت زندگی، زمانی اهمیت بیشتری پیدا کرد که خود را در ارتباط با خانواده، جامعه، سیاست و اخلاق و همچنین در ارتباط با دیگران ملاحظه کرد و بنگرگاهی تازه‌ای مواجه شد. چنین دیدگاهی با اندیشه سرافکه با نقشه اوج رسید و او بود که تکلیف انسان را تفکر درباره خویشتن دانست؛ به روایت گونه‌ای، نویسنده عهد باستان، سرافکه نخستین کسی بود که دریغ به طبیعت در کلیت خود توجه تکرد و آنچه را انسانی و مربوط به انسان بوده مد نظر قرار داده.

در دنیای اسلام، فیلسوفان مسلمان نیز به انسان و شناخت او و پویان تفکر فلسفی با زندگی افلاطون ویژه نموده و به‌هجومه از مقام و منزلت او در جهان هستی غافل نبوده‌اند. فارابی، ابن سینا، سهروردی و خواجه نصیر الدین طوسی و دیگر اندیشمندان مسلمان به انسانشناسی فلسفی و زندگی وقایع‌نظر داشته و در این زمینه آراء و اندیشه‌های بديعی عرضه نموده‌اند.

اما صدرالمتأهلین بگونه‌ی متفاوت با نگرش دیگر اندیشه و زبان درباره مقام و منزلت انسان و معنای زندگی و نقش فلسفه در مراحل مختلف حیات و زندگی انسان نظریه‌برداری نموده است. براساس آموخته‌های ملاصدرا، انسان مانند دیگر موجودات ممکن که دارای سرشن و مرتبت وجود و وزن ثابت و پایدار ندارد. بلکه پویه در حوالی شدن و صبوری است و این صبوریت جزء ذات و هویت اوست بگونه‌ی که دائم از مرتبتی به مرتبتی دیگر در گذر است و صبوریت و دگرگونی او محدود به جهان طبیعت نیست بلکه هستی او پیش از جهان طبیعت و پس از آن نیز تغییری نیست و خواهد بود. بنابراین، آگاهی از موجودی که در مرتبت معینی توقف ندارد و پویه در تکامل و تحول و پویای است، بسیار دشوار است و همین ویژگی سبب شده که تغییرات گوناگونی در خصوص حقیقت هستی او ایجاد گردند. از سوی دیگر، این پویایی و صبوریت وجود انسان، تأثیر شگرفی در پیاده‌ی مرحل گوناگون زندگی و حیات عقلانی فردی و اجتماعی او دارد و شیوه و سبک زندگی فردی و اجتماعی نیز از نحوه نگرش او به هستی و مراتب آن سرچشمه می‌گردد. همین مسئله، نقطه عطف تفکر نظری و حکمت علمی است که دراین مقاله تلاش خواهد شد تا پویه‌ی معنای فلسفه و زندگی از دیدگاه صدرالمتأهلین براساس موضوعات زیر تحلیل و تبیین گردید:
چیستی و چرا باید چگونه هستی انسان، مفهوم شناختی زندگی حقيقی و حقيقیت زندگی، معناشناختی زندگی، غایت انگاری و زندگی، مراتب وجودی انسان و مراحل زندگی، آگاهی عقلانی، زندگی عقلانی و سعادت انگاری، کمال مطلوب بیانیه مطلوب زندگی، عقل مشتهار زندگی اخلاق مداره، آموزه‌های دینی پیشونه زندگی عقل و اردهای، تأثیر نگرش فرجام شناسانه بر معنای زندگی، پیوند آموزه‌های فلسفی با زندگی حقيقی و حقيقیت زندگی و تأثیر آموزه‌های عقلانی بر زندگی حقيقی و حقيقیت زندگی.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، غایت زندگی، چیستی انسان، حقيقیت زندگی، زندگی حقيقی، تبیین عقلانی، انسانشناسی فلسفی
محبت و چشتریزی آن
(پاورپوینت کتاب آف اطلاع)

سحر کاوندی*

محبت، حقیقتی ملکوتی و آسمانی است که در زمین، همراه و ملازم انسان شده است. نفَّس محبت در پرورش روح آدمی، تعالی بي‌خلاصي به زندگي و ايجاد تحول و انقلاب در درون انسان بر كسي يوشيده نيست. التي ظاهر محبت و در درجه بالاتر، عشق در وجود آدمي، خود معلول و اثر كمال منوعي روح است. اهميت محبت تا جايي است كي اساس ايمان، حب به خدا دانسته شده و تشريع دين در جهت تأمين محبت واقعي بين انسانهاست. براساس آموزه‌های قرآنی نيز حب ابتدا از جانب خداوند نسبت به بشر آغاز شده و سپس در پي آن جذب به الهی، انسان نيز محب حق تعالي گرديده است (...بحرهم و يحبونه ...).

از نظر علائم قزوينی پايه و اساس حب، معرفت است و ثمره آن، حصول اتحاد بين محب و محبور و محبت امري تشكيكی و وابسته به ادرک بوده و حقيقتيبرين و شديدترین مرتبه آن، متعلق به خداست. با وجود آنها عدلات، امانفضای است و موجب اتحاد صناعي، اما حب، افضل و برتر از عدلات بوده و مقضي و سبب اتحاد حقيقی است. در اين نوشتر پس از برسى و تيبين حقيقت و ماهيت حب، نحوه جریان آن در كل نظام هستي، اقسام محبت، علامات، آثار، لوازم و نتاج آن، ببيان نقش ترتبی آن در زندگي انسان از نظر علامه محمدحسن قزوينی (با محوریت كتاب)
کشف الغطاء (عن وجوه مراسم الابتداء) خواهيم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: محبت، عشق، ترتبی، علامه قزوینی، کشف الغطاء

* دانشورگروه فلسفه دانشگاه زنجان
 besar: رستم برادر عدل وزیبی 
(پاک‌های آراء فلسفه)

حسن بلخاری فهی

جامعیت فلسفه و حکمت بونانی، پویزه در دو وجه نظری و عملی، گسترده تحلیل و اندازه‌وری آن را در تمامی ابعاد مختلف زندگی انسان سریان داد. فیتاغوریان که در مرز میان اسطوره و فلسفه استاده و آرایشان تاثیر بسیار عمیقی در تاریخ فلسفه و حکمت بجا گذاشته، در باب زیستن و پویزه زیستن اخلاقی، ابتداها و حتی نظریه‌هایی داشتند. نفرت فیتاغورس از فلوت به این دلیل که برادرانش هیجاناتی نامطلوب در نفس جوانان است و تأکیدی که در باب تطهیر و زندگی اخلاقی میکند و البته تأثیر این آراء بر افلاطون غیرقابل انکار است، نشانی از تلاش برادران انجمن فیتاگوری برای یک زندگی و زیستن بر بنیاد یک نظام اخلاقی است.

در این میان فلسفه که در باب هنر، دریچه نوبنی به حکمت ملکوت گشود و برخلاف افلاطون که آن را پایین‌ترین درجه از درجات شناخت (ایکازیا یا وهم) پذیرفت بود، برای هنر جایگاهی متعالی قائل شد، محاکات را صور معقول دانست و نسبت میان عقل و هنر و زبانی ایجاد نمود که عامل مطلق تحقق نیکختی در زندگی انسانی بود. تأکیدی جنین: یارها گفت‌ایم که زندگی حقیقی و واقعی و کامل، تها در حوزه عقل است و زندگی‌های دیگر ناقص‌نمی و تصاویر زندگیند نه زندگی کامل و ناب و حتی میتنده گفت همانند عدم زندگیند. (رساله چهارم، انداد اول) و سپس تبیین دقیق نسبت این عقل با زبانی و نقشی که هنر در اطهار و آشکاری آن دارد، ادله اثبات حکم فوق است. اما عقل در ایده فلسفه دو ساخت داشت اول، جوهری واحد و تفکیم نابذار که هستی همه جزئیات و دوم، عقل ما آدمیان که ایده و صورت هستی را پاره‌باره میکند تا آنها را بی‌پای (رساله نهم، انداد پنجم). فلسفه که از نسبت میان عقل و هستی بعنوان جوهری واحد نام میرد و

* دانشیار گروه مطالعات عالی هنر دانشگاه تهران
زیستن بر بیان آن را کمال نیکبختی و سعادت میداند، گریزی به پازخوانی این انديشه دانوی پرداخته است که زیستن بر وفق دانو کمال سعادت و نیکبختی است. حال در این میان برخلاف عقل تقسیمگر ما که اندیشه و روشی به دوریمان از عقل نخستین میانجامد، هن فاصله‌ها را حذف نموده، و با گریز از محاکات عین پیداهی طبیعی، از صور معقول تقدیم میکند. فلوطین هنرمند را کسی میدانند که آثار خود را با سرمشد مستقيم از این صور پیدی مآورد. همچنانه اگر هنرمندی بخواهد پدیده خدایان را ترسیم کند با اینکه سرمای خود بی‌پای است، وی را چنان ترسیم میکند که اگر زمین قصد فرود به این عالم کند به همان صورتی ظاهر میشد که هنرمند تصویر کرده است. بنابرین هنر قدرتی عظیمتر از عقل معاصر آدمیان در کاهش فاصله میان زمین و آسمان دارد. زیبایی نیز بستگی به گفایت همین هنر است که آشکار میشود. از دیدگاه فلوطین زیبایی نه به تناسب است و نه بساختارهی موزون بلکه زیبایی بوسیله صورتی است که در شی‌های موجود است و هنرمند کافش این زیبایی و صورتی بخش آن در قابل سنجی خام است. همچنانه میگل آن‌ل خود را هنرمندی میدانست که رهایی پخش صورتهای زیبای محبوس در سنت‌های. نکته بسیار مهم اینکه عقل اصل و علت زیبایی است و بتعیین فلوطین عقایلی که در ماست، نیز هنگامی به این عقل پیوند یافته و مدرک این زیبایی میشود که خود را پریاورد و ترکیب کند؛ چنانکه هنرمند سنگتراش چنین میکند: «زیبایی روح را چگونه میتوان دید؟ به خود خویش بی‌پای‌گردن و در خویش بی‌گردن و اگر بینی که زیبا نیست همین که پیکترنشان با پیکر میکند، هرچه را زیادی است بترک و است در بیننار، اینجا را صاف کن، اینجا را یکی باشد. که را راست کن و سایه را روشن ساز و از کار خسات مشو رشتبای خدایی فضیلت درخشیدن ابلاغ کند و خویشتن داری را بر اورگن مقدش بینی. وقتی که بدن مرحله رسیده و چنین شدی و با خود خویش یگانه گردیده بی‌آنچه چیزی تو را از وحشان بازدارد یا درون‌تی این‌آمیخته باشد، روشن‌راهی راستی شدی که نه اندازه‌ی دارد و نه در قالب شکلی میکشید بلکه بیرگن از هر اندازه و برتر از هر کمیتی است، وقتی که خود را چنین دیدی، آنوقت است که چشم بینا و نیروی بینایی شدیدی و به خود اعتماد میتوانی کرد: به آنچه که میخواستی، صعود کردی و دیگر لازم نیست کسی راه را به تو نماید. نگاه‌ها متمتک‌کن و بنگر. تنها این چشم میتواند زیبایی کامل و راستی را بنگر. وی‌گاه‌ها چشم چشم بیمار یا ناپای یا ناتوان داشته باشد، ترس زنان تحمل دیدار را از او سلبه میکند و اگر هم از آنچه را در برابر چشم‌های سعادت در زنده دهند چیزی نمی‌پیدا. زیرا کسی
که میخواهد بیان بايد چشمی داشته باشد که با آنچه قصد دیدنش را دارد خورش و همانند باشد. چشم هرگز نمیتوانست خورشید را بیان اگر خود همانند خورشید نبود. روح نيز اگر خود زیبا نباشد زیبایی را نمیتواند بیاند. از اینرو کمی که میخواهد نیکي و زیبایی را بیند، نخست خود بايد همانند خدا گردد و نیک و زیبا شود. پنین کسی هنگام صعود، نخست به عقل میرسد و ابدهي از زیبا را مینگرد و به خود میگوید که زیبایی، همان ابدهاست؛ زیرا زیبایی همه چيز از ابدهاست، از طريق تأثير نروي آفريش عقل. ائنچه را برتر از عقل است، «خودنیک» میناميم و چون زیبایی از نیک فیضان میباید، پس نیک، زیبایی اصلی و نخستین است، ولي وقتی كه عقل را بتهایی و جدا از نیک در نظر ميآرم میگويم: زیبایی معقول، جهان ابدهاست؛ ولي نیک برتر از آن است و سرچشمها و اصل زیبایی است. نیک و زیبای نخستین را عين یکديگر نيز میتوان دانست، ولي به هر حال زیبایی در جهان معقول است.» (رجاله ششم، ائناد اول)

از دیدگاه فلسفی هنرمند در آفرینندگی خود به معرفت طبیعت رجوع میکند، زیرا هنر خود را مديون طبیعت میداند. معرفت طبیعت همان عقل است، همان چهار حقیقی و اصولاً آنچه در طبیعت هست، همان چهار حقیقی و صور روحايي است. از ديدگاه او برای رسیدن به زیبایی جهري عالم كلامات و الفبا كارآمد نيسند بلکه اين تضاوريند كه كارآمد دورده.

فلوطین با تأکید بر هنر، زیستن بر مدار عقل و زیبایی را طريقت رسیدن به نیکیخی میداند. اين مقاله شرح تفصیلی همين حکمکاست كه «ما وقتی كه متعلق به خود خورش هستیم، زیبایی ولی همینکه كام در هستی تبگانه مینههم زشت مشویم. هنگام كه خود را مشخصیم، زیبایی و اگر خود را مشخصیم، زشت، تبگانه زیبایی در آن بالاست و

از آنجا مي آید» (رجاله ششم، ائناد پنجم)

کلید وازدها: هنر عقل، زیبایی، سعادت
تمال فلسفه‌ی زندگی

غلامرضا فداپور

در این نوشته به اهمیت فلسفه و نقش آن در سبک زندگی اشاره می‌شود و اینکه همچنانکه فلسفه خود بر بروز از سبک زندگی و رفتارهای اجتماعی است، این رفتارها متأثر از فلسفه و نگرش‌های فلسفی تأثیر می‌گذارد. بنابرین، نوع نگاه به زندگی که برگرفته از چگونگی‌ها و ساختار شکل‌گیری معرفت است، نقش بسیار مهمی در تنظیم و تنسيق سبک زندگی دارد. ادیانی‌هایی از مظاهر تفکر فلسفی است و چه چنین خود فلسفه است که به‌شكلی گذشته ظاهر می‌شود و این هر دو بر سبک زندگی تأثیر می‌گذارد. از آنجا که فلسفه با بحث شناخت و معرفت آغاز می‌شود، مکانی که بتواند ارائه‌کننده‌ی را در شکل‌گیری معرفت ارائه دهد. مردمانی را با سبک‌های مستقل‌تری در زندگی تربیت خواهند کرد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، فلسفه غلب، معرفت‌شناسی، علم و عمل، هستی‌شناسی

* استاد دانشگاه تهران
فلسفه‌نادانی (برهای زندگی جهالت آمی) و نقش فلسفه روی دیامنی

یحیی قاندی*

تصویر میکسید باید شاخه‌ای تحت عنوان فلسفه نادانی یا فلسفه جهالت داشته باشد. اگر قبل کنیم، پرسش اول این است که یک نوع فلسفه چه میکنند؟ در یک تعريف گلی، فلسفه نادانی پرسیدن سوالهای اساسی درباره ماهیت نادانی است. نادانی چیست؟ اگر بخواهیم به شیوه فلسفی به نادانی پردازیم، اولین سؤال در مورد ماهیت آن است و سپس اینکه آیا نادانی ذاتی است؟ ماهیت انسان و رابطه‌اش با نادانی چیست؟ آیا ما واقعاً نادان یا دانه می‌شونم؟ چون بعضی وقت‌ها چیزهایی که یاد می‌گیریم به حجم جهالت ما اضافه می‌کند، بزرگ نه به حجم دانابی ما و دست آخر نادانی ارزش است یا دانابی؟ آیا دانابی امر ثانی است؟ که اگر یکبار به استدلال آوردم تا ای دره‌های آرده باشیم؟ آیا ذات آدی و ماهیت ما به نادانی است یا دانابی؟ و آیا ما می‌توانیم آدم‌ها را بخاطر نادان‌نشیان سرزنش کنیم یا نه؟ در اینجا دو دیدگاه وجود دارد: از یک‌سوم آدمی چنان انتظار نیست که جایی برای سرزنش نمی‌یابد، چون تصویر می‌شود ما در نادانی آفریده یا پدیدار شده‌ایم. از سوی دیگر، تصویر می‌شود انسان نسبت به سایر موجودات، موجود متفاوتی است؛ آنگونه که ارسطو در دستبه‌سنجی، انسان را حیوان ناطق در نظر آورده و قوه ممتاز انسان را فکر دانسته است. اگر چنین باشد، پس فکر کردن ذاتی من است و بعبارتی بستم دانش رفت و سیری من است. در این نوشته ضمن طرح چنین سوالاتی، زمینه‌های جهالت آدی و نقش فلسفه روی دیامنی در آن توضیح داده خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: فلسفه نادانی، زمینه‌های جهالت آدی، فلسفه و روزی

* دانشیار گروه فلسفه تعیین و تربیت دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم)
عنوان مهاجرتی

پانزدهمین هماشای برگزاریشده ملاصدرا

محمدحسن مهاجرتا*

زنده‌گی سیاسی فراورندی دائمی در چرخه مناسبات جامعه و قدرت است که در آن شوق حرکت با تضادها و تعارض منافع، زنده‌گی را بسیابی سال‌های مداوم سوق می‌دهد و جامعه دائم در ارائه، تغییرات مناسبات جامعه و بروز تغییرات مهم را پدید می‌آورد و در چالش‌های زنده‌گی زمین‌گیر می‌شود و در لایه‌های پیچ در پیچ افتاده و در تغییرات و تغییرات مهم را بروز می‌آورد. در پرداختن و پرداختن و در پرداختن و پرداختن و در پرداختن و پرداختن و در پرداختن و پرداختن و در پرداختن و برخی میل به لذت و شهوت دارند و جمعی در چپ ثور و گروهی شیدای کرامت و شوکتند. اما همه آنها در سویه‌های زندگی فرو رفته‌اند. در پرداختن دیر دیر، کسانی قرار دارند که در قوسی، صعودی به فراوستی جامعه و مناسبات قدرت سفر می‌کنند تا با اتصال به عوامل بالا زنده‌گی روحانی و راهی نسبی نمایند و با هجرت بسوی قطب اول (سپک نوین از زنده‌گی سیاسی) تحت هدایت الهی را برای آنها پرداری، آرزوی و چون این تحرک اجتماعی در ساخت و محض دین اتفاق می‌افتد با دوست‌ها و ارزش‌گذاری‌های دینی همراه است. انتی‌های الهی و امامان هدایت مهم‌ترین گروه از قطب دوم جامعه انسانی، نقص بارزی در ارائه سیکهای زنده‌گی اجتماعی داشته‌اند و با جهت‌گیری استقلال‌یابی و سوی دادن جامعه بستگی کرده‌های متعالی، زنده‌گی را با معنویت عجیب ساخته‌اند. نوشته‌های حاضر در صدر است با شناختی، رویکردهای متعالی به زندگی سیاسی، شاخه‌های این مکتب را در ترکیب «معنا و سبک زنده‌گی» بررسی نماید.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
فرشته ندری ایبانه

روش زندگی با توجه به معنای زندگی معلوم می‌شود. نگاه عرفانی و حکمی به هستی، قدمگاه معنی بخشی به زندگی و پاسخ مناسب به سوالات اساسی است. آنگاه دنبال وقت ندارد و آرامش و گذشته زندگی می‌دانند از زندگی توقع ندارند بلکه از خود انتظار دارد به حقوق بی‌پرواز که وظیفه را بیاند. آنگاه نیاز خواهد داشت به تغییر و حسرت می‌بیند. خواب و خوشبختی را روز به روز بهتر و منش اینچنین شکل می‌گیرد. از اینبند بتعییر بوعیعی سینا، عافر شوش و بش و متسم است. رفتار او با ونمای و مشهور تفاوتی ندارد. امکان دارد در مبحث قوه خیال، عفر به هم و خویش آنچه را که در خارج از محل هم، برای آن و وجود نیست، خلق می‌کند و یا در کیفیت آینه به بودن وجود ممکنی در اینجا ماهیت حق در آن و یا اینچه عافر مکافی از صور حفایق باعث اتصال به عالم قدس مشاهده می‌کند و یا جعل خلافت الهیه برای انسان کامل و سبقه رحمت بر غضب و... بررسی نگاه بوعیعی سینا و حکمی مهاجمه ملاصدرا بی‌نتیجه زندگی و معنای آن چیزی است که مقاله حاضر در پی آن است.

کلیدواژه‌ها: انسان، معنای زندگی، عرفان، ناخدا، بهدا و نباختها

* استادیار دانشگاه بوعیعی سینا
سطح معناداری زندگی
ویکتی (پرسش از معناداری زندگی و علم‌بیننیان در عالم معاصر)

مسعود امید

مدعای نوشتار حاضر آن است که در باب معنای زندگی میتوان از سطوح یا درجات مختلف معناداری سخن گفت. یک تقسیم‌بندی پیشنهادی آن است که ما با دو سطح و درجه از معناداری زندگی سروکار داریم: سطح نخستین و سطح دومین. شیوه زندگی ما نیز برحسب دو سطح از معنا متفاوت خواهد بود.

سطح نخستین معنای همان است که در بادی نظر در برخوردار با خود زندگی و بنا به طور میتواند در همان جریان و عینیت حضور دارد. پس زندگی چیزی است که بطور خود به طور مستقل و نه در ذره حضور یا عدم حضور با آن همان معنی را ایفا می‌کند. ماهیت زندگی چنان است که در آن وجود و حضور و فهم زندگی وحدت دارند. پس معنا چیزی جز همان حضور و جریان زندگی خود ما نیست و از این لحاظ، ما در دوران معنای میان و معنی و شناور در آن هستیم. ردپای معنای نخستین زندگی را میتوان در آراء و اشارات پارسی از فلسفه‌های یافته این منطق‌ها و چنین معنای نخستین و زمینه‌واری اشاره کرده‌اند.

سطح دومین معنای براساس وقوع پرسش از معنای سطح نخستین و در بی‌آن معنا می‌آید. این پرسش ناشی از احساس عدم وضع، عدم کفایت، ناپایداری، ناکارآمدی، نقصان، سطحی بودن، ملال انگیزی، غیرقابلیت و غیرقابلیت بودن و... معنای نخستین است. در این مرحله بدن بال بیان و توضیح معنای نخستین با کشف یا وضع یا اعتبار معنایی ثانوی برای زندگی برمی‌آیند.

* استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز
با لحاظ معنای نخستین برای زندگی، بنظر میرسد که میتوان اذعان داشت:

اول‌اً، خود پررش از معنای زندگی و ثانیاً حکم به بیمعنایی زندگی، با لحاظ سطح نخستین از معنا در زندگی، بیمعناست؛ یعنی این پررش و حکم، همانندید بیمعنایی که یک رانده‌ای خیاط در همان هنگام اشتغال جدی به رانندگی و خیاطی، اول‌اً به پررش از رانندگی و خیاطی پردازد و ثانیاً به بیمعنایی آنچه در گیر آن است، حکم کند. اینچنین برخوردری، فی نفس، بیمعنایی.

نشانه دیگر از بیمعنایی چنین پررش و حکمی این است که خود پررش از معنای زندگی، جریانی موجود از حقيقة زندگی و معنایی نخستین از زندگی را در پیش فرض دارد، چرا که نمیتوان از امر تهی، خلاء و امروز موضوع سوال کرد.

پس یک معنای پایه و نخستین برای زندگی متصور است که فی نفس، نه پررش پذیر است و نه تن به بیمعنایی می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: شیوه زندگی بر معنای معنایی زندگی، سطوح معنادار، بیمعنایی «پررش از معنای زندگی در سطح نخستین»، بیمعنایی «حکم به بیمعنایی زندگی در سطح نخستین»
به‌عنوان نماد انسان، عقل واقعی

على سناي

تصویر ای‌ده آل حاکم مطالعه از انسان این است که آدمی آگاهانه خودش را به حقیقت هستی بسیاری و با تبدیل کردن ظلمت به نور، هدف اصلی خلقت را در قوس صعود برآورده سازد. این تنگری به هستی، میتواند انسان معنارف را از بحران هویت، بیمگدا جله کردن خوات و ضعف‌های اخلاقی نجات دهد. لازم استمکرد وجود‌شناختی به علم این است که برخلاف حقوق بشر غربی، عقیده در انسانیت انسان دخالت داده شود و تعیین اندکاردا از فلسفه تحت عنوان گذر از فطرت اول به ثانی، میتواند زمینه‌ساز احیای تفکر عقلانی برای خروج از چالش‌های فلسفی امرز دریاره واقعیت، ماده و آگاهی باشد. از سوی دیگر، وحدت وجود، تباین نوعی انسانها و سنت شفاهی، تعلیم و تربیت، نتا و ضرب توجیهی را، برای تاسیس نظام آموزشی دارد.

کلیدوژه‌ها: ملاصدرا، اصل، جریان، اتحاد عاقل و معقول، تباین نوعی انسانها، فلسفه، نظام آموزشی

* استادنی گروه الهیات دانشگاه سمنان
مناشنای «معنای زندگی»

علي‌ضا دهقان‌پور

معنای زندگی که از مهم‌ترین مسائل وجودی انسان است، در گذشته به این عنوان مطرح نبوده است. عواملی از جمله ابهام در مسئله، در عدم تفکر عقلانی این بحث دخیل بوده است. بشر از آنجا که دارای تفکر عقلانی است و نیز بعضاً مواجهه با رنجها، هم‌مرحله در معرض این پرسش بوده که چرا با رزیت زندگی کرد؟ ارزش زندگی به چیست؟ قاپه زندگی چیست؟ این بحث در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله دین، فلسفه، روان‌شناسی و اخلاق مطرح می‌شود. این مقاله به معناشانسی «معنای زندگی» می‌پردازد. اینکه آیا ترکیب معنای زندگی درست است ؟ معا به چه معنای؟ معنای زندگی چیست ؟ معمولاً سه معنا از «معنای زندگی» ارداه می‌شود: هدف زندگی، ارزش زندگی، کارکرد زندگی. هدف زندگی دو شاخه می‌شود: یکی هدف آفرینش و دیگری هدف انسان. ارزش زندگی یا ذاتی آن است یا تابع امور عرضی لاحق آن؛ مانند ارتباط با خدا، جاوادانگی، عشق، تعالی. کارکرد زندگی به نقش انسان در مجموعه‌ی برگرفت از خود او اشاره دارد اگر انسان نبود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ آیا انسان با زندگی خلاقی را در عالم پرکرد و نقشی را در آن بعده اداره؟ ملاصدرا در هر سه بخش از معنای زندگی حرف برای گفتن دارد. انسان را هدف‌مند، با ارزش‌های بالا و نقشی بپذیرد در نظام هستی تعیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، معنی، هدف، ارزش، کارکرد، ملاصدرا

* استاد دانشگاه خوارزمی
امکان فقیری، بهداشت نیروی مهارت زندگی

محمدرضا ایراندوست*

«امکان فقیری» از اوصاف وجود و از تولیدات علمی «حكمت متعالیه» است و بمعنای فقر و حاجت و وابستگی ذاتی است: عینظ موجودات ممکن با تمام هویت‌های مرتبی بی‌سر و متعلق بی‌سر هستند. قبل از صدرالمتلایین اگرچه این سنین به مرتبتی از امکان فقیری رسید و ملاسدرای نیز به آن اشاره کرده است ولی تهیه درست آن فقط با مبانی صدرالمتلایین امکان‌پذیر است. تصویری که با اصل و حدود وجود می‌داند از امکان فقیری داشت، هرگز از زاویه قبول به تباین موجودات، حاصل نخواهد شد. در حکمت متعالیه، «امکان فقیری» یک موضوع‌گری توحیدی در عالمل هستی است. زیرا موجودات ممکن، شنوان و اشعه و غیره نور قیوم واجب هستند و استقلال ندارند. این موضوع‌گری به «اصف معاون زندگی» هم م通知书 می‌باشد. سوال از «معنای زندگی» یک سؤال فلسفی است که با سوالات دیگری مانند: «منشا زندگی»، «هدف زندگی»، «همیث زندگی»، «ارزش زندگی»، «دلیل زندگی» چیست ؟ در طیف گسترده‌ای از سوالات فلسفی قرار می‌گیرد که با سخه‌ای آن محصول تئوری‌های علمی، فلسفی و کلامی است. اگرچه در حوزه‌های مختلف مثل فلسفه دین، فلسفه اخلاق، روشن‌شناسی هم به این سوال برداخته‌اند. اما اثبات این ادعا که معنای زندگی اصلی و موجود و محققت است یا انتبارای و نیز اعتقاد به اینکه معنای زندگی محققت است و خداوند آن را خلق کرده و انسان میتواند آن را کشف کند یا اعتقاد به اینکه زندگی فقط معنایی و باید آن را خلق و ایجاد کرده و این انسان است که با آزاد خود آن را خلق می‌کند، همه و همه بر عهده نیلوسان است و آنها در زمره پاسخ‌گویی اصلی به این سوالات بزرگ‌تر مقاله حاضر درصد است با طرح «امکان فقیری» به این سوالات باخ شده.

کلیدواژه‌ها: امکان فقیری، معنای زندگی، ملاسدرای، حکمت متعالیه

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم
ANSAN FALSFI MOTA'AL BAGHAST

سيد حسین واعظی

امنیت مقولنی است که سعه وجودی از خاک تا افلاک محدود بوده و با مرور در هرم عالم و حضرتی، صورتی مناسب آن براپس حاصل می‌گردد. بنابرین، وی هبوط و صعودی بحساب تطور در اطوار مختلف داراست؛ گاهی به اسفل سافایی فلسفه از راه اثالات باعث امید و حاضری می‌گردد و گاهی به عقل علیین و مقام‌های فوسیونی از معیار وقت لابسی، در مفرغ و لانه مرسی و نیز به پیاده و بیانی با دریافت خویش چاپگاه و را تپیان و بر بیان خویش نیز مسندمی ارائه نموده و اینکه کدام نظر به واقع نیزیکری است بستگی به منظر، مدرکات و قضاوت‌ها مفرغ دارد. محقق در این پژوهش ابتدا به روش تحلیل و بررسی محترمانی بعضی گزاره‌ها درخصوص انسان پرداخته و بر گزاره مطلوب دلایل ارائه نموده و در راستای هدف و منظور خویش بعضی نظرات غالب را طرح و در مواردی نقد و درنها تیکی را گزارش کرده است. محترمانی حاصل از این بحث طی یک مقدمه، چند بحث و درنها تیک، نتیجه گیری بیان گردیده است.

کلید‌واژه‌ها: انسان، فلسفه، تشکیک، ملل، ملل

* استادیار گروه الهات دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان (اصفهان)
پر اکتی سران به‌ویژه صناعی (تولیدی/ عالی) فلسفه‌ها و توجه‌های‌اش
جهان اسلام، برغم سابقه و پیشینه درخشان و خيره کننده آن، اقبال مغرب زمین به مباحث عملی، تولیدی و صناعی فلسفه و غفلت و بیتوجهی مشرق زمین و جهان اسلام به مباحث مذکور بوده است.

کلید و اثرها: فلسفه تولیدی (صناعی/ عملی)، فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، فلسفه یونان
بررسی فلسفه مالیاتی براساس اصول اولی فلسفه مطالعاتی

سعید انواری

پیر هادو متفسیر معاصر فرانسوی، با نگاهی جدید به فلسفه یونان باستان نگریسته است و آن را "تمرین معنوی"، "انتخاب نوع زندگی" و "فلسفه بعثتی مشی زندگی" دانسته است. یک معنادار است که فلسفه این فیلسوفان و نوع زندگی آنها با یکدیگر ارتباط داشته و ایشان تنها بدنی نظام سازی و توجه نظری عالم نبودند. بلکه براساس اصول فلسفی خود زندگی کرده‌اند.

در این مقاله با الگویی از این نمایش، نظام فلسفی مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است و نشان داده شده که زندگی وی نیز بازتابی از سلوك فکری و فلسفی وی بوده است. همچنین نشان داده شده که علاوه بر آنکه مالیات قدیمی دارای ارتباط میان عمل و نظر با یکدیگر است، از نظر وی، ارتباط تکانی این میان مطالعات فلسفی و سلوك معنوی و انتخاب نوع زندگی فیلسوف وجود دارد.

کلید واژه‌ها: مالیاتی، پیر هادو، مشی زندگی، حکمت متعالیه

* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی
فلسفه احساس هویت از نظر امام عظام حمزه‌یان

از آغاز پیدایش فلسفه نظری و ظهور سقراط و افلاطون و ارسطو و بعضاً آن، پیدایش سوفستانتیان، این سؤال همواره وجود داشته است که آیا می‌توان از فلسفه برای حل مشکلات اجتماعی کمک گرفت؟ و مهمتر آنکه آیا چنین کاربردی مجاز است؟ افلاطون، ارسطو و فیلسوفان سیاسی پس از او وظیفه فلسفه را امروز کرده‌اند، نظر پرداختن به مباحث نظری مابعدالطبیعی میدانندند، البته در حوزه اجتماع و شکل‌گیری و ادامه حیات جامعه دیدگاه‌ها و آرایی را برای میکردنده به بنیه خود مباحثی از فلسفه سیاست را ساخته است. با ورود فلسفه به حوزه اسلامی و تلاشهای فیلسوفان مسلمان، بخصوص ملاصدرا، کارکردگان و فواید بیشتری را میتوان برای مباحث فلسفه بوجود فلسفه صدراپی که نظر گرفت که میتواند این ساختار اندیشه‌های را برای جامعه امروز کارا و سودمند نماید. توجه به ارزشهای متعالي و تفکر ارزشها و بهادارن به هریک از آنها باندازه قدر و قیمت آنها، دقت در امور ماورایی و ایجاد اشتیاق به کمال در افراد و توسیع شخصیت و... همچنین در حوزه همدلی اجتماعی و ارائه راهکارهای برای هویت‌پایی، استنتاجها و استنباطهای سودمندی دارد. مجموعه آراء ملاصدرا در این خصوص را می‌توان در دو دسته، دیدگاه‌های مستقیم و صریح و دیدگاه‌های غیرمستقیم و استنتاج شده جای داد. این مقاله با هدف شناسایی آراء و نظریات این فیلسوف و متفکر بزرگ مسلمان در حوزه هویت اجتماعی و به روش تحلیل محتوا نوشته شده و درصد او ارائه می‌گردد. در این زمینه است. کلیدواژه‌ها: احساس هویت، ملاصدرا، اندیشه اجتماعی، فلسفه اسلامی، فلسفه زندگی

* استادیار گروه فلسفه و ادیان دانشگاه سمنان
فلسفه برای کودکان: بررسی ویدیوهای نظریه‌های آموزش فلسفه

عظیم حمزهان

از پیشرفت‌های بشر در قرن‌های گذشته و حاضر، ورود فلسفه به جویه عمومی جامعه و حضور آن در صحنه تعليم و تربیت است. سؤال مهمی که در این بحث باید به آن پاسخ داده شود این است که آیا فلسفه، آموزش اندیشه است یا آموزش اندیشه‌هاست؟ برنامه آموزش فلسفه هنگام اجرای بحث‌های مهمی را ایجاد کرده است. در حوزه شناخت‌شناسی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا کودکان توانایی شناسایی و فهم مسائل فلسفی را دارند؟ گروهی در مخالفت با آن استدلال می‌کندند: بدلیل پیچیدگی و دشواری آراء و اندیشه‌های فلسفی، کودکان از فهم آن عاجزند. مک مک، در 1961م، چرخنده 1990م و وايت در 1996م در زمراه این گروه هستند. در جنب مقابل ماتوس، لیمک و جانسون مفاهیمی از فلسفه را مورد توجه قرار میدهند که امکان آموزش فلسفه به کودکان را توجیه می‌نمایند. گروه دیگری نیز به‌منظور به آموزش‌های فلسفه تحلیلی، آموزش فلسفه به کودکان را به تحلیل گزاره‌ها محصول می‌دانند. گروه چهارم، با تکیه بر آراء پیامده، کودکان زیر دواده سال را مستند مطالعه فلسفه نمی‌دانند. البته موافقان آموزش فلسفه به انتقاد‌های مخالفان پاسخ داده و هدف فلسفه را پیشرفت و بهبود مهارت‌های فکری با استفاده از روش‌های آموزشی دانسته‌اند. نوشتن حاضر به‌شکوک تحلیلی و در محدوده آراء و اندیشه‌های متفکران این ایده نگاشته شده است و هدف از تکرار آن تحلیل دیدگاه‌های مهم و قابل بحث در این خصوص می‌باشد.

کلیدوواژه‌ها: فلسفه برای کودکان، نظریه‌های آموزش فلسفه، موافقان و مخالفان

آموزش فلسفه

* استادیار‌گروه فلسفه و ادیان دانشگاه سمنان
تعالی زبان، حیات مطالعه

رسول برجیسیان

زبان در چند دهه اخیر از موضوعاتی بحساب می‌آید که نظر عالمان علوم انسانی را به‌جście گردیده است. در این میان مهم‌ترین فلسفه‌دان توجه به زبان شاید از بقیه بر جست‌های نظامی‌شاید. در این دلیل که روزگار فلسفه به زبان محضی را ایجاد می‌کند که همه‌شناختی علوم را بنحوی در گیری مسائل می‌سازد که غفلت از آنها می‌تواند در سرنوشت علوم تأثیرگذار باشد. علاوه بر آن، فلسفه‌دان با روزگار خاص خود مباحث مهمی را در خصوص زبان طرح نموده‌اند که خود یک علم فرازان یا فلسفه زبان را تشکیل داده است.

یکی از مباحثی که امروزه اهمیت ویژه‌ای برای عالمان علوم انسانی بیدار کرده، تأثیر زبان در رشد و توسعه عالمندی انسانی است. آنچه شاید نمودی عالمندان دینی بسیار مهم می‌باشد، نشان زبان در تعالی معنوی جامعه است که توجه ویژه‌ای را از جنب حکیم‌تبار اسلامی متولید. این مسئله از مسائلی است که در حکمت محلی و رویکرد خاص صدرالمتالوین میتوان به آن تغییر و با افقی که حاصل حکمت صدرایی است، نشان زبان را در تعالی انسان و جهان و همانا داد.

فلسفه‌دان جدید در بحث زبان به‌نگاره‌ای استدلال نموده‌اند که تفکر بدون زبان امکان‌پذیر نیست. بنابراین این استدلال آیا میزان همان‌گونه که کلمات بی‌معنی را تصویر می‌کنم، معنی بدون کلمه را تصویر نماییم؟ اگر معنی بدون کلمه امکان‌پذیر نیست و اگر تفکر بطور قطع درباره معنایی است و تنی فهم، فهم به معنایی است، بنابراین تفکر بدون زبان و فهم بدون سخن و زبان امکان‌پذیر نیست. به‌عنوان نتیجه‌نگار، نتیجه‌گیری می‌شود که آن نمود. حال اگر عالی‌ترین جلوگاه حقیقت انسانی تفکر و باشود و تفکر بدون زبان امکان‌پذیر نباشد و هر عمل اختیاری که در سلول انسان مؤثر است، بدون فهم به آن میسر نباشد، در نتیجه تعالی زبان، تعالی حیات انسانی است و زبان ظهور حقیقتی کامل

* استادیار دانشگاه فرهنگیان (پردیس شهید باهنر اصفهان)
كلماتها: حياة متعالية، زبان متعالي، عالم انساني، حكيم زبانی

مقدمة نص همايش برگداشت ملاد، 

لا تزال الأقوال الفارغة في الفن واللفظية تحمل مصممها، في سبيل عقلانة كي يكون حكيم قدره بر روي

مفرط و تأملات تأكيد نموذج نظر را برتر از عمل بشمار ملود.

نكاتي ك ملاصدرا در تأمل حقيقت مبداً و معاد متذكر گردیده و اشاراتي كه به زبان در ظهور عالم خلق، و عالم انساني دارد برای ما مبرهن میسازد كه تا چه میزان زبان در تعالي حيات انساني نقش دارد و بعبارتي مبناگفت اساسیهای نقش را در تعالي حيات انساني بر عهده دارد.

این مقاله بر آن است تا نشان دهد كه چگونه تأمل حكيمی صدرابی در خصوص زبان، رابطه بین تعالي زبان و حيات متعاليه را آشكار نموذج و وظيفه اهل تفسل را تأمل در این رابطه میداند تا بهداهای رسمی يک جامعه دينی از رهگذر اين تأمل با وظيفه خود يخوبي آشنا شده و وسایل و زمینهای لازم را برای رشد، توسعه و پیشرفت جامعه خود فراهم نمايند.
شهین اعوانی

نتیجه طرح سیاس فلسفه در ایران (که به پیشنهاد و مسئولیت اینجانب، با همکاری گروهی از دانشجویان کارشناسی ارشد فلسفه طی چهار سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران انجام شده است) نشان می‌دهد در حال حاضر در کل دانشگاه‌های کشورمان در مجموع ۲۶۳۸۶ نفر دانشجوی فلسفه دارم که در مقایسه با کشور آلمان که حدود سه هزار و اندی دانشجوی فلسفه دارد، قابل تأمل است. بنده در نظر دارم در نوشتن حاضر به این موضوع بپردازم که چگونه فلسفه می‌تواند در زندگی مردم، بلوغ در زندگی فلسفه‌خواندها و فارغ التحصیلان فلسفه تأثیر داشته باشد. در صدها اثبات این نقته برخواهم آمد که نسبت بین فلسفه با زندگی بمراتب بیشتر از نسبت علوم با زندگی ماست: چون فلسفه به سؤالات مبتداد که بطور مستقیم در زندگی رویزمره با آنهای سروکار داریم، یا بلحاظ نظری در مرزهای بین چیز فکری و دیگر صورت‌های عرصة عمومی قرار می‌گیرد. از چنین دیگر، مسائل و روش و منشأهای فلسفه زیربنای ارزیابی اعمال و نهادهای انسانی را تشکیل می‌دهند. فلسفه وظیفه دارد همه واقعیت‌ها را که می‌تواند بنحوی به این مسائل مرتبط باشد، یکدیگر باورد و از آنها استفاده کند تا دیدگاهی روشن در باب مسائل بین‌دبای زندگی و واقعیت بسته‌ای بدست آید. باقی فلسفه معروفی از زندگی است که بصرىت دیگر زندگی معروفی ما اثر می‌گذارد. فلسفه گریزی از این ندارند که فرزند زمان و ملت خودشان باشد. اما چگونه؟

کلیدواژه‌ها: فلسفه، زندگی، معرفت

* عضو هیئت علمی گروه فلسفه غرب، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
فاطمه علي بور

فاضل علم وفناوري

سخن فلسفه سخن از بودن است و مقصود آن گرداندن انسان به جهان عقلی مطالبی یا جهان آفرینشی. انسانی که حکمت الهی ترسیم میکند، شوق دانستن و تعقیب دارد و بمد نظم و حکمت و با آرامش درونی در مسیر سیر از الله رو به تعالی دارد، و چنین کسی نه از خود بیگانه است و نه مضطری. اما با وقوع رنسانس در غرب و با محدود شدن حوزه علم و دانش به علم تجربی، علم معاون عمار شناخت، از دست داد و رهاوران، فناوری شد. تکنولوژی بر طرف آمیزه انسان در عالی‌ترین حکمت، یک بشر ایجاد کرد و از قرن‌های میانه آن تحول سرعت چشمگیری پیدا کرد. با اختراع رایانه سرعت تحول، صدها بلوک هزاره‌ها برای شد و اکنون ما در دنبال ماشینی پسر میبریم. گرچه هدف رنسانس، اومانیسم و تسلط انسان بر طبیعت بود، اما فناوری و ابزارهای بر انسان تأثیر گذاشت، بگونه‌ی که امروزه ما زندگی‌نامه‌ی انسان را بر اساس حکومت مانند تنظیم میکروپال و بعبارت دیگر، انسان در اسارت ماشین قرار گرفته است و از هویت واقعی آدمی بیگانه گشته و فرصت تفکر و تعقیب در مسائل عیمی انسانی از بشر گرفته شده است. انسانی که از بودن به دانستن تحول یافته است و این مقوله همان از‌هویت‌بی‌گانگی است. اگر در گذشته ارث‌های انسانی به ویژگی‌های انسانی بود، امروز بسعی دانستن، تغییر یافته است و حاضر آین تغییر، شتاب و اضطراب است.

گرچه اکنون از فناوری گریزی نیست ولی همگامی که نیچه می‌گوید: «می‌کن است دانش، دانشگاه را نابود کنند»، از این‌رو که از آنکه گول فناوری بتواند فرهنگ‌ها و آرامش بشر را یکجا بپلند، انسان‌ها باید بمد نطمیزد همواسه، و فلسفه الهی از توجه به ظاهر ملود زندگی بسیار تعقیب و تفکر حکم‌مانه حرکت کنند و به اصل خوشی باز گردند. 

کلیدوواژه‌ها: فلسفه، علم، فناوری، بودن، دانستن، اضطراب، تعقیب

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور
بدر و ارژش زندگی

نادر شکراللهی

معنای زندگی طبق مبانی فلسفه اسلامی بیوزه ملاصدرا و تابعان او چگونه تفسیر می‌شود؟ اگر بحث معنای زندگی را محدود به زندگی انسان کنیم و آن را به ارزش و غایت زندگی تعیین نماییم و از بعد عینی (نه ذهنی) به آن بنگریم، ارزش و غایت زندگی انسان تابع نظر و عمل است و برای همه یکسان نیست. انسان حاصل دست‌رنگ خود است. یک نوع از زندگی که براساس عبودیت در حوزه نظر (که تفکر خود بالاترین عبادت است) و عمل بیش میگیرد، ابعاد بالقوه انسان را شکوفا می‌کند و صفات الهی در ای دو مثل می‌شود و به به‌جست و سرور دست‌پذید و بسوی به‌ینهایت شدن بیش می‌رود. همه هستی تجلی زیبای مطلق می‌شود، پس از زمینه‌تن و انسان بسوی خدا شدن بیش می‌رود و بزرگترین هدف ممکن برای او ترسیم می‌شود و تمام این نکات در یک جمله که منسوب به امام صادق (ع) و مورد اعتماد فلسفه صدرایی است تجلی می‌کند: "العبودیه جوهرگی که‌ها الربیهة."

کلیدواژه‌ها: عبودیت، معنای زندگی، خدازیان شدن، هدف زندگی

* استادیار دانشگاه خوارزمی تهران
حسین زمانی‌ها

در سایر فلسفه‌های مطالعه، برخی از مفاهیم حسین تمایل نشان می‌دهند که در جهان بشر، جامعه‌ای از جمله‌هایی که در آن جامعه‌ها اثبات و اینستیتو و همین‌طور منابع دینی از جمله آیات و روايات و مبانی فلسفی خود موفق به تبیین نظریه‌های جامع در باب ساختاری طولی جهان بشری می‌باشند. در این جامعه، انسان ساختار طولی جهان بشری تنها در پی تکامل و وجود و فرده انسان قابل تبیین و تفسیر است و از دید انسان این ساختار ارتباطی زیستگانگی با تکامل معرفی انسان دارد. باوجود برخی تفاوت‌ها معنویات طولی جهان انسانی را از دید فلسفه اسلامی به سه حاصل زیر تفسیر کرد: حیات مادی، حیات متقابل و حیات معقول که ابته در فلسفه ملی‌سازی می‌توان به ساختار فرااعقلایی نیز اشاره کرد. در این زمینه ابتکار ملی‌سازی در این است که وی با استفاده از مبانی فلسفی خود از جمله اشیائی اصلی، تشكیک وجود و حرکت جوهری، توانسته به‌وسیله تکامل انسان در این ساختارها را تبیین فلسفی نمایید.

اما مهم‌ترین چالش فلسفه اسلامی و بطور خاص ملی‌سازی، عدم توانایی ایجاد در تبیین ساختار عمومی جامعه و تشبیه‌ای از ساختار طولی جامعه و تصویری از جامعه انسان که که فلسفه ملی‌سازی مبنای موضوعی و نوع نگاه خاصی که تبیین آن است، قادر به تبیین آن نیست. از جمله این ساختار، می‌توان به ساختار زندگی، اجتماعی، عمومی و خصوصی و حتی در عصر حاضر، ساختار حقوقی اشاره کرد. امروزه

* استادیار گروه فلسفه و حکمت دانشگاه شاهد
فلسفه غربی با عطاف توجه بسیار به ساحات عرضی جدیدی در این حوزه به نظر می‌رسد. پرداختن به نظراتی مثل مهارت در ترجمه، جدال‌های خود از جمله دگرگونی ساختار حوزه عمومی و نظریه کنش ارتباطی به نظریه پردازی در باب حوزه عمومی جهت درک و پیش‌بینی دیگر روش‌های غربی با نام هوریجی دریفس در یکی از آخرین کتاب‌های خود، یعنی درباره پیمانه‌ای خود به این نمایش از ساختار جدید بنام ساخت حیات یا زندگی مجاور یاد می‌کند.

ضعف فلسفه ملاصدرا در تبیین ساخته‌های عرضی جهت بشری، ریشه در ضعفی ساختاری در فلسفه وی دارد که همانا عدم قوانینی او در تبیین فلسفی تشکیک عرضی است که خود این امر نیز ریشه در مبانی فلسفی وی از جمله نگاه خاص به حضور، وجود و نفوذ ورود به این بحث دارد. هنگام این بانگاه، بحث وجود برخی نیز که بیشتری از هر یک دیگر انتظار مبود، ملاصدرا اشاره کرد به روابط بشری نیز داشته باشد. وی وارد این حوزه نشد و انتظار خوانده را برآورده ناضد. از این رو بنظر میرسد با وجود ادعای به برخی از قابلیت‌های حکمت متعالیه صدرا وی به جمله دارای یک وجود زندگی در ساختاری تشکیک عرضی جهت بشری. این در حالی است که صورت دینی ما با بطور خاص قرآن به این ساخته‌های عرضی توجه داشته و به برخی از آنها پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: جهت بشری، ساخت طول، ساخت عرضی، ملاصدرا، وجود ربطی، تشکیک عرضی
ترمیمت‌گون و نوجوان از کجا آرزوی تریم‌گردی درویکاری است

محسن جاهد

ارسطو تأکید بسیاری بر تریم‌گردی در دوره کودکی دارد. از نظر وی یکی از اصول تریم‌گردی است که روشنی در تریم‌گردی آنها اتخاذ شود که آنها با روح و سرعت قانون اساسی کشور سازگار کند، اگر حکومت دموکراتی است کودکان و نوجوانان باید مطالب قوانین این حکومت تریم‌گردی شوند و اگر ایگارشی است مطالب قوانین ایگارشی. رعایت این اصل در تریم‌گردی، سبب می‌شود مردم حکومت خود را حفظ کند. در غیر اینصورت حکومت‌ها با بحران‌های درونی رویروخ خواهد شد. از نگاه ارسطو، کودکان را باید از دیدن پیکره‌ها نگاری، نمايشهای ناپسند و دشناگویی بارداشت، زیرا اولین دیده‌ها و شنیده‌ها بر آنها تأثیر شگرفی دارد. از میکوئیتن و تودوروس، باید اولین ترازدی - حق داشته که اجازه ندهد هیچ‌پاژیگری هر چند باید گری بیگر از بهتری باشد. پیش از و پیش از بهتری باشد. همیشه فریفته نخستین باید میشوند. تا نیای سالگی نیای کودکان اموزش داد، اما برای این چنین واداشت تا اندازه‌ای پیشرفت حفظ شوند و این کار را باید در قابل بازی انجام داد. این دیگر توصیه‌های ارسطو آن است که تریم‌گردی باید برای همه پیکران باشد. آموزش‌های سودمند باید پیشرفت از تریم‌گردی کودک را تشکیل دهد. موسمی را نیز باید در این برنامه گنجانند. اما باید تریم‌گردی کودکان لازم است از مقام‌ها و نواحی‌های بی‌هره گرفت که اخلاقیند. این نوشتار دیدگاه ارسطو در باب تریم‌گردی کودکان و نوجوانان را بررسی خواهد کرد و تا حاضر مبانی نظری اندیشه‌های تریم‌گردی وی را نشان خواهد داد.

کلیدوواژه‌ها: ارسطو، تریم‌گردی، اخلاق، کودکان

* استادیار گروه فلسفه دانشگاه زنجان
فِلْسَفَهُ، تَقْوِيَتْ اِنْدِيْشِيَّن است و آدَمِ هَمِين اِنْدِيْشِه است و بِس. بِعَبَارتِ دِيِّگِر، پِرِ اَسْاسِ حِرْكِتَهای فرِدِی و اِجْتِمَاعِ انسان، مَعْرَفَت و اِنْدِيْشَه است و بِرَای مدیریت رَفْتَارهای فرِدِی و گِرُوِه، هر لِحْظَه نِیاَز به استفادَه از قوَّه تَفْکِر مِبَیِّشِد. مسلمٌ است که اِبَرَارهای گوناگونی، مِیوَاند تَقْوِیَت کِنْنِده اِنْدِيْشَه باَشَد که فِلْسَفِید، یکی از اَین عَنَاسِر أَسْت. از اَمَوری که تَدِیب و اِندِیشَیدن، از اَرْکَان مهم آن بِشَمار مِیَوَر، رَهْبَری و مدِرِیتی اَسْت؛ بَخَصوصَ اَگر قُرَار باَشَد اِنِ مدِرِیتی در اِداره اَمْوِر یک کَشْوَر اَعمال شوَد و اَثری نَانِدْگار اَز خَوَد باَقی بِگِذَارُ و بِعَنَوَانِ الْغَوی رَهْبَری مَطْرَح باَشَد.

مِدل رَهْبَری اَمام خمَشِی (ره) در اِنْقَلَابِ اِسْلامی، بعَناوِنِ آییه و الْغَوی رَهْبَری، قَابِل تَأمِل و تَفْسِیر مِبَیِّشِد. چَرا که پِس از قَوَنِها که از حَکُومت اِسْلامی عِصر پَیامِر(ص) و عَلِی(ع) مِیگِذَشَت، هِیچ الْغَوی رَهْبَری بِرَای حَکُومت اِسْلامی اَرَانِه نَشَد و اَمام سِبْک رَهْبَری و مدِرِیتی خاصی را منَبِاسبِ زَمان ایجاد کرَنَد که قَابِل تَأمِل اَسْت. بَا تَوجه بِه اِنِه اِیشانْ شَخصیَتی جَامِعِ الْاَطْرَافِ بعَد و بِه فِلْسَه و عَرَفان عَنَایت خاصی داَشَتند؛ اَین سَؤَال مَطْرَحِ میِشَود که اَیا فِلْسَه، در سِبْک مدِرِیتی و رَهْبَریْان، تَأَثیری داَشته اَسْت؟ در اَین نَوَشَتار، بِه مِدلهای رَهْبَری و مدِرِیتی اَمام خمَشِی (ره) بَا تَوجه بِه نَگاَه فِلْسَی ایشانْ پِرَداخته خواده شد.

کلیدواژه‌ها: فِلْسَه، رَهْبَری، مدِرِیتی، سِبْک رَهْبَری، اَمام خمَشِی (ره)

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد شهری
نگین سایر رگیده شنای برسل

محمد اصغری

مسئولیت زندگی در پدیده شناسی وسیرل سئلئی بی است که هم خود هوسین و هم مفسران اندیشه او بر اهمیت حیاتی آن صحح گذاشته‌اند. در این نوشتار سعی شده نشان داده شود که برغم اینکه آگاهی اگو همه چیز را در ساختار ذهنیت استعماریش تقویم می‌کند ولی از تقویم زندگی عاجز است و بسخت دیگر، دست آگاهی اگوی استعماری به زندگی تمایل می‌کند. زندگی چیزی نیست که بتوان آن را شناخت. زندگی را با آن زیست کرد تا آن را شناخت. در اینجا استدلال شده که زیست جهانی که هوسیرل از آن سخن می‌گوید برغم ادعای خود هوسیرل هنوز بار نورای و شبیه علمی دارد. بنابرین، زندگی معماً بزرگی است که هوسیرل از گشودن راز آن و امانده است.

کلیدواژه‌ها: زیست جهانی، آگو، علم، ذهنیت استعماری، هوسیرل

* استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز
معنای «زنده» از نگاه ویژه‌ی جزوه‌گذاری

محمدرضا عبدالله نژاد

در این نوشتار نگاه ویگنشتاين و ویلیام جیمز درباره «معنای زندگی» مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. گفته است با اینکه اندیشه‌های ویگنشتاين و ویلیام جیمز به دو سنت فلسفی متفاوت (سنت تحلیلی و سنت پراگماتیستی) تعلق دارند که از لحاظ مبنا و اصول کاملاً با هم فرق می‌کنند، ولی اگر پراگماتیسم را یک شیوه تفکر و نه یک جنبش فلسفی تلقی کنیم در چنین صورتی می‌توان از جنبه‌های پراگماتیستی فلسفه ویگنشتاين نیز سخن گفت. بنابراین می‌توان جنبه‌های پراگماتیستی یکسانی را نزد این دو فلسفه مشخص نمود که آنها به‌همگام تأثیر درب‌های زندگی را به آن متسوی می‌شوند. در نتیجه، این مقاله نشان می‌دهد موارد زیر مهم‌ترین جنبه‌های پراگماتیستی هستند که ویگنشتاين و ویلیام جیمز به‌همگام تأثیر درب‌های معاونی زندگی را به آن متسوی می‌شوند: ۱) تقدیم عمل بر نظر (۲) تبیین پراگماتیکی معنای زندگی انسان (۳) تأکید بر عنصر اجتماعی (۵) تأکید بر اهمیت دین در فهم زندگی انسان (۶) توجه به طبع انسانی (۷) تبیین پراگماتیکی شناخت.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، جیمز ویگنشتاين، پراگماتیسم، دین، طبع انسانی

* استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز
ارزش ذاتی زندگی از مفهوم‌های انسان‌شناسی

محمدرضا مصطفی‌پور

هنگامی که انسان درد و رنجی را می‌یابد و یا در زندگی با شکست مواجه می‌گردد، این
پرسش برای او مطرح می‌شود که آیا زندگی ارزشمند است یا فاقد ارزش می‌باشد؟ و اگر
ارزشمند است آیا ارزش آن ذاتی است و یا دارای ارزش تبعی و بالعرض خواهد بود؟

از منظر صدرالمتألّهین، ارزش زندگی ذاتی است و این تلقی از زندگی بر
هستی شناسی و خداشناسی و انسان‌شناسی وی مبتینی است. در نظر ایشان حیات از
مقوله هستی است و هستی خیر و ارزشمند است و از جهت اینکه حیات و زندگی
انسان مخلوق خداست و آنجه خدا می‌آفریند خیر است، پس زندگی نیز خیر است و از
آن‌جاکه برتری انسان از دیگر موجودات برخاسته از فطرت و عقل و انتخاب گری
اوست، به همین دلیل دارای کرامت ذاتی می‌باشد، زیرا با عقل می‌تواند به شناخت صحیح
از جهت نظر و عمل دست یابد و با اختیارگری آن اندیشه و عمل درست را انتخاب کند
و از این راه فطرت، خود را شکوفا سازد و با شکوفایی فطرت زندگی حقیقی خود را
شکل داده و به آن ارزش بپبخشد. انسانی که به زندگی ارزشمند دست یافته، شکسته‌ها و
پایی برای پیروزی و درد و رنجها را وسیله‌ی پی برای رشد و ارتحال خود تلقی می‌کند و از
این طریق زندگی را شیرین می‌یابد و از آن احساس رضایت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ارزش زندگی، خیبرپذیری هایات، انسان‌شناسی، هستی شناسی، خداشناسی،
فطرت، عقل و اختیار

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی *
نیوشتار حاضر به تبیین دیدگاه صدرالمتاآلهین در باب خودشناصی و خودسازی میپردازد. درباره خودشناصی و خودسازی دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد؛ برخی خودسازی را مقدمه خودشناصی دانسته و برخی خودشناصی را مقدمه خودسازی. از نظر ملاصدرا خودسازی مقدمه خودشناصی است؛ یعنی آدمی بر اثر سیر معنوی و سفر الهی میتواند حقیقی حیات را بپردازند مشاهده نماید و بر اثر این خودشناصی خدا و تجلی او را دریافت.

نگارند معتقد است با توجه به منابع و مکتب‌واتی که از صدرالمتاآلهین موجود میباشد، مانند الامام حسن مجتبی، شواهد، ارتباط، ارتباط، مفاتیح، التفاوت، از این گونه که همان "معرفت‌الرب" است، از راه خودسازی میسر میشود.

کلیدواژه‌ها: خودشناصی، خودسازی، ملاصدرا، رابطه خودسازی و خودشناصی

* استاد دانشگاه خوارزمی
نفس‌شناسی ملادراومندان زنگی

قاسم اخوان نبی‌ی

معنای زندگی از مسائلی است که امروزه بصورة جدی برای متفکران و اندیشمندان فلسفی مغرب زمین مطرح است. با مروی اجمالی در مسائل جوی‌های فلسفه، روشن‌نامه‌ای، اخلاق، فلسفه دین و کلام جدید به این نتيجة مرسیم که معنای زندگی پررنگتر از دیگر مسأله در شاخه‌های باشندگی از دانش، مطرح است. در جهان معاصر، پدیده‌های گوناگونی چون اضطراب، افسردگی، پوست و نامیدگی پوچی و... در ارتباط مستقیم با مستله معنای زندگی است. رواج روزافزار امروزی مانند خودکشی، سست شدن بین‌دهای خانوادگی، طلاق، افزایش اعتیاد به مواد مخدر و توهیم همگی ناشی از نحوه نگرش خاص انسان‌ها به معنی معنای زندگی است. از این رو بحث از معنای زندگی دارای اهمیت و ضرورت زیادی میباشد. هدف از این نوشتار تبیین این معنی معنای زندگی با تکیه بر دیدگاه ملاصدرا درباره نفس انسان و مقایسه و تطبیق آن با مهمترین نظریاتی است که در فلسفه اسلامی در این موضوع ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: نفس‌شناسی، معنای زندگی، حکمت صدرایی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
فلسفه و تربیت بعنوان دانش شناخت احوال انسان در حال حرکت و احکام دوده گذار، بر روی پروردن انسان کامل، از پهن و ثبی برخورداری باشد. به گونه‌ای که تربیت از یکسپ در تدوین نظریه‌ها، انتخاب موضوعات و حتی روشهای شناسی خود از نظریه‌ای فلسفی بهره می‌گیرد و از سوی دیگر، بعنوان شاخه‌ای از معارف بشری می‌تواند یافته‌های فلسفه و اندیشه‌های یک فلسفه بزرگ مانند صدرالمتالهن را بکارگیرد.

ازاین و میتوان گفت مسئله اساسی فلسفه ارتباط نزدیکی با تربیت دارد. همچنین رابطه مکانی فلسفه و مکاتب تربیتی به‌دنبال یک است که ممکن است یک‌پرسی آراء تربیتی منظم و منسجم بطور مستقیم یا غیرمستقیم از آراء و عقاید یک فیلسوف یا یک مکتب فلسفی انتزاع شود؛ گاهی نیز سن، آداب و نهادهای اجتماعی موجب به نوع خاصی از تربیت انسان‌ها شده است. شخصی باید اشخاصی با مطالعه این زمینه‌ها و کارکرد نهادهای اجتماعی، عناصر تنی‌ای این سنتها و عملکردها را شناخته و کشف می‌کند و سپس آنها را بطور منظم و منسجم تدوین می‌نماید.

فلسفه تربیت نیز صرفاً بکارگیری مجموعه‌ای از اندیشه‌های فلسفی در عمل تربیت نیست، بلکه در جستجوی ایجاد نظریه‌هایی درباره ماهیت انسان، جامعه و جهان می‌باشد. یا به‌طور وسیع آنها داده‌های گاهی متعارض پژوهش‌های علمی و سوئی این نظم بخشید، و هدف‌های مورد تعقیب تربیت و ایزاهای رسیدن به آن را معلوم نماید.

در واقع، فلسفه تربیت عقلانی بودن آراء تربیتی، هم‌همگی آنها با آراء دیگر و جگوگانی کجست آنها در اثر طرز تفکر نامنظم را مورد بازبینی قرار می‌دهد. بنابراین فلسفه تربیت یا حکمت تربیت، معنی‌دار است برای راه‌گشایی خردمندانه در عمل تربیتی.

پژوهش‌ها: فلسفه، تربیت، مکاتب فلسفی، مکاتب تربیتی، فلسفه تربیت

* استادیار دانشگاه شهید مطهری
سلام صریحی از خوشنویسی تاخیرانی

علي میثمی نهراوی

نفس‌شناسی از مبانی خدایشناسی در معارف اسلامی است. اهمیت معرفت نفس نه تنها مورد تأکید حکما و عرفان است، بلکه شریعت نیز نافعترین علوم را علمی می‌داند که در حوزه معرفت نفس باشد؛ معرفت النفس انفع المعارف. بوزه ارتباط خوشنویسی با خدایشناسی همواره از موضوعات اصلی مورد توجه حکما اسلامی بوده است. تا بدان حد که کمتر فیلسوف و عارفی پایت می‌شود که از معرفت النفس و رابطه آن با معرفت الرب سخن نگفته باشد. نوشتار حاضر در پی این است که نظرگاه ملاصدرا را دربیاب سلول از خوشنویسی به خدایشناسی با عنایت به تحلیل آخوند از مفاهیم نظر صورت، انسان کامل، نقص، وجود رابط، احیدی و ظهور ارائه دهد. همچنین با اشاره به چگونگی و سطح ارتباط معرفت نفس و حق و نوع شناخت در خوشنویسی و خداشناسی روش و نماید که در اندیشه فلسفی ملاصدرا، نفس خلقت نمونه‌یی از خلائق است. تا جایی که قائلی که با آیه کریمه: «نفس لله فليسهم انفسهم» را به‌عنوان عکس نقض حديث، «من عرف نفس فقد عرف ربه» تلقی کرده و معتقد است عرفان و برخان و ترّان بر این امر اتفاق دارند که تعلیم حکمت الهی و معرفت نفس انسانی به علم حضوری فوز به بقای ابتدای است و کنار گذاشتن آن منشاً خسارت سرمدی.

کلیدواژه‌ها: نفس، معرفت، ملاصدرا، خوشنویسی، خدایشناسی، انسان کامل، وجود رابط

* مدرس و پژوهشگر سطح چهار حوزه علمیه قم
دیده‌شده، فلسفه و راه زندگی

\textbf{مباحث‌های ارزگاری و فلسفه}

حسین عرب*

یکی از مسائل اساسی در فلسفه اسلامی بیوزه در فلسفه صدرالمتعلیه تحقیق و ابزار تشکیک در حقیقت هستی وجود است. گرچه در آثار فیلسوفان قدیم نیز می‌توان سیاست شدت و ضعف و مراتب داشتن وجود داشت. بگونه‌ای که حکیم سبزواری آن را حتی به فیلسوفان قدیم ایران نسبت داده و گفته است: «الفهلویون بخش هزارها واقعیت حکیمیت، حقیقت هستی نزد حکیمیان قدیم پهلوی دارای مراتب شدت و ضعف است. اما بدون ترکیب این موضوع در فلسفه ملاصدرا مورد تحقیق عمیق قرار گرفته است. موضوع حیات و حقیقت آن نیز در فلسفه ملاصدرا بر بیان تشکیک و مراتب داشتن هستی مطرح شده است. صدرالمتعلیه در آثار خود با صلاحیت تمام به این واقعیت پرداخته است که حیات و زندگی دارای مراتب و مراحلی است. زندگی و حیات یا بنای حقیقت هستی بشی مباید. علی‌البیات مربی حیات از آن خداوند است، زیرا از دو نمره، هستی و داراست و مخلوقات و نیز هریک بتناسب مرتبه وجودی خود از حیات و حقیقت زندگی برخوردند. در نتیجه نیستان که اشرف مخلوقات است. می‌تواند از بالاترین مرحله حیات و زندگی برخوردار گردد. برسی و تحقیق پیروان مراحل حیات و زندگی و حقیقت آن و مختصات مراحل زندگی واقعی نیستان بحث است که در این مقاله مطرح خواهد شد. کلید وژها: حیات و زندگی، تشکیک، ملاصدرا، دین، فلسفه *

* مدرس خارج فقه حوزه علمیه
مجله قرآنی دولابی

میریت استراتژیک حیات انسان در گلکت اخوان اسلام

در زندگی امروزی که روابط بسیار پیچیده‌تر از روابط بالن به ساده و بسیط گذشت است، مدیریت روابط درونی و بین‌رفتار مهترین عامل در حالی‌که بازده و یا پرفت و نابودی است. یکی از مورد توجه‌ترین شیوه‌های مدیریت در عصر حاضر مدیریت استراتژیک است. در این شیوه مدیر تلاش می‌کند پس از بررسی وضع موجود، مجموعه تحت مدیریت خود را به‌سوی وضع مطلوب و آرمانی حركت دهد. بابرین، مجموعه‌ی که تحت چنین مدیریت قرار گیرد، در هر لحظه برای ایجاد آینده بهتر در تکاپوست یکی از فاقدان نیستند این شیوه مدیریت، تدوین استراتژی‌های استراتژیک یعنی تعیین اصولات، شناسایی نقاط ضعف و قوت داخلی و عوامل تهیید کننده مبیت خارجی در فرصتهای موجود و تعیین چشم‌اندازها و هدف‌های بلند مدت و انتخاب استراتژی‌های خاص برای ادامه فعالیت استراتژی‌های گوناگون. این مرحله از مدیریت استراتژیک یا به واسط مراحل بعدی است.

اکنون اگر انسان را به‌عنوان یک کل متشکل از اجزا در نظر گیریم، میتوانیم از این سازمان یا جامعه‌ی بدینم که برای پیشرفت صحیح حیات خویش نیازمند مدیریت است. اعمالی مدیریت در نخستین گام از طریق تدوین استراتژی‌های صورت می‌گیرد. رسانال اخوان الیفنا که از یادگاری‌های ارزشمند انگیزش‌دان قرن چهارم هجری است در بردانده موضوع‌های متعدد و متنوع است؛ لکن توجه به موضوع انسان و جانه و بررسی نقاط قوت و ضعف داخلی و عوامل تهیید کننده مبیت خارجی نوبت انسانی، از اصلی‌ترین مسائل و دیدگاه‌های نویسنده‌ان سوال می‌گردد. موضوعات مذکور اصلی‌ترین اوریندگی به‌وسیله آن، می‌توان خشون اندور سیر حیات انسان را مبنی نمود این نوشتار تلاشی است برای نشان دادن مبانی موجود در آثار فلسفی اخوان الیفنا که به تدوین یک برنامه مدیریت استراتژیک منسجم برای حیات انسان منتهی می‌شود. کلیدواژه‌ها: مدیریت استراتژیک، حیات انسان، حکمت عملی، اخوان الیفنا

عضو هیئت علمی گروه فلسفه و عرفان دانشگاه مذاهب اسلامی*
فیلسفه ترتیب انسان

محمد شریفانی *

از آنجا که سازوار کردن ترتیب انسان و نظام‌نمایه آن از دغدغه‌های فکری همیشه اندیشمندان و مولفان ترتیب انسان برده و هست و در حقیقت در آمیخت و ضرورت ترتیب انسان کمترین تردیدی وجود ندارد، آنچه همگام را به‌وجود می‌شگود کرده نظام‌نمایه ترتیبی انسان است با عنايت به اینکه فلسفه و فیلسوفان به‌عنوان نماینده و طراحان نظام‌نماهای رفتار معقول انسان، طلاهی‌داران این وظیفه‌هاند به روشی میتوان با الهام از حرکت جوهری صدراپی و لوازم شیگانه آن حرکت تربیتی نفس انسانی را مصداق آن حرکت دانست و به‌عنوان نظام‌نماهه تربیتی انسان ارائه داد. بعدها دیگر، فرايند ترتیب انسان را بدينسان که زندگی یک حرکت است و هر حرکت دارای نقطه آغاز، نقطه پایان، محرک، مسافت و زمان می‌باشد. این نوشته در مقام تطبيق بر اين باور است كه فرايند ترتیب انسان هم همين مسیر را دنبال ميکنه.

1. شناخت انسان نقطه آغاز حرکت است.
2. اهداف مقدماتی و نهایت قرب الهی نقطه پایان حرکت است.
3. فاعلیات اعضا و اراده انسان باعث حرکت اصول انسان است.
4. مدت حرکت، زمان حرکت است.
5. نفس بشر به‌عنوان موضوع حرکت است.
6. کاتانا که در آن حرکت انجام می‌شود، مسافت حرکت است.

نوشتار حاضر می‌خواهد ضمن نتیج لوازم شیگانه در قالب یک نظام‌نماه تربیتی، یک نوع از سبک زندگی تربیتی را ارائه دهد و به همه مرببان و مربیان امر تربیت اعلام کند. 

کلیدواژه‌ها: فلسفه، تربیت، سبک زندگی، حرکت جوهری

* عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز
اسان شناخته شدید و مستقل از اخلاق ترفیهی هنر اسلامی

مهمدان‌آقا شریفیان اصفهانی

موضوع «اخلاق حرفه‌ای و آداب معنوی در هنر اسلامی» یکی از مقولات پر کاربرد در مطالعات هنری و اخلاق حرفه‌ای است. سپری‌ه، و سنت هنری پیشینان ما از حضور پررنگ اخلاق و آداب در هم هر عرصه‌های هنری حکایت دارد و این مصروف دیدگاه ایشان نسبت به انسان و جهان و دو رواق برآیند مبانی فلسفی انسان‌شناسی، هنری‌شناسی، و جهان‌شناسی آنها بوده است. حکمت متعالیه بعنوان مستحکم‌ترین و کارآمده‌ترین نظام فلسفی موجود، تبیین کننده گرایش انسان در جهان است. از این رو در این نوشته کوشش شده است به روش کتابخانه‌پی بای معرفی آموزه‌های فلسفی صدراپی و تطبیق با روش هنری پیشینان، جیستی این مبانی انسان‌شناسی مورد مذاق بیشتر قرار گیرد و تأثیر آن بر اخلاق حرفه‌ای در هنر اسلامی تبیین گردد. از این رو در ابتدای مبادی تصویری و تصمیم‌گیری مورد نیاز در هشت عمان، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پایان اشاره به چهارده اصل از اصول آداب معنوی هنرهای متاثر از انسان‌شناسی متعالیه خواهد شد، بفرموده سلطان علی مشهدی در صراف‌السطور:

داند آن‌کس که آشناي دل است، که صفات خط از صفات دل است

کلیدواژه‌ها: مبانی انسان‌شناسی صدراپی، اخلاق حرفه‌ای در هنر، هنر اسلامی

عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه هنر اصفهان

*
"مرگ بست، من، تم" 
سایه مرگ اندیشی فلسفی

*سید محمد کاظم علیوی

فلسفه در معنای واقعی آن با انديشيدن درباره پرسشنامه اساسی آز و بار می‌گردد. از مبان پرسشنامه اساسی برای انسان، پرسش از مرگ به جهانی اهمیت دارد. این پرسش معنایی مرگ و زندگی را درهم می‌آورد. اساساً این دوگانه فکری با هم معنا می‌شوند. زیرا مسئله مرگ یک مسئله وجودی است و آگاهی که وجودی میگردد با وجود همراه میشود و دیگر نمی‌توان آن را با تفکر انتزاعی که رویکردی بیرونی دارد و مرتبط را از وجود مصرفی به می‌گیرد بررسی کرد. در این مسئله با دو واقعیت رویورده هستیم: یکی آنکه "من هستم" و دیگری آنکه "مرگ نیز هست". در دوران بین این دو نهایت آنچه برخی را برای جانبداری از اولی بر می‌انگیزد هراس یا فرار از دومی است، اما چنان‌که گرفتن جانب مربوط به وجود خوشی است و مسئله را حله می‌کند. هراس یا فرار از مرگ نیز مسئله را حل می‌کند و مرگ و زندگی همچنان ناگفته باقی می‌مانند.

از این‌رو مرگ‌هراسی، مرگ‌گریزی و مرگ‌خواهی تبیین نیست و راه درست در اینباره مربوط به چه‌گونه می‌باید و آگاهی که درباره واقعیت مرگ بی‌پایان و به درک وجودی درباره آن بی‌پایه به خودی‌خود سیستم. این نگرش مبتنی بر علم حضوری است و فلسفه اسلامی، بی‌بسمه‌گرایی ارثی، با نیاز دانستن معنویت شناختی آن، علم به وجود خود را بی‌پایه گرایش می‌کند و بجای آنکه مانند دکتر بای رسید به واقعیت خوشی به تخریب همه یافته‌ها دست بزند و از طریق روش‌های سیاستی می‌توان این ویران‌ها وجود خود را بیابد. به درک وجودی تکیه نموده و نه تنها به خودی‌خودی که به خودشناسی نیز می‌رسد و باه بجای گرفتاری در

*استاد دانشگاه حکیم سبزواری
شهره دور معیار صدق، به گذر از خودشناسی به خداشناسی می‌پردازد تا خویشتن خویش را در آن یابد. در واقع در این گذر از فناوی نفس که خویشتن است، به طرفی رب که خویشتن خویش است، می‌رسند.

کلیدوواژه‌ها: مرگ‌هراسی، مرگ‌اندیشی، مرگ‌گریزی، خودیابی، خودشناسی، معرفت، رب، فلسفه اسلامی، فلسفه اشراقی، دکارت.
محمدضا ارشادی‌نیا

معنایی از فلسفه‌پی به گسترش‌گذی و زرفای حکمت متعالیه، مانند معنایی در زندگی، کاری سهل و ممتنع است. آشنایان با حکمت متعالیه، بخوبی واقعند که تمام تلاش قهرمان حکمت متعالیه، برای تحقق این منظره، در جهت‌دهی به بینش و باور راستین جهت میباید.
نقطه عطوف همه نظریات فلسفی و مقاصر علمی، بهبود حیات فردی و اجتماعی است. این مهم با نظریه‌پردازی در معرفت نفس و مسائل الهی نمود روشنی دارد.
ملاصدرا با تکیه بر نظریات فلسفی در معرفت نفس مانند حکمران جوهری و جنبش دائم نفس از مرتبه عقل هیولایی تا عقل مستفائی سعی میکند زندگی معنادار را در طی این مسیر برای انسان نشان دهد. همچنین وي تمام فعالیت نفس جسمانی و منجمد را در پرتو بازیابی نور مییابد. بنظر او زندگی معنادار منحصر در یافتن قله و غایت نهایی نیست، بلکه در هر مرحله معنای زندگی را میتوان در آن مسیر یافت. احساس نور و طمأنیت و آرامش و وجود ملکات مشب نفسانی که همه بن‌مانه‌های دینی دارد، تعبیر کننده زندگی معنادار در مسیر تکابلوی حیات است. اگرچه وی برای بیان معنای زندگی، غایت گرایانه به ابراز نظریه میپردازد، اما بوضوح و تأکید این غایت را بروز از نفس و جدایی از شخصیت انسان نمیداند.
حرکت و هجرت از وضع موجود بسوی وضع مطلوب و مطلوبی، حرکت آفاق نیست، بلکه حرکت صعودی و درونی است که در فرهنگ دینی «معراج» نام دارد. بازیابی این امواج در زندگی، تضمین کننده حکمت صحیح بسوی معنای اصولی و مقصد حقیقی است.
کلید واژه‌ها: معنایی، حکمت متعالیه، زندگی، حکمران جوهری، معرفت نفس

* استادیار دانشگاه حکیم سبزواری
محسن پیشواپی علیوی

خلاف، وجودی یکی از بحران‌های انسان معاصر بیوزه انسان غربی در عصر روشنگری و سال‌های پس از آن است. غفلت از وجود و حقیقت هستی پیامدهای منفی در باب نظام‌پردازی معناداری زندگی بدنیال داشته است، از جمله عدم ارتباط معنا به امری خارج از نفس آدمی.

در نظریه اصالت وجود و مسائل مرتبط بر آنکه صدرالمتأهلین در حکمت متعالیه مطرح کرده حکیقت وجودی انسان فقر و احتیاج محض است و هستی او در پیوند عمیق وجودی با هستی مطلق قوام مییابد، طوریکه انسان طی یک فراکن استکمالي و تقرب به حکیقت وجود به بالاترین معنای زندگی دست مییابد و خالی وجودی که معنای حیاتی زندگی را از انسان سلب کرده و کانون معناداری را در جنبه‌های درونی فرد یا زندگی طبیعی جستجو مینماید به بهترین شکل چاره‌پذیری و درمان مناسب پیدا میکند و معنی زندگی بر مبنای نسبت وجودی با هستی مطلق تحقق مییابد.

کلیدواژه‌ها: خلاء وجودی، اصالت وجود، حکمت متعالیه، معناداری

* استادیار دانشگاه کردستان*
عقلتیت و زندگی انسان از مطالعه و علماطبایی

امین اسدپور

بخش مبانی فلسفی صدرالمتاؤنین درباره عقلتیت (اتحاد عاقل و معقول) و نیز تبیین سیر کمال انسانی (حرکت جوهری نفس)، تصویر نوینی از زندگی انسان ارائه می‌دهد و نقش بی‌بدل عقلتیت و تقلیل را در آن به تصویر می‌کشد. علماطبایی نیز با ارائه نظریه ادراکات اعتباری و تفکیک اعتبارات اجتماعی، طرح جدیدی از جریان انسان به تصویر کشیده است.

پیرامون ارتباط فلسفه و عقلتیت با زندگی انسانی و فرهنگ عمومی را از فلسفه اسلامی استخراج نمود. در این نوشته با بررسی مبانی فلسفی این دو حکم گرانقدر و نیز پیگیری لوازم و اثرات این مبانی در شرح اصول کافی ملاصدرا و تفسیر المیزان علماطبایی علماطبایی نیز جمله می‌شود فتح بابی در ارائه این طرح صورت پذیرد.

کلیدوازه‌ها: عقلتیت، زندگی، ملاصدرا، علماطبایی

* مدرس سطوح عالیه حوزه علمیه قم
فلسفه‌سی زندگی

رحیم آقا علی

زندگی بشتر در امورات فردی، خانوادگی و اجتماعی تابع افکار اوتست. سبک زندگی انسان‌ها هم برای نگاه فلسفی آن‌ها به دنیا و جهان شکل می‌گیرد. اگر نگاه آن‌ها به زندگی دنیا، بعنوان وسیله‌ی برای رسیدن به سعادت ابدی باشد، رفتار و ارزش‌های مشخصی را برای زندگی انتخاب می‌کنند و اگر به زندگی دنیا بعنوان هدف و مقصد نگاه کنند، رفتار و ارزش‌های خاص خود را بر می‌گرزند.

فلسفه، به انسان‌ها دید وسیع و نگاه عمقی می‌دهد تا بتوانند پیروی سبک زندگی خود را در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی مدیریت کنند. در این نوشته کوشش شده است با نگاه به فلسفه اسلامی از دیدگاه حکما و فیلسوفان برویه حکم متألّه، ملاصدرا، به سبک زندگی، نگاهی نو مطرح شود.

کلیدواژه‌ها: فلسفه، مدیریت، سبک زندگی، دنیا، آخرت

* استادیار دانشگاه پیام نور
خلاصه مقالات / فلسفه و راه زندگی

خداومنیای زندگی

فرحناز عیدی*

معنای زندگی یکی از مهم‌ترین موضوعات فلسفی در دوران جدید است که از دیرباز تحت عنوان «هدف زندگی» مطرح بوده است. مسائل اصلی که دیلی عنوان مذکور جای می‌گیرند، مشتاق بر پرستش‌هایی از این قبیلند: معنای زندگی چیست؟ آیا زندگی هدف دارد یا نه؟ چرا ما آقایده شده‌ایم؟ چرا باید این همه رنج را در زندگی تحمل کنیم؟

پرستش از معنای زندگی لازمه وجود خاص انسانی است و شیوه مواجهه انسان‌ها با این پرستش متفاوت است. حقیقت این است که دغدغه معنا با دستیابی به زندگی معنادار یکی از اساس‌ترین دغدغه‌های وجودی انسان است که از اعماق وجود از روی برخی شدید.

پایان پذیری زندگی دنیوی با اصطلاح مرگ و مشکلات و رنج‌هایی که در زندگی دنیوی به انسان میرسد، از جمله واقعی‌هایی است که عدم درک صحیح آنها انسان را به وراثه یوچی و یکی از زندگی می‌اندازد. اما این درد و رنج‌های رای انسان مؤمن به خدا و آریه، زندگی را معنادار می‌سازد. چون انسان می‌تواند از آنجایی که معتقد به جاوادانی خود است، مرگ را نه تنها پایان زندگی نمیداند، بلکه آن را اغماز یکی زندگی جاوادانه می‌شمارد. از این رو این رنج‌ها را به پوچی نمی‌پذیرند و زندگی را بیمعنی نمیدانند. در این نوشتار سعی بر آن است که نشان داده شود زندگی انسان در سایه ارتباط با خداوند و اعتقاد به زندگی جاوادانه اخروی معنا پیدا می‌کند. انسان موجودی هدف‌مند است و زندگی او در صورتی معنادار می‌شود که هدف واقعی را به نشان داده و دنبال آن برود. این هدف جز از طریق ارتباط با خداوند و جلب رضایت او و اعتقاد به زندگی اخروی معنا پیدا نکرده و محقق نیست.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، هدف زندگی، پوچی، علت غایبی، ارزش زندگی

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم
ساعت بلند، کره و تکرار فلسفه صدرایی

سیمین اسفندیاری

پیرامون سعادت دیدگاه‌های گوناگون و رویکردهای مختلفی وجود دارد. بدان صورت که برخی سعادت حقیقی را براساس فاصله گذاری و لذت‌گذاری تفسیر کرده‌اند و برخی به فکر سعادت روحی و آختری بوده و نخود را از دنیا و امور و لذت‌های دنیایی به حاشیه‌رانت‌دند. بعضی نیز برای رهایی از درد و رنج بسیار آرامش می‌دهند. بعضی نیز به لذت‌های دروغی رونده‌روی آورده‌اند.

در این میان ملاصدرا ضمن آنکه به سبیل سعادت هم تشکیل دنداد و هم نگاه معرفتی، معناد است که آدمیان باید بدنبال سعادتی بگردند که هم مطلوب به‌خود باشد و هم غایت انسانی را در دنیا و آختری تأمین کند که آن سعادت از لذت قوی‌تر بخرد و از این نوشته، فلسفه صدرایی به انتشال و اهدای بی‌پایان انسان، زمینه‌ریزیدن هر دو نوع سعادت معنی‌داری و آختری، را فراهم می‌آورد که ابهم ریسند بسعادت عقلی و اخروی است که پایدار است. بنابرین سعادت جامع‌نگر تنهای در این رهایی می‌گنجد.

کلیدواژه‌ها: انسان، سعادت، فلسفه صدرایی

* استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه
پارک‌کار استقلال انسان تنضیم‌کننده نهادی ارثالی

مهدی بیات مختاری

در گفتمان قرآن و براساس آن «ولدها کرمنا بین آدم... و فضل‌های عمل» می‌گویند. خلقت حقیقتی است که وی از لحاظ ساختمان وجودی، از جوهر و ذات خویش نیز دارای ارزش است، وی از زبان ساختمان وجودی، از داده‌ها و نظایرهمانه خرید و اختیار برخوردار است که حاکی از این است که آفریننده به وی از هر رنگ، نژاد و جنس می‌باشد و از این رهگذر آدمیان در حقوق عمومی و اجتماعی برای واقع امتیاز می‌باشد. این رویکرد از اصول فرامنطقه‌بین قرآن است که بايد همه آموزه‌های دیگرها با عنایت به این اصل نظری تنظیم گردد و تعالیم ناسازگار تأویل و توجهی شوند.

از این رهگذر در منظر دین، کرامت انسان منشأ الهی دارد. امری واقع و مقدس به‌صورت مبادی. کرامت مستند به افریقیه که به‌هدف اعطاء نشده و در قبل آن انسان متعهد و مستند است، پشتونهای تومنند و بپیدای در رعایت حقوق خود و دیگران است و حکمت و نگاه انسان را در زندگی عالی می‌بشند و با ارتکاب به خیانت و تعلیم حق خود و سایرین، آن را از کف نمی‌دهد. عقل معیار، وحدت، پانتئون موضوعه و کنترل فیزیکی با اینکه در صیانت از حقوق بشر در جمله مؤثرند، اما تجربه ممتد تاریخ نشان داده است که کارآمد نیستند. سوگندان در مکاتب مادی، ارزش انسان، ناشی از طبیعت وی می‌باشد و با این می‌توان نشان گویانه است و به ارگمندی و کرامت و حقوق وی امری مقدّس تنفیذ می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: کرامت آدمی، حقوق ذاتی بشر، راز کرامت، رهنمودهای دین در صیانت از کرامت

* استادیار دانشکده الههات دانشگاه سیستان و بلوچستان
حسن عباسی حسین آبادی

حسن عباسی حسین آبادی

اعضویت علمی دانشگاه به این نور واحد حسن آباد*
نوش‌می‌انی‌ای‌پی‌نتی‌کی‌راهنکردی‌وارگرایی‌و‌کامیابی

امراله‌معین

لاپ‌نیتس فیلسوف قرن هفدهم با ابتنا بر اصولی قائل شد که این جهان، بهترین جهان ممکن است و نفى بهترین جهان ممکن به نفی کمال و درنهايت نفى خالق کامل این جهان می‌انجامد. بر این اساس، او قائل به دو نوع حقایق است؛ حقایق واقع و حقایق عقل. حوزه حقایق عقل امور ضروری، منطقی و هندسی است. حوزه حقایق واقع اموری ممکن، غیرقطعی و اخلاقوی را دربرمیگیرد. از نظر لاپ‌نیتس اشکال کار کسانی که نمی‌توانند مشتبه شرور را حل نمایند یا به نوع ناهمانگی در جهان قائلند این است که همه امور را از نظر حقایق عقل می‌بینند و این باعث نوعی تلقی ضروری از جهان می‌شود. اگر امور جهان را که بنیهای است ممکن بدانیم، هم امور واقعی این جهان مانند خیر و شر حل می‌شود و هم در حیطه اخلاقی انسان‌هایی با فضیلت و کامیاب خواهیم داشت. نتایج سخنان لاپ‌نیتس را در آثار فلسفه و عرفای اسلامی مانند ابن‌عربی و ملاصدرا نیز می‌توان یافت، با آنکه اصول آن فیلسوفان متفاوت است.

کلید‌واژه‌ها: لاپ‌نیتس، حقایق عقل، حقایق واقع، کمال، خوشبختی، هماهنگی، امکان خاص، ضرورت

* استادیار الهیات دانشگاه شهید‌کرد
امیر ابولفضل حکمت ارجمند

جستجوی معناي زندگی برای انسان در طول تاریخ بی اشکال مختلفی جلوه‌گر شده است و در پاسخ به این نیاز انسان مکاتب معنوی گوناگونی بوجود آمده و حتی در درون یک سنت دینی هم این تنوع گوناگونی که به اشکال زبانی مختلف و یا بصورت آرمان‌های دینی مختلف متنقلی گردیده، دیده می‌شود. معناي زندگی یا معنی زندگی و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافته می‌شود و آگاهی از آرزوهای برای یکی ایفه مفهوم بلکه یک عمل است که در سراسر تاریخ بشر یافthes به ساخت معناي در این تلقي گذش از ست و دين باش و راه نجات و رستگاری و رسيدين به آن احساس آرامش و طماينه درونی، فقط از طريق عمل به آموزهای دینی است. در این رويکرد، سنت عبرارت است از حقایق يا اصولي که منشا الهی دارد و از طريق شخصيتياي معروف به رسولان و پیامبران برای ابتای بشر اشکار شدهاند. چين معناي محصول تدين است و تدين محصول احترام به آموزهای دینی است که از آسمان برای معتاده به زندگي انسانها نازل شده است و دين در معناي اوليه خود
همان اصولی است که از عالم بالا وحی شده است و انسان را به مبدأ پیوند می‌دهد. این معنویت سنت گراپایه رابطه و حضوری است که با امر قدیسی در تماس است، این معنویات از درون سنت بدست می‌آید و معادل حکمت جاودان است که در دل هر دینی استقرار یافته است.

اما در رهیافت دیگری که در مسئله معنویت مطرح است، رویکرد عدم توجه به واقعیت مطلق مشاهده می‌شود. بعبارت بهتر، اساساً واقعیت مطلق در این رهیافت معنایی ندارد بلکه صرفاً توجه به ساحت روانی و عاطفی افراد در دستیابی به معنویت یا همان احساس آرامش و فرآیندن از محدودتهایی که انسانها همیشه در پی آن بوده‌اند، مطرح است.

در این نوشته پرستی اصلاحات معنویت و معنازای زندگی در بافت فرهنگی غرب و اسلامی به پرسی نقش دین و حکمت الیه در معنا بخشی به زندگی بشر به خصوص انسان معاصر که بیش از گذشته تشنه معنایت، پرداخته خواهد شد.

کلیدوواژه‌ها: حکمت الیه، معنازای زندگی، دین، معنویت
سم فلسفه اسلامی در بین زندگی ایرانیان

علي اصغر مروت ۱، رضا ماحوزی ۲

پرسشنی که همواره و در همه تمدن‌های برگشته در طول تاریخ مطرح بوده، آن است که فلسفه چه نسبتی با زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد و آیا اساساً ضروری برای طرح فلسفه در جامعه‌هایی که مسائل و مشکلات خود را برمی‌اندازد، حل می‌کنند و یا خیر؟ اگرچه تا اواخر قرن بیستم، سبک زندگی مبتینی بر علوم، گفتمان غالب جوامع بیشتر به غرب محسوب می‌شد، اما در چند دهه اخیر با نفع انتقادی که دانشمندان تجربی و علمگرانان به فلسفه و تفکرات فلسفی و متافیزیکی وارد کرده‌اند، بار دیگر برنامه آموزش فلسفه و تفکر انتقادی، ابزاری برای گسترش و مسرت از قبیل مورد توجه برنامه‌های آموزشی واقع شد و در دنیای توریج و آموزش فلسفه برای کودکان و دیگر اقشار برنامه‌ها و اهداف متعارفی عرضه داشت که بیش از آن، دانش‌گاه‌ها، مراکز آموزشی و پژوهشی دولتی و غیردولتی، نهادها و مؤسسات وابسته برنامه‌های پژوهشی و علمی را به این منظور طراحی و ساماندهی کردند. حال همچنان این پرسشنی مطرح است که فلسفه در روزگار ما چه نسبتی با سبک زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد؟ یا ما توانسته باشیم؟ و چرا در زمانه‌ای اخیر بر ضرورت توریج و آموزش فلسفه تأکید می‌شود؟ یا ما نوشتر ار آن است علاوه بر مسئله فوق، در مطالعه‌های موردن، سهم فلسفه اسلامی و آموزش آن در ترکیب نگاه انتقادی به سبک زندگی ویژه ما ایرانیان را مشخص کند. به این منظور، در یک مورد جزئی می‌توان از الگوی خواجه نصیرالدین طوسی در ارزیابی مقدمات براحت کلامی و تغییر آنها از مشهوران به پیچیدن برای ارزیابی برخی از مشهورات امروز روشنفکران ایرانی و بطور...

١. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور همدان
٢. عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
کلی جامعه علمی که بعضاً اقتباس‌هایی نسنجیده از الگوها و موضوعات فکری غربی می‌باشد، سود جست و نوعی نگاه انتقادی در بررسی موضوعات فکری روز عرضه داشت.

کلیدوژه‌ها: فلسفه، تفکر انتقادی، یونسکو، سیبک زنگی، خواجه نصیرالدین طوسی
معناداري زندگی یکی از دغدغه‌های آکادمیک انسان امروز است. در بالا نظریه فراطیع، حضور مؤلفه روحانی را شرط لازم و کافی برای معرفت زندگی میدانند. گروهی در چارچوب نظریه طبیعت گرا، ضرورت حضور امر روحانی را در معاناتخیال به زندگی نهی کرده و معرفت زندگی را در صورت فقدان خدا و روح یا عدم پرقاری نسبی دست بر آنها ممکن تلقی می‌کنند. بنابراین، اگر گروه در مقابل نظریه‌های خدامحر و روح محور از تنوری شخص گرا و عین گراپسی سخن می‌گویند. تقابل طبیعت گراپسی با فراطیع، با وحدت انگاری و متوافقی انجاری معنای زندگی، دو خاطه منطقی و معاشت‌ناگته برخی نظریه‌ها در باب معنای زندگی است که هر دو خطای ریشه در یک پیش نادرست انسان‌شناختی، پیش توافقی‌اتنگاری دارد. اما با تقلیدل شدن این پیش‌فرض در انسان‌شناسی ملایم‌ای، افکارگرده‌پذیری از معناي زندگی فراوی می‌گردده می‌شود. انواع انسانی ملایم‌ای در محور ایمان و کفر و مراتب وجود آنها از قدر مشترک معرفت زندگی به‌حتم هستند. اما معناداري حقیقی و حداکثری را پاییز در زندگی مؤمنان و مراتب عالی ایمان جستجو کرده. همچنین هر یک از انسان‌های متعددی در نوع یحیی ایمان و کفر، در درون‌شان با یکدیگر تفاوت تفاضلی دارد؛ در یکی دنیا، هدف زندگی و معناداري آن را تأیید می‌کند و در دیگری آخرین و در برخی آخرین کن‌ها. بنابراین، از فرض بطلان نا عرش حقیقت با مراتب از شدت و ضعف، هزارتوی معناتی زندگی. این دیدگاه صدرایی، در عین علومیتی باخی به معنای زندگی و دگریسی از تبعیق تقابلی دیدگاه‌ها به تعین احاطه‌‌ی محاطی، قادر به تحلیل پیچ گرایی در برخی انواع انسانی خواهد بود.

1. استادیار گروه الهات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
2. استادیار گروه فلسفه دانشگاه الزهرا
در این جستار سعی می‌شود با طرح انواع انسانی در فلسفه صدرایی به ایهام افصال در برخی نظریه‌ها و خطای متناشاتی آنها در باب معنای زندگی پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، طبیعت گرایی، فرآیند بهبود، ملاصدرا، انسان‌شناسی، کمتر نوعی انسان
نتایج گرگ‌سپاری: انسان در تعلیم و تربیت انسان معاصر

علي سنایی، مهدی افتخار

در حکمت متعالیه انسان موجودی است که نوعش منحصر در فردش می‌باشد. هر فردی از انسان، نسبت به فعالیت عقلانیت در این همان نسبت، انسان به‌الفه‌نمای خواهد بود. کمال انسان در این دنیا و سعادت اخروی نسبت به همین فعالیت در جهت انسانیت سنجیده می‌شود. این نگرش به‌همیشه، می‌تواند انسان معاصر را از بحران هویت بی‌معنای گذرانده و ضعف‌های اخلاقی نجات دهد. در این دیدگاه با پاید عقیده و عقلانیت در انسانیت انسان دخالت داده شود. لازمه این رویکرد خاص وجودشناختی نوعی انسانیت‌گرایی الیه است که ثمراتی بر خلاف انسان‌گرایی غربی ببار می‌شود. تعریف ملاصدرا از حکمت تحت عنوان گذشت از فطرت اول به فطرت ثانی، می‌تواند زمینه‌سازی احیای تفکر عقلانی برای خروج از چالش‌های فلسفی امروز دبیره انسان باشد. از سوی دیگر در عین وحدت وجود جامع بر روح انسان‌ها، تباین نوعی انسان‌ها و سنت شفاهی تعلیم و تربیت، نتایج جالب توجهی را برای اصلاح نظام آموزشی دربرخواهد داشته.

کلید واژه‌ها: ملاصدرا، اتحاد عاقل و معقول، تباین نوعی انسان‌ها، تعلیم و تربیت

1. استادیار دانشگاه سمنان
2. استادیار دانشگاه پزشکی سمنان
راکردی بومی: فلسفه‌برای کودکان بیشتر، نسخه‌ای موجود

احمد اکبری ۱، علي خالق خواه ۲

با وجود سابقه طولانی مفهوم فلسفه‌ی از زمان سقراط، فلسفه بدلیل اینکه برای نیمی (Lipman) با طرح داستان با منظره توسیع فعالیت فلسفه‌ی در آمریکا شکل گرفت و بسرعت در سایر کشورها مورد توجه قرار گرفت و امروزه به شیوه‌های مختلف و به تغییراتی چند در شکل اجرا و محتوای داستانی آن در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نخستین دیگر که به فلسفه باید کودکان معرفی است. پرونده فلسفه به فلسفه را جایی استفاده از تاریخ فلسفه را چنین (Brenifier) شمرد. این نوشتار حاضر استفاده از رویکردیشان از طرف باید فلسفه برای کودکان در ایران است. در این زمینه میتوان با داشت استفاده از تاریخ فلسفه را لیمین دانست. هدف نوشتار حاضر استفاده از رویکردیشان از طرف باید فلسفه برای کودکان در ایران است. در این زمینه میتوان با داشت اساسی که در فلسفه وجود دارد، فهرستی از مصالح و سوالات مهم فیلسوفان (در مسائل هستی شناسانه، معرفت شناسانه و ارزش شناسانه.) طرح نمود تا به تاریخ اندیشه‌های فلسفی توجه شود. این مسائل و مصالح از داستانی موجود در متن کلاسیک ادب فارسی انتخاب خواهد شد. تا جنبه‌های فرهنگی منظر قرارگیرد و سپس این داستان‌ها براساس رویکرد فراوانی‌ی لیمین برای استفاده در اجتماع زرهوشی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: رویکرد بومی، فلسفه برای کودکان، متن کلاسیک فارسی

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسکن
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
زهري اسمعيل، رحیم آقا علی

تریب آدمی باید به رشد و تحول وی منجر شود. بدین ترتیب اگر افکار و اعمال آدمی براساس فلسفه تربیتی اسلام تنظیم شود فرد میتواند بر مبنای سه عصر «شنایخت»، «اتخاب» و «عمل» در فرانسوی ژان شدن قدم بدارد. با توجه به اینکه در دوران معاصر ویژگیهای جدیدی از سبک معاملات خانوادگی نسبت به گذشته در ایران در حال ظهور است، تحلیل و بررسی این چالش، ضموم نوشته‌ها حاضر را تشكیل می‌دهد که در طی آن به سوالات ذیل پاسخ داده می‌شود: براساس فلسفه تربیتی اسلام چرا انسان باید در جستجوی معاملات (تعامل) باشد؟ کدام سبک معاملات تغییر کند؟ خانواده است؟ توجه به سبک معاملات توجه به کدام نیازهای انسان است؟ در راستای پاسخگویی به این سوالات از روش تحقیق توسعه‌نیابان استفاده می‌شود و با توجه به میزان قدرت فلسفه تربیتی اسلام سبک معاملات خانوادگی در ایران مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد.

کلیدوازه‌ها: سبک معاملات خانوادگی، فلسفه تربیتی اسلام، بايد و نباید

1. عضو هیئت علمی دانشگاه پام نور
2. عضو هیئت علمی دانشگاه پام نور
تئیین نقش‌های فلسفی زندگی و راه‌های آموزش فلسفه نزدیک
با صلی برای همه‌ای در مملکت ایران

یحیی قادری، مؤگان کرد

بگفته کاتر ارزش جنبه دانشگاهی فلسفه تنها در پیوند با معنای جهانی آن است که همان بپین با انسان، زندگانی و سرنوشت اوست و سرچشمه حقیقی پرسشها و کوششها فلسفی همین شری بی آرام زندگی است. اندیشه‌هایی که به هیچ رواکی از این جشنمند و به آن نپیوندند، هر چند هم دقیق و باهمیت شرمرده شوند، از اندیشه ورژیهای برخاسته از قسمی کنجدکاوی نظری فراتر نمی‌روند.

از دو جهت میتوان به فلسفه زندگی پردخت: یک جنبه آن است که در مورد زندگی پرستش‌هایی خردندهان داشت و باصلح در مورد زندگی و جنبه‌های مختلف آن، فلسفه ورزی کرد و جنبه دوم آن است که به فلسفه یا فلسفه‌هایی پرداخت که موضوع اصلی بحث‌های‌آن، زندگی و سرنوشت بشر است. در پرداختن به جنبه نخست میتوان پرستش‌هایی از قبیل اینکه زندگی چیست؟ و آیا زندگی هدف و معنا دارد؟ و یک دارد هدف و معنا آن چیست؟ را طرح کرد و از جنبه دوم میتوان به تئیین فلسفه‌یا فلسفه‌های زندگی پردخت. در این نوشته هدف آن است تا ضمن پرسی این دو جنبه، برنامه‌های درسی کنونی دوره متوسطه در ایران از جهت پرداختن به فلسفه زندگی مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد و در ادامه الگوی برای آموزش فلسفه زندگی ارائه شود. در این پژوهش از رویکرد کیفی و روش گراندتوری در پاسخ به پرسش اول و در قسمت دوم از شیوه توصیفی-تحلیلی و در نقد برنامه‌های درسی ایران از شیوه‌های تحلیل کلی و گراندتوری استفاده خواهیم کرد.

کلیدوازه‌ها: فلسفه زندگی، برنامه درسی، سرنوشت بشر

1. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و برادری دانشگاه خوارزمی
2. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و برادری دانشگاه خوارزمی
کرامت انسان از رویگاه ملاصدرا

عين الله خادمی، لیلا پوراکبرز

کرامت انسانی از مباحث مهم در حوزه انسانشناسی است. کرامت انسان، نشانه‌دهنده آن است که آن از لحاظ وجودی، دارای امتیاز و برگشته ویژه‌ای است و دارای کیفیتی برتر و عالی بوده و گوهر بین موجودات جهان بشری می‌رود. این کرامت منشأ همه تعالیم اخلاقی و حقوقی و سازگار با آن می‌باشد. انسان دارای دو نوع کرامت ذاتی و اکتسابی است. کرامت ذاتی انسان لازمه فطرت انسانی است بدنی‌معنی که این شرافت و برگزاری در سرشت انسان نهاد شده است. این نوع کرامت مرهون ویژگی‌هایی چون خلاقیت الهی و شایسته مسجود فرشته‌گان واقع شدن و دارا بودن روح الهی و عقلانیت است. کرامت اکتسابی انسان بر خلافت است. کرامت اکتسابی انسان بر رخاسته از تلیش و کوشش انسان‌هاست و آدمیان بی‌پیمان رشد عقلانی، معرفت روبوی و نوقه و عمل صالح بدان دست می‌بندند. این نوشتار بر اساس مبانی فلسفی ملاصدرا کرامت انسانی را مورد به‌حث قرار می‌دهد.

کلیدوازگان: کرامت، انسان، خلیفه الله، عقلانیت، نوقه، ملاصدرا

1. دانشیار دانشگاه تربیت دیبر شهید رجایی
2. دانشجوی کارشناس ارشد دانشگاه تربیت دیبرشهری‌چایی
شهر اسلامی و رابط آن با انسان در عرفان اسلامی

مرتضی شجاري، اصغر مولاپور

از دیدگاه عارفان مسلمان عالم هستی جلوه خداوند است و از این رو در نقش زبانی است. خداوند طبیعت زیبا را در اختیار آدمی قرار داد تا بوسیله آن پتاند به کمال رسیده و به بارگاه او راه یابد. بطور معمول، کمال آدمی در زندگی شهری حاصل میشود و از این رو همین عرفان سفر اول از اسفار اربعه عرفانی را از خلق به حق و سفر چهارم را از خلق به خلق با حق می‌دانند ولی‌زدما این دو سفر، زندگی در میان مخلوقات و در شهر اسلامی است. بنابراین شهر اسلامی را می‌توان شهری دانست که زمینه سفر به حق و سفر با حق در آن می‌باشد. مهمترین ویژگی‌های چنین شهری را می‌توان آرامش، نشاط، بوبایی و حرکت دانست. از این رو خانه، مسجد، خیابان، مرکز علمی، تجارت و تفریحی همگی با یاد بگونه طراحی شوند که شوق رسیدن به کمال را در آدمی ایجاد کنند و یا دست‌کم مانعی در سفر آدمی بسی به حق ایجاد نکنند.

کلیدواژه‌ها: شهر اسلامی، عرفان اسلامی، انسان، عشق، اسفار اربعه، خلافت‌الله

1. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز
2. دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز
زنگی تاریخ و مصوبه راه‌های سیاسی، اجتماعی و نظری در زمان معاصر

مرتضی شجایی، مهناز فرزاد

از دیدگاه ملاصدرا رسیدن به کمال انسانی در اجتماعات بشری، حاصل می‌شود؛ کمالی که بنابر حرکت جوهری از بدن مادی و این دنیا آغاز می‌شود. از این‌رو آدمی با بوسه در محیط زندگی خود ویژگی‌هایی ایجاد کند تا واقعیت رسیدن به کمال از بین رفته و یا به حداکثر برسد؛ ویژگی‌هایی که در نبای جدید و توسط برنامه‌ریز انسان شهری موجب ایجاد "محیط پایدار" می‌شود. از جمله این ویژگی‌ها که هم ملاصدرا و هم نظریه‌پردازان معاصر شهرسازی بر آن تأکید می‌کنند می‌توان از محافظت از زمین و منابع آن، توجه به نیازهای انسانی و رعایت اصول زیبایی‌شناختی در محیط نام برد. ملاصدرا "طبیعت" را در هستی مانند "بدن" در آدمی می‌دانند و از آنجا که به کمال روح و یا روح متجسد است و حفاظت از آن شرطی لازم برای رسیدن به کمال است، محافظت از زمین و منابع آن نیز وظیفه‌یی است که خداوند بر عهده خلبان‌خود فرما داده است. خلبان‌الهی مانند مستخلص‌اش زیبایی‌آرا دوست دارد؛ زیرا «خداوند زیبایت، زیبایی را دوست دارد». بنابراین در طراحی شهری رعایت اصول زیبایی‌شناختی لازم است؛ زیرا دیدن زیبایی و درک آن، شوق به کمال و عشق به کمال مطلق (خداوند) را در آدمی ایجاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: شهر، محیط پایدار، محافظت از زمین، حرکت جوهری، کمال آدمی

خلبان‌الهی

1. دانشگاه گروه فلسفه دانشگاه تبریز
2. دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز
آیا «جهانی دانش برای دانش» در کل فکری ارسطو قابل غفلت است؟

حسن فتحی‌ا، سماسه قبیری ورنوسفرانی

تاریخ فلسه با مطالعات جهانشنخانی به اصطلاح پیش از سقراطیان آغاز می‌شود.
تا حدودی بدیل ناکامی‌های این جهانشناسان و تا حدودی نیز بر اثر تحولات سیاسی ـ اجتماعی ـ اقتصادی ـ دینی، این علاقات به جهانشناسی جای خود را به انسانشناسی داد و مطالعات قبلی تحت عنوان «اسمان‌نگری» مورد تمسخر قرار گرفت. اگرچه نخستین واکنش به جهانشناسی و روی آوردن گستردگی به انسانشناسی و مسائل زندگی را در محافل سوفستایی مشاهده می‌کنیم، این افتخار را بنام سقراط ثبت کرده‌اند که «فلسفه را از آسیا به زمین کشید، آن را در شهرها مستقر ساخت و حتی به درون خانه‌ها آورد و بر آن داشت که به بررسی زندگی و اخلاق و خیر و شر و پربرداره، افلاطون راه استادش را ادامه داد و شالوده‌های معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی این فلسفه معروف به زندگی را با نظریه مثل خویش استحکام بخشید. از مطالعات نظری پیش از سقراطیان را با مطالعات عملی سقراط درآمیخت و فلسفه‌بی پورانید که در آن «معرفت مساوی فضیلت است» و نظریاتین بیان می‌کنند (مثلاً جهانشناسی تیمائیرس) نیز با این انگیزه مطرح می‌شود که راهی برای زندگی نشان دهد. با ارسطو گوری دوباره راه اهل نظر و عمل ایکتیگر جدا می‌شود. این حکمت را به دو بخش نظری و عملی تقسیم میکند. بخش عملی بطور کلی ناظر به مطالعه زندگی در (بولوپس) (دولتشهر) است که اخلاق و منزل نیز دلی آن قرار می‌گیرند. اما در بخش نظری، انسان‌ها به تحکیک حیرت و شگفتی و برای گریز از نادانی تلفسف میکنند. در این بخش انسان‌ها «بخاطر خود معرفت بدون دانش‌شدن به بخاطر یک هدف سودمند». تقسیم ثانوی حکمت از سوی ارسطو و برتر شمردن حکمت نظری نسبت به حکمت عملی از سوی وی، این توهین را پیش آورده است که برخلاف آنچه در

1. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز
2. دانشجوی دکتری گروه فلسفه دانشگاه تبریز
خصوص افلاطون میبینم، در ارسطو بالاترین نوع حکمرانی در واقع کاری به کار ژندگی ندارد. اما حقيقة این است که اگر خود همین فعالیت نظری را راه تحقق و فعالیت آن بخش وجودی انسان و اژانتری عالیترین مرتبه حیات آدمی و بهترین ژندگی برای او میشود؛ خداوان فیلسوفان را بیش از همه دوست دارند و آنها بیش از همه آدمیان خوشبخت هستند. بنابرین، «جستجوی دانش برای دانش» در نظر ارسطو شاهراژ عالیترین نوع ژندگی است.

در حکمرانی متعالیه صدرایی نیز به انگیزه سفر یا حتی بخش‌های کوچک و مستقلی به اخلاق و منزل و سیاست اختصاص داده شود، هرچه‌اکثر سفر عقلي در همین قلمرو حکمرانی نظری تحقق می‌یابد و سعادت به‌همتای حکمرانی از همین راه بدهست می‌آید.

تعداد هزاها: معرفت، حکمرانی نظری، حکمرانی عملی، حکمرانی متعالیه، سعادت
فلسفه تطبیقی رابرای احیای نقش فلسفه در: مطالعه وردی کتاب آهنین رایی کلیسی

سیدمصطفي شهرآیینی ۱، محمدسیما میرزابی ۲

فلسفه تطبیقی در سده‌ای اخیر با آراء و نظرات پل ماسون ارسال گردیده است. ارسال برای گذار از نسبتی به جرمیت مطلق و در راستای عینیت به‌خویش فلسفه، روش‌های انجام‌گیرانه را اتخاذ کرده است. براساس چنین دیدگاهی، فلسفه تطبیقی غایت و هدف خویش را ایجاد توازن و همسانی میان آراء و نظرات دو فیلسوف و نیز معناها و کاربردی‌تری آنها برای میان‌یابی انسانی زمانه قلمداد می‌کند. این نوشته می‌کوشد تا با مطالعه موردی کتاب جمع بین رایی/الکریم فارابی، بعنوان اثری بررسی کلاسیک در حوزه فلسفه تطبیقی، همان‌گونه و تطبیق آراء دو فیلسوف یونانی و نیز کاربرد و اهمیت چنین تطبیقی در جهت نیازهای روزگار را کانون توجه خود فرار دهد. همچنین برآمید تا بدانیم که اثر فارابی تا چه اندازه با اصول و معیارهای جدید تطبیق در نگرش ماسون ارسال قراریت و هم‌پوشانی دارد.

کلیدواژه‌ها: فلسفه تطبیقی، ماسون ارسال، کاربردی‌تری، فارابی، نیازهای انسانی، افلاطون، ارسطو

۱. استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تطبیقی دانشگاه تبریز
سیدمصطفی شهرآبادی: نسرین فیروز

اندیشه پیشرفت را از پیشفرضهای مدیرینیه غرب دانسته‌اند که اگر این را بپذیریم، بايد آن را در شمار محورها و مبانی فلسفه اولیه دوران مدرن جای دهیم. میان تفکر فلسفی غرب و تبديل آرمان پیشرفت به یکى از واقعیات مسلم تبديل غرب، پيوند وثيقى در كار است كه اين امر با روشنى از همه جا، میتوان در نظامهای فلسفی اولیه دوره مدرن ديده. بنمايه مقاله پيشر توغييروضعى است كه در نگاه طبیعداران دوران مدرن به رسالت فلسفه در عالم رخ داده است. در سده‌هاي مياني، فلسفه كنيز کلام تلقي ميشد و بالاترين رسالتين اين بود كه باورهاي ديني را توجه و اببين نمايده، اما اين نگاه به فلسفه در دوران نوزايي رفتيرش به چالش كشيده شد و در دوران مدرن، اين علم بود كه چئسى دين را گرفت. رسالت جديد فلسفه باز هم همان خدمتگزارى بود، ابته اين بار مخدوم عوض شده بود؛ يعني علم چئسى دين را گرفت بود و فلسفه ميباشست زمينه نظرى توسعة علمى را فراهم اورد يكى يكى كه امكاني سيطره هرچه بيشتر آدمى بر طبیعت برنامه خوشه فراهم ايد. برای تحقق اندیشه پیشرفت بمعنایى كه امورى ميهمانى تحقق سه پيش شرط بايسته مينماید: 1 ترديد در اعتبار و مرجعیت مطلوب قدمى؛ 2) بوسیعیت شناختن ارزش و اهميت زندگى دنبالى و تأکيد بر فايله‌ندي دانش برای رفع نيازيهای هرروزه آدميان؛ 3) قول به یکنواختى طبیعت و ابinez طبیعت همواره بر اساس قوانين ثابت كشف پذيري رفتار ميکان. در اين نوشتار ميکونيم نشان دهيم كه اين پيش شرطها اگرچه چه متحسي اما به بهترین و كاملترین صورتى در تفکر فلسفي غرب دوران مدرن محض شده است و از اين رهگذر، ضرورت توجه به تفکر فلسفي را در جامعه خردهان برای نگورندايى در زمينه پيشرفت گوشدر کنيم.

1. استاديار گروه فلسفه دانشگاه تبريز
2. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه غرب
بستر سازی، طراحی، پردازش و نهاده‌سازی الگوی پیشرفت در هر جامعه بی امروزی است که از عهده نظام‌های فلسفی همان‌گونه که امروزه هم فهم‌می‌آید که اکثر این مهم در فلسفه بدرستی تحقق یابد. میوه‌ان را نخست در سایر حوزه‌های علوم انسانی و در مرحله سپس‌تر، در علوم دقيقه خواهیم دید.

کلیدواژه‌ها: پیشرفت، شکایت، علم، فلسفه، دینی‌سازی، درخت دانش
بردنی مال ارادهآدمی از مفترض فلسفی و روانشناسی آثار آن بر علیم و تربیت

ابوالفضل غفاری، علی صحبت لر

هر فردی دارای خصوصیاتی است که مجموع آنها شخصیت او را بعنوان یک انسان تشکیل می‌دهد. این ساختار در سه قلمو عقلی، عاطفی و ارادی تجلی‌می‌یابد. این توانایی‌ها فقط مختص انسان بوده و در موجودات دیگر آن را نشان نیستند. اراده انجام آگاهانه امور از مواردی است که صرف انسان بوده می‌شود. و در این زمینه دیدگاه‌های مختلف ارائه شده است. روانشناسان اعتقاد بر اثر یک‌نگی انسان داشته و او را موجودی می‌دانند که باعث طبق برنامه از پیش تعیین شده رفتار کنده، اگزیستنسیالیست‌ها انسان را موجودی مختار و آزاد دانسته و حق انتخاب و گزینش را از ویژگی‌های وی به دست می‌دهند. در مقابل، رفتارگرایان افرادی انسان را موجودی مشینی که دارای اختیار و یادگیری نیست، می‌دانند. اسلام نیز انسان را موجودی آگاه و مختار در انتخاب هدف و مسیر دانسته است. در آیت و روایات فراوانی به این امر توجه شده است که در دین اسلام هیچ‌اکر حد و اجباری نیست و یا اگر انسان دچار اشتباه و نسیان شد و گفته را مرتبی گشت، راه بازگشت و توجه به ریو وی یا باز است. همین‌که اینها نشاندهند مختار بودن انسان است. منابع نقص اراده در زندگی انسان بعنوان موجودی مختار مورد پذیرش قرارگرفته است. انسان بدای از اراده قوی برخوردار باشد و این تقویت اراده تنها در ارتباط با خدا و در پیوند با او و حقیق خواهد شد. در تعلیم و تربیت نیز معلم باید استاد را بسیار برده و دانش‌آموزان را به این جهت حرب‌دند. وقتی دانش‌آموزان منبع استاد را درونی بردند و دانش‌آموزان را به این جهت خواهند بود. در حوزه تعلیم و تربیت نیز ما باید بدنال این باشیم که دانش‌آموزان یادگیری را بخاطر ارزش ذاتی که با آن مرتبط است، یک‌چیز باندند و ارزشها به‌این درونی شده و از ثبات و پایداری برخوردار باشند. مهمترین عامل تقویت

1. استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد
2. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد
اراده را میتوان در تماس به خدا و ایجاد ارتباط با او دانست. بنابرین، یکی از مهمترین آثار تربیتی تقویت اراده در پرتو عبادات و دوری از معاصی و اجتناب از اموری است که منجر به انحراف از مسیر تکامل میشود. به این ترتیب هدف اصلی نوشتار حاضر برسی عامل اراده آدمی از منظر فلسفی و روانشناسی و آثار آن بر تعیین و تربیت بوده که برای پاسخ به سوالات تحقیق از روش تحلیلی و استنتاجی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: اراده، انسان، فلسفه، روانشناسی، تعیین و تربیت
مرفظه شناسی، معرفت، عقل فعال، عقل عفوانی سعادت

مراجعه صادقی، فریده فراهانی

ملاصدرا با طرح معرفت شناسی برخاسته از معنویت، در واقع شبیه تفکر خود را عرفان گرایی فلسفی معرفی می‌کند. وی معین کمی طرف معروف به چز از طریق روش‌های عقلانی و داده‌های حسی، از طریق شهودی نیز امکان دارد که در این طریق، شناخت، دریافت و اکتشاف می‌شود.

ملاصدرا، با نقش مهمی که برای عقل فعال در بحث تعقل قائل می‌شود و طرح اتصال با آن و نه دوگانگی فاعل و معقول، راه شناخت را از یک منبع فوق عقلانی باز می‌کند.

وی در فرایند شناخت ابتدای عقل فعال را بعنوان یک موجود فوق عقلانی وارد کرده و سپس برای حصول این اتصال و اتحاد، ترکی نفس را شرط مشکل. چرا که آنچه نفس انسانی را قابل برای پذیرش صور معقولات می‌کند، سنختی ام با عالم معقولات است. اما نفس انسان چگونه به این مرحله مرسید که میتواند برای امور غیر مادی ظرف واقع شود؟

ملاصدرا، با طرح بحث چگونه اشتباط وجودی انسان در سایه کسب علم و معرفت، معرفت شهودی را راهی برای حضور انسان در عالم معقولات می‌داند و با طرح اصل تجربه، معرفت شناسی را به شناخت عرفانی صعود می‌دهد و قائل است در این مسئله، انسان به شرط گسترشی تام از آن‌دوات مادی و تبهیر روحانی، قابلیت برای حضور در عالم معقولات را پیدا می‌کند و از آن روی کمال روشنای فرد، سبب نزدیک شدن وی به عالم مفوق می‌شود. در اینجاست که میتوان گفت از نظر یو، تجربه از جهان مادی، شرط نهایی سعادت است و باید ترتیب معرفت برخاسته از معنویت میتواند انسان را به دنبال قادست وارد کند.

کلیدواژه‌ها: انسان، معرفت، تجربه، عقل فعال، عالم معقولات

1. استادیار، دانشگاه قم
2. کارشناس ارشد فلسفه
خلاصه مقالات/ فلسفه و راه زندگی

خالیل الله احمدوند، سپه ملکی

شاید بتوان گفت مهمترین دغدغه‌های بشر امروزی دغدغه‌های درونی و مشکلاتی چون شکاکتی، بیهویتی، بوچی و بیمعتایی زندگی است و در نتیجه این دغدغه‌ها میتوان مهمترین سؤال بشر امروز را سؤال از معنای زندگی دانست. بطورکلی انسان نسبت به معنای زندگی دو رویکرد متفاوت میتواند داشته باشد؛ رویکرد مثبت‌اندیشی و رویکرد بدبینی و بوچ‌انگاری. در نظام فلسفه ملاصدرا معنا با وجود مرتبط است، ولی انسان را یک شدن مداوم می‌انگارد و در سراسر آثار خود می‌کوشد با تأکید بر بنیان‌های متفاژیک، انسان را به‌سوی امور معلق هدایت نماید و معقید است از این طریق زندگی انسان معتقد می‌شود، یا معقید است که بیمعتایی در تفکیک بین معنا و وجود ظهور پیدا می‌کند، در این پژوهش سعی می‌شود که معیار معاویاری زندگی در نظر ملاصدرا تعيین شود و خواهی دید که ملاصدرا با طرح نظریه اصلت وجود، تشکیک وجود و وحدت وجود سعی می‌کند به انسان کمک کند که به‌گایت وجود خود عنی همان انسان کامل بودن برسد.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، رویکرد مثبت‌اندیشی، رویکرد بوچ‌انگاری، حکمت معللیه

1. استادیار گروه الهات دانشگاه رازی کرمانشاه
2. کارشناس ارشد فلسفه دانشگاه اصفهان
فناوری بسیاری انسانی پاشگاه بسیاری انسان نشان می‌نماید

رضا رضازاده ۱، عزیزالله نیکمنش ۲

همسانسازی بیوژه همسانسازی انسانی از جدیدترین و بیشترین فناوری‌های بشر امروز در زمینه علوم پزشکی و زنگیک است که به "بحث قرن" معروف شده است. موافقی دانشمندان در بکارگیری این تکنولوژی بر روی حیوانات متعدد، نگرانی‌های زیادی برای اندیشه‌گران برجسته بیوژه پژوهشگران حوله علوم انسانی بدنی‌الاری است.

صدای فیزیکی ناشی از دستگاری تهدید زنان و همسان و جنین و نیز امکان آسیب‌های روی و روایی، بیماری‌های نرمال و پالیز و زودرسک و سلب استخراج و اراده انسان از جمله نگرانی‌های است که بیوژه در این باب را صورت می‌دهد. نگرسن بی‌پاییده از منظر فلسفی که پژوهش را از سطح به عمق و از سطح به عمق می‌گردد، رهبر به رهبری می‌پدید می‌کند و این نگرانی‌ها سمت و سوی دیگری بی‌خیال یا اینکه به محل ناز همان مانند هم‌بهرمان علوم طبیعی و علوم انسانی در مورد این فناوری پرتو افکنده، بیوژه آنکه ای‌نشور چنین کاری برخاسته از سنت‌ستگ فلسفی اسلامی ایرانی بی‌پاییده در جستار حاضر، با تکیه بر آموخته‌های انسان شناختی فلسفی صادرا/ ذیرباز عقل، اخلاق و سایر ویژگی‌های زیست انسانی بر چگونگی مهم کرماه انسانی استدلال شده است. سپس نسبت میان پایام‌دهای بکارگیری فناوری همسانسازی انسانی با این آموزه‌ها مورد تحلیل و سنجش قرار گرفت است. بنظر بی‌سرد میان انسان شناختی مفروضه یا مخفی داشته شده در پس این نوع از فناوری، اعتماد درمانی و تولید می‌باشد بیانی برخاسته از انسان شناختی صادرا/ متعارض است.

کلیدواژه‌ها: فناوری همسانسازی انسانی، انسان شناختی، ملاصدرا، اختیار، عقل

________________________
1. استادیار دانشگاه ایلام
2. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه ایلام
3. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جز و جریان‌شناسی واحده علوم حقوق و حقوق مدنی
4. نگرمان: پژوهشگر مهندسین علوم انسانی و توانمندی‌های بدنی
بجاري تفسيری‌های جدی، نواده جهان روزیت اخلاقی اتصالاً با کبودرا پیوند

رضای رضایزاده، پریچهر میری

در زیست اخلاقی فهم ما از خود، خدا و جهان هستی با هم‌دیگر ارتباط و ثیقی دارند. در واقع، فهم ما از خدا به شکل‌های مختلف در فهم ما از خود و جهان مؤثر است و با عکس و به‌همچنین تریدیزی زیست سعادتمانه برای آدمی بدون توجه به این اگاه، مبتنی و متصور نیست. بنابراین، شیوه نگرش ما به زندگی و خط مشی که برمیگردد، چه بدانیم/بخواهم و چه ندانیم/بخواهیم متأثر از فهم ما از این سه ضلع هستی ماست. از همین‌روست که ملاصدرا و اسپینوزا، در دو زیست جهان غرب مسیحی و شرق اسلامی پایه‌های طرح خود را برای الگوی زندگی اخلاقی در ارتباط با اگارگه مبتنی در پاب‌خدا، خود و جهان استوار می‌سازند. در این افق دید، طبیعی است که هر انسانی نظر و نظام اخلاقی خویش را با نظر به چارچوبی بیرون از خود و محاط بر خود بسازد. چون باور آنان؛ اخلاقی زیستن با توجه به ساختاری بزرگتر از عامل اخلاقی محیط و مبادی تحقق یابد. بدين ترتیب، اخلاق مستقل‌هی جد و بریده از جهان بینی نیست، بلکه رابطهی دقيق و عملی میان جهانیانی و نظریه اخلاقی ملاصدرا و اسپینوزا وجود دار. ناگفته پیداست که در این میان، جدا از اگارگه، فلسی، آموه‌های دینی هم نقش پیا و پنهانی در شکل‌گیری ذهنی ما دربرگ خود، خدا و جهان دارند. پس دور از ذهن نیست که نظام فکری ملاصدرا و اسپینوزا به یکسان و ترتیب متأثر از باورداشت‌های دینی اسلامی و به‌وی‌وی‌وشند. با توجه به زمینه فوق، در این جستار سعی می‌شود بررسی گردد که آیا ملاصدرا و اسپینوزا اخلاقی زیستن را نتایج در محدوده ارادة شخصی انسان ترسیم می‌کنند (خودنهانگاری) یا آیکه عامل اخلاقی را با نظر به چارچوبی بیرون از او و می‌پیمایی در تصور می‌کنند و بنابراین اندیس‌هایی برگرک از خود جای می‌دهند؟

کلیدواژه‌ها: ملاصدرا، اسپینوزا، زندگی اخلاقی، انسان اخلاقی، خودنهانگاری

1. استادیار دانشگاه ایلام
2. کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه ایلام
کاربردی‌سازی رقابت‌پذیری و کامپاین

حسین اترک، فاطمه اکبرپور روشن

با فرض اینکه آدمی خلق شده تا با پیمودن مراحل کمال به رستگاری همیشه‌گی دست پیدا کند، این نوشتار به نگارش درآمده است. اگر عصر حاضر با دوران تردد، شک، بی اعتقادی و بیهویتی بشر بداییم، مطمئن از دواز درد و نوشدروی حیات بخش آن "یقین" است؟ بدين جهت يکي از مواقع رستگاری بشر را فقدان يقين دانست‌هایم. حال منظور از يقين چيست؟ آيا منظور شكل منطقی آن است؟ آيا اساساً اين نوع از يقین در حوزه معروف دينی قابل دستبایي است؟ آيا منظور، يقینين بمعنای روانشناختي كله میباشد؟ یا بطور كل جنس يقينين كه ضامن سعادت بشرى است متمايز از اين شفوق است؟ در اين مقاله سعی بر آن است كه انواع يقينين را با ذهنی فلسفی مورد مداهه قرار دهيم تا درنهایت مشخص شود كه آن يقينين كه در معروف ديني از آن نام برده شده چيست و راه رسیدن به آن کدام است.

1. استادیار گروه فلسفه، دانشگاه زنجان
2. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان
نقوش که وجود بدسته‌ای علم در تمامی کالاً نس

محمد مهدی مشکاتی، مريم فخرالديني

در این نوشته پس از نگاهی گذرا به تعريف ابتكاری ملّاصدارا از علم، تبیین میشود که چگونه با بهره‌گیری از اصولی چون «اصالت وجود»، «مراتب تشکیکی وجود» و «حرکت جوهری» و با نگاه وجودی به «علم» تصویری نازه از تعالی و وجودی نفس در فلسفه ارائه می‌دهد. طبق این نظریه، مراتب کمال انسان براساس درجه وجودی مشخص میشود و مرتبه وجودی نفس را درجه ادراکش تعیین می‌نماید. بنابراین، هر فرد در مراتب ادراک خود به تعالی وجودی نفس دست خواهد یافت، بشکلی که درجات پایین‌تر ادراک، محصول ارتقا به درجات بالاتر علم و بیع آن مراتب شریدن وجود و کمال مباداشد. در ادامه بالاحقی چون علم حقیقی و غیرحقیقی و «موضوعیت» یا «طرحیت» علم بررسی می‌شود.

اما نتیجه برجسته‌یی که از این بحث می‌توان گرفت این است که اگر رسیدن به بالاترین درجه کمال و تعالی، در گرو داشتن شریدن‌ترین مرتبه ادراک یعنی تعقل است، پس هرچه معقول از درجه وجودی بالاتری برخوردار باشد، تعقل او، نفس را متعالی‌تر میسازد. بهمین خاطر «تعقل» پیرامون خداوند، صفات و افعالش، کبب و انپایاه الیه نفس انسان را به بالاترین درجه وجودی می‌ساند. این همان است که تحت عنوان جایگاه «معرفت» به خداوند، انبیا و آله (ع) در قرآن و روایات آمده است.

کلیدوواژه‌ها: ملّاصدارا، نفس، علم، تعالی، کمال، تعقل

1. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان
2. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی دانشگاه اصفهان
راه زنگی؛ بررسی مفهوم شناسی کار، دیدگاه فلسفی، اشاره‌های علمی مقدماتی خلاصه

هادی وکیلی، محمد خیاط زنجانی، سمیه کیانی

زنگی و سبک آن امروزه از مهم‌ترین موضوعات جوامع بشری بحساب می‌آید تا آنچه که بخش قابل ملاحظه‌ای از گفتگو اندیشه را به خود اختصاص داده است. فیلسوفان و حکم‌های جوامع که مستثنی از این قاعده نبوده، در فواید آثار و انگیزه خود، زنگی و سبک و راه آن را مورد توجه قرار داده‌اند. هر چند که در فلسفه و حکم‌ات اسلامی بطور مجزا و بنفصل در اینباره به تدقيق نپرداخته‌اند.

علائم محمد تفری رجوعی یکی از فیلسوفان معاصری است که توجهی متفکرت به ابواب فلسفه داشته و بررسی ابعاد زنگی انسان را، یکی از اهداف خود دانسته است تا آنچه که شاید بتوان یا «فلسفه زنگی» دانست. ایشان که تسلیتاً قابل ملاحظه‌یی بر فلسفه اسلامی و حکم متعالیه‌ی دارند، ضمن بررسی انسان و ابعاد زنگی وی، با ارائه تعیین‌های قابل تأمل در مسئله کار، آن هم با نگرش و تلقی فلسفی، گشایش مسیری برای اندیشه بیشتر در این خصوص داشته است.

پاسخ علائم بر سؤال از چیست کار، میتواند در تغییر طوری از اطوار سبک زنگی انسان، به‌سیار موثق باشد، از آن‌رو در این شرایط با تحلیل و تبیین این تلقی از مسئله کار، راهم‌هایی تقویت کمی و کیفی به‌همراه کار، احصاء و ارائه گردده است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه، حکم‌ات متعالیه، کار، سبک زنگی، راهبردهای کمی و کیفی

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲. دانشجوی دکتری حکم‌ات متعالیه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه رازی
بررسی روش‌های استفاده از برنامه فلسفه‌برای کودکان (p4c) در ایران

احمد اکبری، ملیحه اکبری، زینب اجملی

برخی علاقه‌مندان به برنامه فلسفه برای کودکان در ایران (p4c) نشان داده‌اند. تا بر ترجمه آثار ویژه استفاده از آن برای کودکان ایرانی فراهم شده است. اما آثار ترجمه شده (مانند ترجمه کتاب لیزا توسط بحیری) مشکل فرهنگ وابستگی را دارا می‌باشد. گروهی دیگر تلاش کرده‌اند داستان‌های لیزری را به‌شکلی بازنویسی کند تا مشکلات فرهنگ وابستگی داستانها را کاهش دهد. (مانند کتاب لیلا اثر ناجی در 11 فصل و 29 قسمت براساس کتاب لیزا) در کتاب لیلا اساسی ایرانی‌ها چیزی غیرایرانی شد. این ارتقاء بین داستان و کودکان بهبود یابد، اما هنوز هم ارتباط برقرار کردن با تاریخ داستان‌ها (از جمله موضوع زیبایی در مدرسه و یا آواز خواندن در کلاس و حتی مراسم خاکسپاری حیوانات) برای کودکان ایرانی دشوار است. بنابراین لازم است شیوه‌های دیگر برای طرح داستان مناسب برای کودکان ایرانی صورت پذیرد؛ مثلاً چنین بتوان داستان‌های ایرانی جایگزین برخی قسمت‌های رمان لیزا نمود. فاقد بیشتری حاصل می‌شود. بنونه نمونه بجاikan داستان مرگ پایلو و را با منظور طرح این سؤال که آیا می‌توان حیوانات را کشت؟ از داستان گرفه سفید سنندبادنامه و یا شیخ گرگانی کرده و گریه استفاده کرد. جایگزینی این حکایات بجای برخی قسمت‌های رمان لیزا می‌تواند علاقه کودکان را به داستان بیشتر نماید.

کلیدواژه‌ها: فلسفه برای کودک، فرهنگ وابستگی، داستان‌های ایرانی

1. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد برخسکن
2. مدرس دانشگاه پیام‌نور و مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی کاشمر
3. مدرس دانشگاه پیام‌نور کاشمر و دبیر آموزش و پرورش شهرستان زاهدان
امام کبیر، زینب اجلاسی، ملیحه اکبری

رویکرد محتوا محور به (p4c)، در پی آموزش مضامین فلسفی موجود در تاریخ فلسفه است. برگرفته این رویکرد محتوا فلسفی بیرون از ذهن فرد وجود دارد که بعنوان تاریخ فلسفه مشتمل بر اندیشه‌های فیلسوفان است که برداختن به آن می‌تواند، علاقه و تأمل فلسفه را بدنیال داشته باشد. در این حالت برای فلسفه محتوا درنظر گرفته می‌شود که می‌توان آن را یافته، بررسی کرد و به جنبه‌هایی از آن تأمل نمود. اما محتوا فلسفی نه تنها برای کودکان که برای برخی پژوهش‌گران نیز قابل فهم نیست. ساده‌سازی و قابل فهم نمودن این محتوا، بیش از این‌ها استفاده کودکان از این متن را می‌توان در آثار کلاسیک فلسفه اثر واربرتو نیو (۱۳۸۸ م)، نیو فلسفه اثر دورانت (۱۹۵۲ م)، داستان فلسفه اثر مگی (۱۹۸۸ م)، فلسفه برای کودک‌ترها اثر وایت (۲۰۱۱ م) یا ایده‌های فلسفه که باید به‌اندازه‌ای دو دوره (۱۳۹۰ م)، گردش در دنیای فلسفه برای جوانان اثر ویت (۱۳۸۷ م)، دنیای سوفی اثر گردر (۱۳۹۰ م)، بعنوان رویکرد محتوا محور در فلسفه برای کودکان دانست، چنین رویکردی را می‌توان در قصه و تعریف‌های فلسفی به کودکان نیز می‌نماید. این رویکرد تلاش دارد تا بهره بردن از اندیشه‌های فلسفی بعضاً پراکنده و طرح دیدگاه‌های موجود در مکتب فلسفی به تکیه می‌گیرد. مساجد و کتابخانه‌ها، فلسفه‌ای برای کودک را می‌توان، ساده‌سازی، کلیدواژه‌ها: فلسفه برای کودک، رویکرد محتوا محور، ساده‌سازی

1. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد برایک
2. مدرس دانشگاه پیام‌نور کاشمش و دیبر آموزش و پرورش شهرستان زاوه
3. مدرس دانشگاه پیام‌نور و مسئول آموزش عالی جهاد دانشگاهی کاشمر
خواهشمندی و خودسازی در سال رمزی این سیا

محمد رضا اسدی، فریده سنگیان

برای موجودی که فطرتا حب ذات دارد، کاملا طبیعی است که به خود پردازد و درصد شناخت خویش برابر باشد.

این مسئله از دیرباز توجه فلسفه اسلامی و غرب را تحت عنوان شناخت نفس خودآگاهی بخود مشغول داشته است. در فلسفه اسلامی بعلت توجه دین به مقوله خودشناخت و خودسازی و محوریت یافتن آن در در رضیدن به کمال و شناخت حق، این موضوع اهمیت ویژه‌ی یافته است. در این میان، بحث خودسازی هر چند مغفل فلسفه اسلامی نبوده و دست کم در مقدمه بخشی از آثارشان راه فهم و درک انديشه را جز در پاکی درون و شناخت خویش نمیدانند، لیکن توانست جاگاه ویژه خویش را بجای فلسفه در عرفان بیابد.

در بین فلسفه اسلامی این سنین و سهورودی با نوشتن داستان‌های رمزی، سهم بیشتری در بررسی این مهم ایفا کرده‌اند. این نوشتن با تأکید بر پی nya، پی‌م‌با و مراتب آن بر آن است تا دو مقوله خودشناخت و خودسازی را بطور خاص در سال رمزی این سنین مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: خودشناختی، خودسازی، نفس، داستان‌های رمزی

1. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
2. کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی
راه‌پژوهان باکس‌شیری درک و کلک مطالعات مدرن

علی محمد ساجدی، مريم حیدری، قاطعی قاسمی

از آنجا که یکی از منابع معرفتی حکمت متعالیه ملاصدرا تعالیم دینی و آموزه‌های قرآنی است و با همراهی از این مکتب، فقه‌های اسلامی را ارائه بخشیده است، از این رو می‌توان گفت که در پرتو چنین پیوند خجسته و میمونی میان فلسفه و از دین در منظومه فکری صدرالمتالهین تأثیر حکمت نظری با مباحث دینی و اخلاقی گره می‌خورد و بدل‌های، میان حکمت نظری با حکمت عملی ارتباطی و ثبیت پیدا می‌شود.

از جمله آموزه‌های قرآنی، رابطه استواری است که بین خودشناسی و خداشناسی برقرار است. بگونه‌ای که انسان در یکی یا دو اندازه در حال فهم و یاد داشتن و یاد آوردن وجود خویش را نیز بسته گراموشی دردیده، «خود واقعی» خود را گم کرده، در این واعید برجپپ و تخم جذب دیوانی چالش کرد، سرگردانی و تخریب میگردند و در پی کلام راه زندگی پاک و پیراسته را از دست می‌دهد. از این جهت، بررسی مفاهیم عقلی و نقیض آن شریف اولاً تکون کالدین نسیم، فلسفهنگر، انسان‌شناس» (حشام/19) هدف اصلی ما می‌باشد.

بیدهی است که روش تحقیق توصیفی - استنباطی است و با استفاده از تفاسیر از جمله تفسیر ملاصدرا و مباحث هستی شناسی و نفس شناسی و یه بررسی مفاه‌ی آن مذکور و حديث نبی (ص) عرف دیده‌ای «من عرف نفس قصد عرف ربه» می‌پردازیم. علاوه بر اینکه رویکرد دیگر مقاله روضکردنی انتقادی به نگاه اومانیستی مدرن‌نیم و پشت مدیری‌نیم غربی نسبت به انسان و بیدهی او با خالق خویش است.

برای این منظور ابتدا نگاه اومانیسم به اخلاق و معنویت و موقعیت انسان و جهان و جایگاه او در افکار بطور مختصر، پس از آن، مباحثی فراهم شده و در پایان معرفتی حکمت صدرایی، سپس طرح خلاصه آراء مفسران دبیران آیه کریمه یادشده و حديث

1. عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز
2. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شیراز
3. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم سابق)
کلیدواژه‌ها: خوشنویسی، خداشناسی، اصالت وجود، تشکیک وجود، وجود رابط و مستقل، نفس ناطقه
رسالت فلسفی

مریم عرب

در یک دیدگاه کلی میتوان گفت در خصوص نقش و جایگاه فلسفه در حیات بشر، توافق کلی وجود ندارد و نسیت به دیدگاه‌ها و مکاتب فلسفی متعدد، نقش و جایگاه آن متفاوت لحاظ شده است، اما مجموعه این دیدگاه‌ها را تحت دو عنوان کلی میتوان قرار داد. گروهی فلسفه را کاشف حقیقت دانسته و از طریق نظربندی بردازی میخواهند بسوی وادی حقیقت گام بردند. آنان حقیقت را امری که هنوز باید گام به گام بر مایکشوند شود، میشمارند و فلسفه فعالیتی سراسر عقلانی است، گروه دوم کسانی هستند که حقیقت را امری پیوسته با ذات بشر میدانند که انسان تنها تا زمانی که گرفتار جهل و توهم نشده است میتوانند این پیوند عمیق را دریابد. از نظر آنان کشف حقیقت، امری استدلالی، مفهومی و آقاقی نیست و نیز رسالت جاری از فلسفه زدودن جهل از کسانی است که بدان گرفتار آمدهاند؛ جهیزی که سبب شده انسان از ماموریتی که برای آن آمده است غافل بماند و در زندانی خود ساخته، گرفتار آید. هدف این مقاله بررسی نظریات اندیشه‌متمدنی از گروه دوم است که دیدگاه‌های آنان به نقش رسالت گروه اول نیز منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فلسفه، حقیقت، جهل

* دانشجوی دکتری فلسفه محض دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و مدرس دانشگاه پام نور کرمان
حمیدرضا خادمی

جهان مادی و غیرمادی که از آن به دنیا و آخرت تعبیر می‌شود بواسطه ریط و نسبتی که با یکدیگر دارند، جهان واحده و ریط می‌باشد. ملاصدرا بیان میدارد که شناخت دنیا و آخرت درک‌دار هم و در مقایسه با یکدیگر ممکن است و متناقض زندگی نیز در اصل این ارتباط که این را رابطه ظاهر و باطن می‌نماید، محقق می‌شود. یکی از مبانی ملاصدرا بر ادعای مذکور، نظریه تجسم اعمال است. براساس این مبانی، انسان در عوامل مختلف، ظهور و بروز گوناگونی دارد. آنچه در جهان دیگر بر اساس واقع می‌شود، همان اموری است که در این جهان از او سرژده است. با این‌حال، همانگونه که هویت انسانی در دنیا و آخرت یکی است و تنها ظهور آن‌جهانی با ظهور این‌جهانی و متفاوت است، رفتار و اخلاق اور نیز در هر دو یکی است و فقط چهاره و نمایش آن تفاوت دارد. از سوی دیگر، زندگی پس از مرگ و کیفیت زندگی در آن دنیا، استمرار طبیعی زندگی در این دنیاست. انسان با مرگ تن تبدیل به موجود دیگری نخواهد شد و باورها و اعتقادات تغییر نخواهد کرد، این این ضمن سعادت و آرامش آن‌جهانی وابسته به سعادت و آرامش این‌جهانی است. نوشتان حاضر درصد است با تحلیل مبانی ملاصدرا، ادعای مذکور را وضوح بخشید و برآن جامعه اثبات پوشاند.

کلیدواژه‌ها: زندگی این‌جهانی، زندگی آن‌جهانی، حکمت صدرایی، تجسم اعمال، سعادت

*دکتری فلسفه تطبیقی*
فندو مناي زندگي‌ از نگاه رابرت ونیک

هژیر مهری*

زنده‌گی سیاسی از مردم، بسب دلایل متداول و معمولی که به آنها، اوضاع زندگی و روابط شخصی خاص ایشان مربوط می‌شود، می‌توان یا دانسته بود و عث است. "معنای زندگی" یکی از مهارت‌های موضوعات فلسفی، روان‌شناسی و دینی انسان در دوران چهارصد و عصر صنعتی شدن جوامع و پیشرفت همه جانب علم و فنونی است. مسائل اصلی که ذیل عنوان مذکور جای می‌گیرند، مشتمل بر پرسش‌های مستند مربوط به آنها یا زندگی هدف دارد یا نه؟ آیا زندگی ارزش‌مند است یا نه؟ آیا مردم مستند از شرایط و علایق خاص خود، دلیل برای زندگی دارند یا نه؟ روان نهادیسم و هیچ‌انگاری در جوامع بشری بیوزه در دنیای غرب، پس از رنسانس و انتقال علی‌ و صنعتی شتاب فرآیندهای داشته است. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان امور متعددی مانند؛ رنج‌ها، ناکامیها، شکست‌ها و ناتوانی تفسیر آنها را از جمله عوامل درونی و اجتماعی مهم پیدا انگاری می‌دانند. در این میان نظر میرسند مهمترین عامل این معیلی، ضعف یا عدم ایمنی داده‌بندی است. انسانی که خدا را فراموش نموده است، بطور قرن کریم، حقيقة خود را فراموش کرده و روشن است آنها خود را گم کرده باشد، زندگی بی‌معنا خواهد بود. ولی تی استیس نیز آگرچه با عقاید دیگری بیشتر استقفاً مختلف است، اما اشتهایی و سرگردانی انسان در جهان مدرن را ناشی از نبود ایمنی و دست برداشتن از خدا و دین می‌دانند. این نوشتار فلسفه و معنای زندگی در اندیشه رابرت نوژیک در بررسی می‌کند. رابرت نوژیک که در سال ۱۳۸۲ م. در نیویورک بدنی آمد یکی از توری‌سپرهای مطرح در عرصه فلسفه سیاسی دست‌کم تا اواخر دهه هشتاد به‌حساب می‌آید. نوژیک در سال ۱۳۶۳ م. همکار جان رالز در دانشگاه هاروارد شد و مهمترین کتاب خود را نیز بنام آنابارینی، دولت، یوتونیا در سال ۱۳۷۴ م. مین کرد.

*دکتری فلسفه دین
برشته تحریر درآورد. او در اساس همانند رالز و هایک، از نوکاننده‌ای فلسفه سیاسی محسوب می‌شود. از نظر نوزیک معنا زندگی در تعالی است و این تعالی در فراتر رفت و شکستن حد و مرزهایت و این فراتر رفت در خود و ارزش‌های انسانی است. پس اگر این معنا فراتر رفت است، ما نیاز به جاودانگی داریم و این سقف «مرگ» است که پایان است و این عین بیمعنای است. این مفاهیم در بطن مقاله بروز خواهد شد.

کلیدوژه‌ها: معنا، معناي زندگي، پوچ گراي، فلسه سياسی، جاودانگی
نام برده‌سازی "متافیزیک" با "نگین عیب راز" 

مهدی بنایی جهرمی

از آن زمان که هگل در نظام فلسفی خود نشان داد تاریخ متافیزیک که بر بینان سوپرژکتیویته قوام یافت، چگونه سرنگانم به آگاهی مطلق می‌انجامد و در فرانک آن، عقل به آن مرحله از بسط خود ناپذیر می‌شود که حتی به باطن پدیدارها نیز راه می‌برد و با گسترش سیطره و شمول خود، هر امر در نظریه‌ها را کامل با یوپچ و پوشالی می‌سازد، بشر بتدريج زندگی خود را در حصار مرجعیت تمام عقل و در سیطره خواجگی مطلق سوپرژکتیویته یافت و عالم خود را کامل‌الواج به خلاه راز دید. نوشته‌های حاضر میکوشد: ۱) نشان دهد که این مسئله اساسی، مرفأً یک مسئله در هر ساکر، مرد و مباحث فلسفه و تفکر معاصر غرب نیست بلکه از فلسفه‌های پسایدنتالیستی بعد از هگل تا ظهور و رواج اندیشه‌های پست مدرن در کانون توجه متفکران بزرگی چون کی نکاگارد، نیچه، مارسل، هایدگر، لیتاس و فوکو بوده و به زبانها و صورتهای مختلفی بینان شده‌است. ۲) زمانی این تأمل و پرسش‌ها فراموش آورده که آیا در تاریخ فلسفه اسلامی نیز می‌توان با چنین مسئله‌ی مواجه شد یا اینکه اساساً، بروز چنین چالیسی همواره در این تاریخ ناممکن است.

کلیدواژه‌ها: متافیزیک، سوپرژکتیویته، پست مدرن، تاریخ فلسفه اسلامی

* دکتری فلسفه دانشگاه تهران
حسين قاسمی

رابطه میان عقل معاصر

مطالب برای بخشی از انگیزه‌های اخلاقی حاکی از آن است که ادراکات اخلاقی از دریافت‌های نظری و واقعیت‌های عینی متمایز هستند. این نگرش در آراء اخلاقی هیوم و تاک عیسی از دیگران برجسته است. ادعای فلسفه متعالیه این است که فهم ذات اشیاء که معلول وجود است، از طریق علم حضوری ممکن میباشد. حقيقة وجود یا نخست نه تنها در حوزه نظر بلکه در حوزه عمل نیز متعلق شوق انسان و داعی فعل حکیماته است.

از نظر ملاصدرا انسان به پشتونه نفس از وحدت جمعی برخورد است. بر این اساس، انگیزه‌های متافیزیکی در ساحت نظر و عمل به وحدت نابل گردد و بازه هر ادراک نظری از وجود ادراک عملی از خبر بدست می‌آید. بدین ترتیب گزاره‌های مفید "باپا" با گزاره‌های مفید "هست" مرتبط می‌گردد.

ملاصدرا براساس دو دیدگاه عرفانی خود مدعو است چنانکه اصل توحید حاکی از وحدت شخصی خداست. انسان نیز بعنوان جانشین خدا از وحدت شخصی برخورد است. در نتیجه عمل و نظر از تجربیات نفس و "باپا" و "هست" شنوین یک حقیقتند.

در این مقاله با تلاش می‌شود دیدگاه ملاصدرا در باب ارتباط گزاره‌های عملی با نظری متناقض با طرد و ابراهیمی اخلاقی کاند مورد بحث قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: باپا، هست، گزاره‌های اخلاقی، حکمت متعالیه

دکتری فلسفه و طلبه خارج فقه حوزه علمیه قم
کرامت آدمی و حقیقی ذاتی از دیدگاه فلسفه اسلامی و فلسفه

*ژهرا عباسی*

قرآن کریم انسان را موجودی می‌شمارد که خداوند به وی کرامت بخشیده است؛ 
و لقِد کرِم‌مان بنی آدم و حمَّالهایم فی البحر و البحر و رزقناهم و زکاتاهم و فضْلِناهم علی 
کثير ممن خلقنا تفضیلاً. این کرامت یک ارزش نظری است که می‌تواند جبخه عملی 
پیدا کند؛ اما نباید گمان کرد که این ارزش نظری در رده‌بندی اربیلیات جای دارد. کریم 
بودن انسان واقعی‌یست همانند کریم بودن فرشته‌گان و گررال که همه مظاهر کرامت 
خداینده‌اند. این هر یک اقدس الله کریم بالاخره این کریم، ده‌ها هزار جامعیتی است. 
خداوندی. اینی هر یک اقدس الله کریم بالاخره این کریم، ده‌ها هزار جامعیتی است. 
نیا شدگی است که این اقدس الله کریم بالاخره این کریم، ده‌ها هزار جامعیتی است.

هر فیصله‌ی که بِذِریم انسان گوه‌های کریم و ارزشمند است، خواه ناکوه به‌این باور 
خواهیم بود که تِنه‌آن آزادی، امید و... حق اوستن، بله به‌این بَگونی به‌دریافت و تنظیم 
نوشیدن که به کرامت وی سازگار باشد. بایاد بدایه که مقوم اصلی هریت انسان را کرامت 
آور تشکیل می‌دهد و اگر کسی فاقد کرامت بود، به‌همیشه‌ی از هریت انسانی ندارد.

از دیدگاه ملایسدا عقلانیت، محوربرنژر زیرساخت کرامت انسانی است که در 
آن شاه نظری و الهی عقل و نیز شاه عملی و انسانی مورد توجه قرار گرفته است و 
بستر مناسبی برای شکوفایی علمی و عملی انسان و مهار بحران انسانی و معنویت در 
عصر حاضر است.

نتیجه‌ای اینکه از دیدگاه فلسفه اسلامی منشأ کرامت ذاتی انسان، تعمق و مشیت 
پروردگار است و از آن‌بیرو مستلزم تکلیف پخش کلام اسلامی دانشگاه قم مدرس حوزه

دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم، مدرس حوزه

127/ هفدهمین همایش برگزاری ملاصدرا
کرامت تشريعي، مستند به آيه «آن اکرمکم عندهالله اتفاکم» میشود. از این‌رو مهم‌ترین وظیفه حکومت ذاتی، صبایت از ارزش‌های انسانی و فطری در جامعه است.

بايد دانست كه تكريم انسان از نظر فلسه اسلامي، در چارچوب عقل و شرع مه‌بازيب و با عمل به اين چارچوب، علاوه بر قدرت ذاتي، به كرامت والای اختياري ميسردي. كرامت و برتري انسان در گرو اعمال و رفتار و اختبار اوتست كه اگر براساس فطرت و حقوق الهي باشد، حاصل ميشود. نكته مهم اينكه اصول و حقوق برآمده از كرامت، محدود به اصول مادي نست بلكه اصول معنوی و حيات فطری انسان را نيز شامل ميشود.

اما تكريم انسان از نظر فلسه مادي (ليبراليسم) در آزادي (بيحد و حصر) اورست.

حتي اگر آزادی با عقل و فطرت مغایر باشد، فقط مشروط بر آن است که به آزادی فرد و جامعه ضرر نرساند. از نظر این گروه، اگر کسی به‌خواه به جسم و جان خود لطم‌پي وارد سازد، آزاد است؛ اما اسلام چنین اجازه‌بی به افراد نمیدهد. همچنین در فلسه مادي انسان بنده نفس اماره و عقل خودبنیاد است. اما كرامت انساني در فلسه اسلامي، ضمن انشاع غرامی، عقل نيز با اتصال به وحي تكميل ميشود.

بنان فلسه مادي بر محور اومانيسم (اصالت امالي انساني) استوار است. ولي فلسه اسلامي بر مبناي خدامحوري است. از نظرگاه فلسه اسلامي، تكريم انسان به گراميداشت او در هماي ابعاد وجوهي، مادي و معنوی، دنيوي و آخري است و از اين‌رو تكريم انسان از نظر فلسه اسلامي تفاوت ماهيي با تفكر فلسفي مادي دارد که نوشتار حاضر به بحث و بررسی آن ميريدارد.

كلیدوارظهها: كرامت، حقوق، فلسه اسلامي، فلسه مادي
قانون‌های ازدیاد قاضیان و ملاصدرا

شیب سپه

یکی از مسائل عمده حیات اجتماعی، تبیین حقوق عمومی در پرتو تفکر عقیل است و قانون اولین فیلسوف اسلامی است که به حکم فرمول (افراز، تدبیر منزل و سیاست مدن) بطور تفصیلی پرداخته است از دیدگاه وی جامعه مدنی - دستکم - بمنظور رفع نیازهای فردی و اجتماعی تشکیل می‌شود و براماوس و همکاری و تکمیل کار و توزیع مستلزم‌های اجتماعی بین اعضای جامعه و نظم عمومی، سامان می‌باشد و حکم عملي خود را با دستورات و قوانین اسلامی درآمیخته و یک مکتب خاص درباره حقوق مدنی پایه‌گذاری نموده است. در دیدگاه فارابی مناسبات اجتماعی افراد و تأمین امکان آنان، نیاز جامعه به قانون و رهبری آن را موجب می‌شود. یکی از عناصر مهم حکم‌شتهای نیز سامان‌دهی نظام سیاسی - اجتماعی است.

ملاصدرا در برخی از آثار خود به این موضوع پرداخته است. وی با توجه به نظام وحیانی دین اسلام و مباني فلسفة خود ترکیبی از ساختار دین و فلسفه ارائه داده است. پایه و اساس حکم عملی و فلسفه سیاسی ملاصدرا بمنی بر اصول و مبانی حکمت نظری او مانند اصلت وجود، بساطت وجود و مراتب وجود است. حکم مدنی وی نیز همانند فلسفه سیاسی فارابی - منتظر به ضرورت قانون الهی می‌گردد. با وجود این، شایستگی و تفاوتیابی در فلسفه سیاسی ایندو حکم بچشم می‌خورد که در نوشته‌های حاضر موضوع بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: حکم مدنی، قانون الهی، عدالت، حقوق، فرد، اجتماع، سعادت، دنیوی و اخروی

* مدرس دانشگاه پیام نور
ارتباط فلسفه عمظی و حکمت معاصر

فاطمه عاشوري

در فلسفه ملاصدرا حکمت عملی و حکمت نظیری مکمل و ملازم یکدیگرند، زیرا یکی و هدف حکمت متعالیه تربیت گوهر ذات انسان است. ارزش واقعی انسان و کمال ابتدای عبارت است از وصول به معقولات، تجرد از مادیت، قرب الهی از راه شناخت معیار از جنگ نظر و رهایی از متعلقات دینی از حیث عمل.

بر طبق مبانی حکمت متعالیه، حکمت جوهری و استحکمالی، موجب تحول و تعلیم انسان و گذار نفس از مرتبه ادی مرتبه اعلی است حکمت عملی یکی از معین و مفید از استندار است که مختص به شناخت حقیقی و اموی است که با تدبیر و اراده انسان در ارتباط است. هرچه معرفت و شناخت انسان وسیعتر و عمیقتر باشد، حوزه عملکرد و دامنه اختیارات نیز وسعت یافته و گسترده تر می‌شود.

از نظر ملاصدرا، کیفیت و اختلاف در افعال و اعمال انسان، در میزان قابلیت بهتر می‌باشد از معرفت و خبرات است و با توجه به نظام علمی و معلولی، وجود انسان، علم، اراده و ادراك تفکر و تشخیص است که با قبول فعل، موجب وقوع فعل می‌گردد. در این نوشته مراحل عملی و حیطة عملکرد انسان مرتبط با پیش و گرایشات فطری وی از قبل اراده، تدبیر، آزادی میل به بربری و عدلت، خواهی و غیره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدوژه‌ها: حکمت عملی، فلسفه سیاسی، تکامل، اراده، آزادی، عدلت، قرارداد اجتماعی

* مدرس دانشگاه پیام نور کرج
بحث دریافت حقیقت و جوی انسان و مختار یا مجبور بودن از ماهیت و بحث برانگیزترین مسائل مبان فلسفه، اندیشه‌نگاران و عرفای در جهان اسلام از دیدگاه تاکنون بوده است. البته این مسائل بوزه در آثار و تعالیم ملاصدرا چایگاه رفیعی میباید. زیرا از نظر افراد انسان رابطه بین طبیعت، ماروا، طبیعت و محل تلاقی قوس سعود و نزول میباشد که در پرتو نظری حکمت جوهری و جسمانی بودن حدوث نفس انسانی، ظهور عالم بالا را در قلمرو عناصر، امکان‌پذیر میسازد. از طرفی، حل مسئله «علم پیشین الهی با انتخاب انسان» نیز یکی از مهم‌ترین دگرگه‌های ایشان بوده و در واقع سوال این است که آیا عالم آگاهی خداوند به افعال انسان موجب سلبه انتخاب و تصویب از نظر حکیمیت مالرالتهای جوان خداوند مسبب الاسباب است و انسان فاعل مباشر و به این ترتیب بین فعل اختیار انسان و خداوند، علل و اسبابی از جمله اراده انسان، واسلبه شده است بنابراین علم پیشین الهی منافعی با مختار بودن انسان ندارد و بین آن، سبب جبری شدن افعال آدمی نمی‌گردد. از این نظر در این مقاله برآیند تا با نگرش به تمامیت کلیت و جامعیت حکمت متعالیه و مشی حکمی و فلسفی و با بهره‌گیری از کل آثار و روشن‌شناسی ایشان، حقیقت و وجود و اختیار انسان را با نگاهی نو مورد پژوهش و مدافعا قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: ملاصدرا، انسان، اختیار، حکمت جوهری، عقل حضوری، جبر

* دانشجوی دکتری فلسفه
بررسی امکان اخراج نوعی «ملک» از نظر تئیه جوهری برای استفاده مباحث علمی و اجتماعی جان امرور

محمد مهدی اردبیلی

نگرش ملاصدرا به مقوله حزکت و نواوری ای در بدست دادن قرانتن نوین از حزکت جوهری و ارائه نظریه 「لیس بعد از لیست」 پژوهشی است که تاکنون کتاب، مقالات و سخنرانی‌های بسیاری درباره آن ارائه شده است. اما مسئله‌ای که بنظر مغلوب مانده، چنین در دان این نظریه در فلسفه نوین و استخراج نوعی 「منطق」 از بطن آن است، چنین قرار بوده‌اند که همه نسبت به مسائل عکس، اجتماعی و اخلاقی موضوع مورد نظر کردند. در این مقاله پس از ارائه گزارشی مقدماتی از محیط حزکت جوهری و لیس بعد از لیست و تمایل آن با گوهر پیشینان، به امکان استخراج از یکسوز نوعی منطق جهان‌شمول از بطن آن و از سوی دیگر امکان بکارگیری این منطق در مسائل اجتماعی و اخلاقی امروز پرداخته خواهد شد. به نواور نگارند نظریه لیس بعد از لیست، با استفاده حل مسئله پیچیده موضوع حزکت در یکی از فیزیک تغییر در ذات جوهر، واجد اینیتی است که آن برای حل مسائل مدرن و بویژه بحران‌ها متفاوت‌کی دو قرن گذشته که خاصگی بحران‌های اخلاقی و اجتماعی بودهند، بهره برد. در طول نوشش حاضر، نگارند با اتخاذ موضوعی در مرز به نظریه حزکت جوهری ملاصدرا خواهد پرداخت و میکوشید تا با استفادة از ایده هگلی صدراپی حزکت تکمیلی جوهری جهان، امکان بکارگیری منطق استخراج شده از آن را در فلسفه علمی مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه‌ها: منطق، حزکت جوهری، لیس بعد از لیست، بحران‌های اخلاقی و اجتماعی

*دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تبریز
پردرخت‌ خود نیز، حکایتی از شکست‌ها و سختی‌های می‌باشد. به عنوان یکی از شایع‌ترین و مهم‌ترین مشکلات انسانی، محیط زیستی و اجتماعی، این مشکلات حاصل از نقصهای فکری و اجتماعی است. این سختی‌ها و شکست‌ها به‌صورتی می‌باشد که به‌عنوان یکی از عوامل مهم برای شکست و بروز مشکلات در زندگی انسانی نمی‌باشد.
فرزاد حاجی میرزابی*

توجه به «خویشتن» از دیر باز مورد توجه متفکران و عارفان بوده است. در واقع وجه آزمفعت بشری و ایمان مهم‌ترین آن بوده است؛ این نداشتن سفرات که «خود را لب می‌کشد» در تاریخ انگلیسی همواره طبیعی‌بوده است. یمامان الهی نیز همواره بر شناخت آدمی بعنوان پیش‌یافشهای معرف‌الله نام بردهاند. اما خویشتسازی در غرب داستان‌های را دارد و در میان ما مسلمانان نیز داستان خود را از انزو روايت هر روز داستان و پیش‌بینان تفاوت‌ها و تفاب‌های یا دو داستان از زبان و مكفر برگ تاریخ خالی از لطف نیست. این نوشته تلاش می‌کند در جستار خویش درجچه‌ای به روزی این موضوع بگیا، گهل و ملاصردا در عین تفاوت‌های فکری – فرهنگی همسخندهای غربی در فلسفه‌ای خویش با هم دارند که تاکنون در ایران گم‌مر – جز در مواردی نادر – یا بداجت شده است. یکی از آنها تطبیق معرفت‌شناسی گهل و صدرالمتاهین است.

هر دو متفکر در اینکه تلاش می‌کند نظامی جامع ارائه دهنده نزدیک‌ماند. همچنین توجه به «خود» بعنوان نقطه عطفی در فرآیند معرفت و نقطه تلاقی ذهن و عین در هر دو متفکر شایان توجه است. هگل با روشن خویش در پی فائق آمدن بر دوگانگی سوژه‌ای بزرگ باکوری در کاردات و کنست و نهاده‌نشدن شده بود و باعث و پایی تهیه‌رسید معرفتی زمانی خویش بود؛ از این‌رو هگل با سیستم خویش در پی نشان دادن دیالکتیک و همانندی ذهن و عین در مراحل مختلف دگرگونی روح است. در این میان سوژه نقش فعلی دارد و حقیقت برآمده از اینکه میان ذهن و عین است. نزد ملاصردا نیز علاوه بر عتیق به حاصل اتحاد عاقل و معقول است ما با یک سروره فعال و رویارویی

*دانشجوی دکتری فلسفه غرب دانشگاه تهران
که تلاش میکند خود را در مقام عالم عقلی با عالم عقیده یکی گرداند. اما هگل واقعیت را برآمده از دیالکتیک هر چه قلمرو ذهن و عین میداند؛ از آنرو سوره هگلی و نفس صدرازی در جهانی به هم میسرند و در جاهایی از هم جدا میشوند. بعلاوه خودآگاهی و معرفت نفس نقش مهمی در فرایند تکامل روح و صبر قرارت آدمی بازی میکند و میتواند ار را به کمال برساند. نوشته حاضر تلاش مینواید با ترسیم این همسخنی در کنار تفاوت‌های نظری این دو متفکر بنوعی نشان دهد که نقش فلسفه در خودسازی و خودآگاهی آدمی تا چه انداده با اهمیت و سرنوشت‌ساز است.

کلیدوژدها: خودشناسی، هگل، ملاصرا، کمال، ذهن و عین، عاقل و معقول، دیالکتیک، معرفت نفس
تحلیل معنازانی بر مبانی انسان شناسی و بسیاری دکترات و ملاصدرا

پدرام پورمهران*

انسانشناسی دکترات به تمايز واقعی دو جوهر نفس و بدن می انجامد. از الزامات منطقی این نظریه، دوگانه‌گی بنیادین میان عالم روح و عالم جسم است. دکارت روح را مخصوص انسان میداند و سایر جانداران را فاقد روح یا نفس می‌شناستند. این دیدگاه موجب پدید آمدن فاصله‌ای دور و دراز میان انسان و عالم طبیعت می‌گردد. همچنین تأکید بر کمیت و ملاک اندیشه‌پذیری، موجب کنار رفتن روح مجرد از حوزه شناخت علمی شده و دربی آن، نگاه ماده‌گرانه و مکانیکی غلب می‌یابد. این عوامل موجب شی وارگی جهان طبیعت و بی‌معنا زندگی می‌گردد. اما ملاصدرا برمنای حکمت متعالیه، از یکسو نظریه نوآورانه حذف جسمانی نفس را می‌پروردند که به پیوند رفیقی میان نفس و بدن اذعان دارند و از سوی دیگر به سریان علم در کل عالم هستی قائل است. انسانشناسی فلسفی ملاصدرا برخلاف دکارت، پایه‌ای استوار برای انسان انديشمند پدید می‌آورد تا لیه‌های رفیق معانی زندگی و هستی را دریابد.

کلید واژه‌ها: انسان، نفس، بدن، طبیعت، معنا، زندگی، دکارت، ملاصدرا

* دانشجوی دکتری حکمت متعالیه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
گرامت انسان از دیدگاه ملاصدرا

سید عبدالرئوف افضلی

درباره مقام انسان، بیان بحث شده است. برخی مانند اومانیستها و یا باجای خدا مینشانند و برخی نیز برای وی ارزش و مقامی قائل نیستند. حقیقت در این باب چیست؟ آیا انسان یک موجود راشه شده و نکوهیده شده است یا یک موجود فرشته صفت؟ به سخن دیگر، آیا انسان دارای کرامت ذاتی است یا خیر؟ نظر ملاصدرا در اینباره چیست؟ این نوشته در صدد است ابتدا بطور گذرا نظریات موفقان و مخالفان کرامت انسان را مرور کند و دست آخر به تبعی نظریه ملاصدرا در این خصوص پردازد.

بدين منظور ابتدا مفهوم کرامت انسان تبیین شده و سپس دیدگاه‌های متفاوت درباره آن بیان می‌گردد و سرانجام دیدگاه ملاصدرا تشريح می‌شود. از اینرو نخست ماهیت انسان از نظر او که همان "نداشتن ماهیت" است تشريح می‌گردد. در ادامه با تکیه بر این تعیین، اقسام انسان از جمله "نسان بشری" و "نسان ملکی" و ویژگی هرکدام بیان می‌گردد و سرانجام به این نتیجه می‌رسیم که از نظر ملاصدرا هر دو نوع انسان دارای ارزش است؛ میان از ارزش نسان بشری، ارزش مادی و ظاهری است و ارزش انسان ملکی، ارزش حقیقی و واقعی. بدينسان، به یک روندی متفاوت می‌رسیم.

کلیدوژوه: کرامت انسان، دیدگاه صدرایی، ماهیت انسان، دیدگاه ملاصدرا، انسان بشری، انسان ملکی

* دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی و عضو دفتر المعارف مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
سالی از زندگی دوی انسان، غم در می‌آید
و تامین علی در میان آن

نفوذ اهل سرزمین

اگر انسان را سالم و در حال حاضر کنید و زندگی‌شان را دوی انسان، مهمترین ساخته که در این جهان مطرح می‌شود، ساخت فکر و ورودیه است. یکی از دغدغه‌های مهم انسان دیدار امروزی، چگونگی ورود دین در جهان عقلانی است. به‌طوری‌که تابع است که تعامل دین و فلسفه قرن‌های ابتدایه اصلی‌ترین اصوله حکمت را بخود مشغول داشته است. در این نوشته در نظر نداریم به طرح و نکات آن مباحث بردازیم. بلکه به این خواهی پرداخت که ملاصدرا فراز چپ‌ترش سازگاری و تفاهم میان این دو مقوله، چگونه یکی را پلی برای رسیدن به دیگری می‌داند. اینکه از معنی‌های یک فلسفه، کدامی‌کنی این گروه را در دیداری می‌پرسند و دینی که آن را توصیه و تأکید می‌کند از چه شاخصه‌هایی برخوردار است. فلسفه صدایی به تنه‌های ضرورت و حیات و لزوم سروپردازی در مقابل آن را موجه می‌سازد، بلکه و حکمت نباید تناها مسیر برای طور و راه عقل می‌دانند. بنظر کاروان، ملاصدرا در تمامی این مباحث به طرز چشمگیری تأثیر از این عروضی است. این نوشته، تأثیر مذکر را از طرف دو مستند "تقلید از خدا" و "وحدت وجود" به بحث می‌گذرد. این دو مستند اگر بدبخت، تبیین و تحلیل شود، خدا هستی را به سعیان اصل‌ترین شاخص، در هردو عرضه نظر و عمل انسان وارد می‌سازد و اینگونه امر که زندگی دوی انسان در بطن جهان عقلانی، شکل و شماری نیکو می‌باید.

کلیدواژه‌ها: وحدت وجود، تئوری تقلید از خدا، دین، عقل، معرفت، فلسفه

* دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه شهید بهشتی
جاگه‌ومناهی «زنگی وقف نظر» در زندگی انسان مدرن

مرتضی گودرزی

ارسطو بر جست‌ترین نوع زندگی را زندگی وقف نظر (Vita Contemplative) می‌داند. این نوع از زندگی به‌کارگیری ارسطو نیکبختانه‌ترین زندگی‌هاست. از طرف دیگر، نرد ملاصدرا نیز سعادت حقيقة، ادراك عقلی است و نفس در بعید نظر به حقایق اشیاء آنگونه که هستند علم می‌یابد و دو خیال می‌نورانه را مشاهده می‌کند. ملاصدرا بر آن است که همانگونه که قوه عاقله اشرفت از نیروهای ادراکی و اندام‌های حسی است، پس سعادت و لذت عقلی نیز کامل‌تر می‌باشد.

با نگاهی به وضعیت کنونی بشر میتوان یک برد که عقلانیت مدرن و رهاردهای عقل حساب‌گر در جستجوی سعادت ناکامی‌اند است و انسان مدرن در تنگ‌ناهای زندگی وقف عمل (Vita Action) می‌باشد. اینک آیا می‌توان با بازخوانی آموزه‌های مربوط به «زنگی وقف نظر» گوی انسان در دوره مدرن عرضه کرد؟ در واقع این فرض مطرح است که آیا تأمل و نظر در حقیقت حیات برای ادراک صور و کمالات عقلی میتواند محققیت پویا برای نیل به نیکبختی انسان معاصر تلقی شود؟ نشویار حاضر با بازخوانی اندیشه‌های ارسطو در اخلاق نیکوماخووسی و ملاصدرا در حکمت متعالیه تلاش دارد تا به کاوش در امکان این فرضیه بپردازد.

کلیدواژه‌ها: زندگی وقف نظر، زندگی وقف عمل، تأمل عقلانی، نیکبختی، انسان مدرن

* دانشجوی دکتری فلسفة دانشگاه علامه طباطبایی
کتاب عربی فلاسفه‌ای پژوهشگر
نواب مقربی

یکی از رسلاله‌های بسیار مهم و بنیادی ملاصدرا/المحکمه/عرشیه نام دارد که میتوان آن را به فارسی "اورنگ فرانگی" ترجمه کرد؛ کتابی که در جوزه کلام و الهیات صدایی است و در آن وی مانند کتاب المظاهر فهرست‌وار به اثبات مبدأ و معاد پرداخته است. مؤلف به روش فلسفی و با استفاده از آیات و احادیث این رساله عربی را تأثیف نموده است. ملاصدرا در این رساله که امتهان مطالعه/الافتراق/ریوا در آن میتوان یافته، تمام دستورالعمل‌های فلسفی را در خدمت مسائل در اصل، دینی-کلامی، موسم به مبدأ و معاد قرار می‌دهد و به‌دست تالیفی به رفع اختلافات ظاهری دین و فلسفه می‌پردازد. المحکمه/العشریه جلوه‌گاه فلسفه کلامی صدرالمتأهلین است. هدف از مقاله حاضر به‌دست دادن چکیده‌ای از مطالب کتاب می‌باشد، تحلیل دقیق آنها با اینکه به مباحث مطرح در فلسفه دین معاصر همچون مبدأ، معاد، تقدیر شری، جاودانگی و رستاخیر جسمانی و معانی زندگی در انگیزه ملاصدرا/وراکنوند فلسفه کلامی صدرالمتأهلین در مطالعات این اثر ارزشمند الهیاتی است. در این اثر مبدأ و معاد به یکدیگر می‌پیوندند و تصویری جامع از جهان در برابر دید ترسیم می‌شود. در این تصویر آدمی هستندی‌های ایزی و انجام نیست که به‌همچون هدف و غایتی به جهانی کور و کر و لااقل پرتاب شده بنا به کیستان زندگی برای ای همیشه حل نشده باشد. در این تصویر که برای به‌پایه نیوتکنیکی یعنی زندگی اسلامی استوار شده است، زندگی سراور معنا دارد و آدمی در فراورندی دانسته و در نهایت معنی سرور پیامرود و هیچگاه از جنبه باز نیست. معنای زندگی همان نمای باری‌العیان است که آدمی با آن می‌آغاد و سرپرست کار نیز به آن می‌پردازد. معنای زندگی همان معنی چهار است و معنای جهان، همانا خداست. پرسش از معنای زندگی پرستش از خدا و همانا پرستش اواست. دل

* دکتری کلام از دانشگاه آزاد اسلامی و پژوهشگر دوره دکتری رشته حکمت متعالیه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دادن به این تصویر و پایبندی به آن مستلزم شیوه خاصی از زندگی و رفتار است. علاوه بر این، ملاصدرا در الحکمه الوعشیه خود نه تنا تصویری از جهان هستی بدلیم که نقشه راه و شیوه زندگی معنادار، پریا و عجیب‌اند. را پیدا کنیم. انسان باورکنند ترسیم میکند بلکه میکوشند با انتکا به استدلال‌های عقلانی، شرع و نقل و شهود و عرفان را در هم بیامید و در استثنا سازوار گاهی می‌توانند بفرنکی خود از دست پی‌کاسه و همان‌گونه کند. انسان در عصر جدید هر انداده که راه‌ها طبیعت را بگشاید و هر انداده که به علم و تکنولوژی جدید مجهز شود، با زمینه معلولان، زندگی برای همچون چیستی فروناگشته به‌جا می‌آید. در واقع معلولان، زندگی حتی اگر همه پرسش‌های علم کنونی پاسخ داده شود همچنان فروناگشته است. معلولان، زندگی و حل آن در بیرون از قلمرو دانش‌های طبیعی و حتی بیرون از قلمرو جهان قرار دارد. معلولان، زندگی تنها در گونه‌های

کلیدواژه‌ها: حکمت عرشی، راه زندگی، معنای زندگی، مبدأ و معاد
داستان‌پویایندم‌این‌است

روح‌الله علیزاده

در «داشتین» و «بودن» در واقع دو شیوه بسیار متفاوتی وجود دارد و جهان و دو نوع ساختار شخصیتی هستند که می‌توانند هرکدام برای آن یک نوع متفاوت در نظر گرفته شود. اگر تمام راه‌های ممکن را که یک فرد می‌تواند بر اساس آن سمت و سوی زندگی خود را تعیین کند، ببردیم، در نهایت به این نتیجه خواهیم رسید که جهت و مسیر زندگی انسان یا بسوی «داشتین» است یا بسوی «بودن». در واقع آنها دو ناحیه اساسی ارتباط با جهان هستند. چرا که دو در این انتخاب ارتباط با یک جهان انسانی است که جهت‌گیری‌آمیزی در یک توانمندی جهان است روز به روز سیطح نشانده و نشانده‌تری یه می‌کند که نتیجه آن مصرف گرایی شدید، تخریب طبیعت، مسئله محوری ارتباطات (من-آن) ی، تفکر انتزاعی و فقدان معنایی وجودی و نگاه پوزیتیویستی به جهان است برخلاف گرایش به بودن که نتیجه آن کاستن از مصرف گرایی است، احتمال به طبعیت، نگاه به زندگی و خدا بعنوان راز نه مسئله، ارتباطات من-توایی، مشارکت در جهان به مالکیت بر آن و حضور در آن و تفکر عینی و ملحمه و انتقاد معنایی وجودی در زندگی انسان‌هایست. در زندگی انسان سنتی داشتن بی‌سایر که هم‌بسته از زندگی انسان مدرن بود و این بدلیل خلاص معنایی وجودی و پورچی در زندگی مدرن و فاصله گرفتن از بودن است.

نوشته‌ای حاضر این مسئله را از نگاه دو مفکر بزرگ که از متفکران جدید تفاوت مسلط بر جهان مدرن هم‌ستند، بررسی می‌کنند و ارتباط آن با معناهای به زندگی انسانی را مورد کритیک قرار خواهند داد. یکی از این متفکران، فیلسوف اگزیستنسیالیست فرانسوی گابریل مارسل و دیگری روشن‌شناس بزرگ اریک فروم است که هر دو کتابی بنام

دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد تهران شرق
هومن و داشتن دارند. کتاب فروم به فارسی ترجمه شده است. البته او کتاب دیگری بنام هنر فروم هم دارد که ادامه مطالب کتاب اول است و این کتاب نیز به فارسی ترجمه شده است. ولی کتاب مارسل متأسفانه به فارسی ترجمه نشده و نگارنده بخشی از آن را باعنوان "تأملاتی در باب ایمان" در فصلنامه علمی، تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت به فارسی ترجمه و بچاب رسانده است.

کلیدوآوردها: داشتن، بودن، حضور، مشارکت، اریک فروم، گابریل مارسل
حمید طالب

ادیبیت معمول فلسفه غرب در باب معنی زندگی در جستجوی شهودی بدنال شرایط
لازم و کافی آن چیزی است که در صورت وجود، زندگی شخص را معنادار میسازد.
بعلاوه، دیدگاههای دینی دو سطح متمایز هستی شناختی را فرض میگیرند که بر مبنای آن
"معنی از بافت‌های ارزشی که خارج از شخص قرار گرفته‌اند" ایجاد و با استفاده از آن تضمین
می‌شوند. این دو همان معنی جستجوی شهودی بدنال شرایط لازم و کافی و تفکیک صریح
مانند سطح از واقعیت، بر عقلانیت دکارتی استوار است و تحت نگاه‌گیری ارزیابی
غیربنیان‌گذار از سوی روزگاردها برآمده از نسل دوم علم‌شناسی مورد
انقاذ قرار گرفته است. شناخت بندمند یکی از درمان‌های ممکن برای بررسی‌های عقلانیت
دکارتی دانسته شده و با تجربه‌های اجتماعی بی‌توجه است.

هدف اصلی این مقاله استفاده از نظریه سطوح واقعیت در نظریه ملاصدرا و ارائه
راحلی معروف هستی شناختی برای مشکلات بررسی معنای زندگی در سنت فلسفه غرب
است. بنابر فلسفه صدرایی که با یافته‌های تجربی علوم شناختی در پیدایش معنا
همخوانی دارد، "هجی لایه‌ای میان سطوح طبیعی و فراطبیعی وجود ندارد و ماده از
طريق تکامل تدریجی به فراماده دگرگون می‌شود." بنظر مرسد این پیوستگی
هستی شناختی میان سطوح واقعیت شیوه بهتری برای تبیین پیدایش معنای زندگی
پیش را می‌نهد.

کلیدواژه‌ها: شناخت جسمی، معنای زندگی، پیدایش معنا، پیوستگی هستی شناختی

* دانشجوی دکتری دین‌پژوهی دانشگاه ادبیات و مذاهب پژوهشگر پژوهشکده ادبیات و مذاهب
پراگفths میکان؟
نماز نظریه‌اک

احمد شه گلی

مرتبه علوم نسبت به همیارگر تشکیکی و طولی است. بدن منعا به بخشی از علوم بجهت موضوع، روش، ضرورت و غایت بر بخشی دیگر رجحان دارند. نفس فلسفه با سایر علوم نسبت اصل با فرع و مقوم با متقوم است. نفس علوم نیز به انسان متمایز است؛ بخشی از علوم سبب استفاده نفس مشوند و بخشی نیز مربوط به شونات مادی انسانند و بخشی از آن‌ها سبب کمال انسان شوند بر فرهنگی تن می‌افزایند. در حکمت تعلیقه، گوه‌ر نفس به‌نور علم سعه وجودی پیدا می‌کند. حکمت که علم به حقایق و معارف والایی چون اسامی و صفات الیه، حقیقت علم واجب تعالی و مبدأ و معاو و... است منفک از حقیقت آدمی نیست و چون معلوم از مرتبه بالایی بدخوردار است، محقق شدن به آن در مراحل تکمال معنوی انسان نقش مهمی دارد. ملاصقا استاشبه انسان جزئی و کسانی که در امور محسوس غور می‌کنند قادر به درک اشیاء غیرمحسوس نیستند. آنها نهالست با جزئیات و عدم ارتباط با معقولات فقط وجود اشیاء محسوس را تصاحب می‌کنند. بدن ترتیب، علوم نیز بر کمال انسان تأثیر گذاشته. فلسفه به‌جهت جایگاهی که در بین علوم دارد، علم بین و مادر علوم نامیده شده است. زیرا مبادی تصویری و تصویری سایر علوم را تأثیم می‌کند. با این حال، اغلب تصویر درستی از آن وجود ندارد و همواره توسط مخالفین مورد حمله قرار می‌گیرد. این مقاله پاسخی است به اینکه چرا فلسفه میخواهیم؟ و ارزش و ضرورت فلسفه و کارکرد آن چیست؟

کلیدوژدها: فلسفه، علوم، کارکرد، ضرورت، انسان

* دانشجوی دکتری فلسفه و کلام دانشگاه قم
راه‌زدنی؛ اطلاع و اطلاع‌آوری در همکاری‌صدایی

محمد خیاط زنجانی

بازخوانی ابعاد حیات انسان، تأیید خواهد کرد که مسئله اخلاق یکی از رویکردهای فیلسوفان و اندیشمندان در طول تاریخ تطور انديشمان انسانی بوده است که رابطه‌ی غیرقابل انکار با راه‌زدگی انسان دارد. این مهم گرچه امری از اکثر فلسفیان قابل بررسی و تدقيق می‌باشد. صدرالمنتہین شیرازی بعنوان سر سلسله جنبان حکمت متعالیه، گرچه اثری مختص در موضوع اخلاق نگاشته‌است، اما هدف و غايت این حکمت، توجه به امور اخلاقی را امری لازم و غیرقابل انکار می‌باشد.

یکی از موضوعات مهم در عموم نگاشته‌های اخلاقی، مسئله اطلاع‌آوری یا نسبت اخلاق است. در آثار ملاصدرا میثون شواهیدی دال بر اعتقاد وی بر اطلاع در اخلاق احصاء نمود. بعلاوه بر اساس مبانی فلسفی حکمت متعالیه، اصولی قابل عرضه میباشد که اطلاع اخلاق را لازم می‌دارد از جمله میثون به مسئله خیر و وحدت تشکیکی و وجود مساویت اخلاق و وجود، کمال انسانی و تجسم اعمال و اختلافات اشاره نمود.

اعتقاد به اطلاع در اخلاق با چالش‌های فکری و فلسفی متعددی مواجه است، از جمله به‌طور مکتوب بیان‌گری می‌شود یا در روشی دیگر. پیش‌اشاره که بتواند مسئله در مکتب متعالیه صدراوی، برحسب نظریه انواع حمل، بتوان به پاسخی سنجید در این خصوص نابی‌شد.

کلیدواژه‌ها: راه‌زدگی، اخلاق، اطلاع، حکمت متعالیه

دانشجوی دکتری حکمت متعالیه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
حرکت جوهری و برخورداری شناختی

با انجام در زندگی روزمره

امیدرضا جانباز *

اگر شهایت بزرگان اندیشه بر حركة طرح نمی‌شد، کسی در وجود حركة، این محسوس‌ترین پدیده‌ها، به‌خود شک راه نمی‌داد. از آنجا که انسان در طول جهان زندگی‌تکان در این سیستم و سکون در عالم طبیعت بود. اگرچه تاریخ منابع این بحث در هر دوره نهایی سر حدّ خور درگاهی را پی‌خاطر دارد، اما اکنون دیگر این تصور حركة عالم است که توانته قوی‌ترین و ظریف‌ترین استقلال‌ها را به نفع خود ایجاد کند. در این مقاله با نگاهی تاریخی به خاستگاه نظری بحث حركة و توجه گذرا به نوآوری بیشتری بحث تاریخی آن، سعی در اثبات حركة جوهری ملاموسا شده است. به این منظور برخی از عمده‌ترین موانع و پرسش‌ها به شکنید بحث حركة و توجه به کسانی است که متذکر می‌باشند. لیکن آنچه ما را به بحث آشنا حركة جوهری کسانی است که صرف اثره استقلال‌ها در اثبات آن، بپن به زمینه و استلال‌مانی است که مدعین آن خواسته با ناخوسته فرو می‌گذراند. ما ضمن اشاره به برخی از استلال‌های بحث حركة به بررسی این پرسش کلاسیک در زمینه آن می‌شیم که با فرض قبول سیلان همه‌چیز، چه تصوری می‌تواند از "شناخت" در کاربرد روزمره آن داشته.

کلیدواژه‌ها: حركة، سکون، حركة جوهری، صدرالمثالهین، شناخت

* دکتری فلسه دانشگاه شهید بهشتی
مواد اخلاقی ریشه در نگرانی‌های انسان

رحمه هفنان سیمکانی

چرا انسان با وجود اینکه از نعمت عقل برخوردار است و خوب و بد را بحث تشخیص می‌دهد، باز هم اعمالی را انجام می‌دهد که با موازین اخلاقی سازگار نیست؟

پاسخ این سوال را بايد در تبیین دستگاه عقل و جهل و مراتب رشد عقلی انسان‌ها در انگیزه‌های صدرالملاله‌ها و گستجو کرد. نقص ذاتی نفس، حجاب‌ها، تقلید‌ها هم‌نگاری با جماهیر و مداخلات جسم، از جملة موافق‌های هستند که در نظر ملاصدرا، مانع فعالیت

دستگاه عقل و درنتیجه باعث قرار گرفتن انسان در مسیر انحراف از ارزش‌های اخلاقی‌شناسی عمده‌‌ها به‌خصوصی ناشی از جهایت و عقل فیکت و این به‌طور زیادی

قابل دقتی بر عقل در انگیزه‌های صدرالملاله‌ها می‌باشد. نوشتار حاضر بر آن است تا با تکیه بر انگیزه‌های مشابه، عامل به‌خصوصی ناشی از جهایت و عقل فیکت و این به‌طور زیادی

مغلوب شدن عقل و درنتیجه بروز پی‌ناتوانی‌ها در زندگی انسان چگونه است. روشن کردن نوشته توصیفی - تحلیلی بوده و در برخی موارد از آیات و روایات بعنوان مؤید استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: عقل، نفس، معرفت، جهل، عقل فیکت، تفکر اخلاقی

*پژوهشگر جامعه المصطفی العالمية و دانشجوی دکتری دین پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب
آزمون‌های اطلاعی که برآوردان انسانی در یک‌شماره‌های احتمالی می‌باشند

مرضیه گیوریان

از منظر ملاصدرا نفس ناطقه انسانی، جوهر ناقصی است که برای رفع نواصع خود و تحقیل کمالات بوزه فضایل و محاسن اخلاقی نیازمند قوایی است که با استعمال آنها رفع نواصع و کسب فضایل تحقق می‌یابد. از معنادید است که نفس ناطقه انسانی ابست و ثابت نیست بلکه یپوسته در ذات و جوهر خود، براساس حركت جوهری صور گوناگون و متنوع را می‌پیماید تا به کمال و فضائل نهایی و شایسته خود نابی‌گردد. در این تحول و تکامل به مرتبتی میرسد که بطور کامل از ماده جسمانی و خواص آن مفارق و مجرد خواهند شد و در اصطلاح بسیار مرتبت عقل مستفاد که منشأ کمالات نظری و فضایل عمیق محسوب می‌گردد. سیر میکنند تا به قوه قدسیه که مقام و مرتبت اولیا و اهل حق و انسان کامل است دست یابد. در چنین موقعیتی است که انسان به سعادت و کرامت حقيقة و وجودی خود که در واقع غایت آفرینش او بر آن مرتبت است، دست پیدا می‌کند.

در اندیشه صدرالمتالهین سعادت و کرامت انسانی مراتب و درجاتی دارد که عالی‌ترین مرتبه آن تشبه انسان به مبدأ متعالی است، بعینی انسان در صفات و اختلاف به خالق هستی تشبه ویا میکنند و متصرف به صفات خداوی و متعلق به اختلاف حسنی که مبدأ و منشأ آن زیبا مطلق است، نیک‌و، در این مرتبه همه افعال انسان نیز به تأسی از خالق که خیر محض است نیک و خیر خواهند شد و چون خداوی شده است، هیچ فعل شر و نایسی از او صادر نخواهد شد و در مواقع خود انسان چون به سرچشمه زیبا دست یافته است، فاعل افعال نیک و مصدر اعمال پسندیده خواهد بود. چنانچه نفس انسان براساس حركت جوهری و تحول و تکامل درونی به این

* کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی
مرتیبه از حقیقت وجودی خود نابل گردد، به فضیلت اخلاقی و کرامت انسانی خود که همانا خداگونه شدن است، دست یافته است.

در این مقاله تلاش می‌شود عوامل توصیف فضیل اخلاقی و نسبت آن با کرامت انسانی و همچنین موانع آن از دیدگاه صدرالمتألّهین مورد بحث و بررسی قرار گیرد. کلیدواژه‌ها: نفس ناطقه، حرکت جوهری، مراتب نفس، فضیل اخلاقی، صفات خداوی
معنای زندگی از دیدگاه ارسطو

مریم سلکی

سعادت یکی از دغدغه‌های همیشگی ذهن بشر بوده است. جستجوی انسان برای سعادت همان جستجویی برای بهترین و برترین زندگی است. این زندگی همان حیات معنادار است. بشر هربار معنای حیات خود را در چیزی یافته و بدنال آن به طرح یکسری ساخته و نظریات پرداخته است. در این میان نظریه سعادت ارسطو که میتوان آن را در شمار دیدگاه‌های خداحور قرار داد، از جایگاه ویژه‌ای برخودار است. اصولاً فلسفه ارسطو و نظریه سعادت او در فلسفه غرب، اهمیت زیادی دارد. در این دیدگاه، سعادت انسان در تأمل و تفکر دانسته و حاکی این سعادت در تشکیل به خداست. ارسطو بر این نظریه خود دلایل ویژه‌ای دارد که در این نوشتار برسی خواهد شد. کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، تفکر، سعادت

* دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی دانشگاه علامه طباطبایی
ساختاری بر جایت معنوی در عربان اسلامی

عليضا جوانمردی ادیب

در نظرگاه عرفان اسلامی، جایت حقيقیه، همان ‘‘جایت معنوی’’ است؛ حیاتی که برون رفت از ظاهر بسیاری باطن فنا شدن در حق و بقای باقیه به بقای او و نیز بازیافت حق است در هر آنچه رنگ و نامی از هستی و زندگانی بعنوان آینه و مظهر تجلی حق ـ دارد.

درباره دستیافت بدین مرتبه از زندگانی را ـ که همان عیسی زندگانی است ـ مستلزم گذشت از منازل و مقاماتی دانسته‌اند که هر کدام از آنها بینه جنبهی از جوانب زندگانی معنوی است.

هر منزل و مکان جوایز معنوی دارای معنی متناسب با آن منزل و مکان است که برای سالک طریق حق مربوط به مرتبه تحقق یافته و به منصه ظهور مسرد. مقدار بهره معنوی سالک از جوایز معنوی، تستگی به مرتبهی از معنا دارد که در آن منزل و مکان سیر می‌نماید.

اوج جوایز معنوی ‘‘رسیدن به مکان توحید و فتیان در حق’’ است که سالک در آن از ‘‘مکان تفرقه و کنتر’’ به ‘‘مکان جمع و وحدت’’ در آمد و ظاهر و باطن هستی را یکی می‌داند. بدین مظاهر پریان طریقت دستورالعملی را برای سالک ـ مستعد پیمودن منزل و مقامات معنوی ـ بایان نموده‌اند تا در صورت عبانی حق، پنداش به ارائه آنها و کوشش خوشبین به اوج جوایز معنوی بینن ‘‘مکان وصول و فتیان در حق’’ دست یابد.

در این نوشته سعی در واقاوی و بیان ظاهر عرفان اسلامی در پاب یا جوایز معنوی به عنوان باطن و حقیقت زندگانی با رویه به منزل و مقامات آن گردیده است.

کلیدواژه‌ها: جوایز معنوی، حق معنوی، منزل و مقامات، مظاهر، اسماء و صفات، فنا و بقا

* کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، مدرس مدعو دانشگاه عالی شهید مظهری (ره)
فصل پنجم: "پرستش از معنای زندگی"  

مهدي سلطاني

در وابستگی به "پرستش از معنای زندگی" و معنا و اعتبار این پرستش، بحث و مشاجرات  

زواید میان فلسفه‌های بی‌خودی و بی‌خودیت از نظر فلسفه تحلیلی، اگزیستنرالیستیکی،  

پدیدارشناسی، فلسفه پیوسته، قائلان به تدبیر خداوند در جهان و آنان که طبیعت را  

خودمحور میدانند، بیدنها و دین‌دارها درمی‌گیرند از هر یک از فلسفه‌های دین و  

متفکران معاصر، بی‌خودی در مسیحیت، نشیان کرده‌اند پاسخی مستقیم و پاسخی قبول برای  

پرسش از معنای زندگی و نیز مشروطیت خود این پرسش ارائه دهند؛ بنحوی که این  

مسائل خودی خود، به بخشی محوری از دین بدل شده و مشکلاتی جدی برای  

اربابان دین و نهادهای ملی روبه‌روی دین‌داری پدیده آورده است.  

فارغ از جنبه‌های متنوع و تفکیک‌های روشنی پژوهش این مباحث، نتیجه‌گیری افزوده و  

تیمی که اینهمه مباحث پراکنده، متنوع و گاه مخالف بدنی دارد، بروز سلسله  

چالش‌های دنیای خیال برای انسان جدید است که بی‌خودی به فرقه‌ها و نجات‌های خداباور  

و انسان‌های متدین جدید می‌باشد. ما در اینجا برخی ادعاهایی که پرسش از معنای  

زندگی را نمی‌خواهیم مورد بررسی قرار دهیم. بررسی میدانند، این ادعاهای می‌توان بشر  

در حد خصوصی کرد: (۱) پرسش از معنای زندگی پرسشی واقعی نیست و از این‌ها به  

پاسخی واقعی و عینی هم نخواهد رسید. (۲) حتی اگر پرسشی واقعی باشد، نیاز به  

پاسخ ندارد. (۳) حتی اگر قابل پاسخ دادن باشد، در قالبی کلام مسیحی نمی‌توان پاسخی  

درخور و بسته به آن داد. (۴) حتی اگر بتوان چنین پاسخی بدست داد، نمی‌توان آن را  

پاسخی کاملاً درست و پاسخی واقعی کرد که ناگهانی دیگر پاسخ‌ها و میری از ایراد باشد.  

این مقاله تلاش خواهد کرد با تکیه بر فلسفه پیوسته و تفکر متغیر و افق‌های  

یابه‌ای، به تفکری از "پرستش از معنای زندگی" بسته دهد و چهار ادا و چالش فوق و  

* کارشناس ارشد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
پاسخ به آنها را، بر این مبنای تحلیل کنید. در نهایت، مبتینی بر دیدگاه علامه طباطبایی و علامه محمودتاقی جعفری، نشان خواهیم داد که در چارچوب کلام اسلامی میتوان پاسخ جامعتر به این چالشها و پرسش معنای زندگی داد. آنچه امکان چنین پاسخی را فراهم میسازد با تعریف پرسش از معنای زندگی به پرسش از هدف زندگی است. اگر هدف زندگی مشخص و ترغیب کننده باشد، ارزش و کارکرد زندگی (دو معنای دیگر مطرح شده برای معنای زندگی) نیز مشخص خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: کارکرد پرسش از معنای زندگی، رویکرد تحلیلی - انتقادی، الهیات مسیحی، فلسفه بویشی، واپیه، هدف و ارزش زندگی، کلام اسلامی
نگاهی در است که از وجود آغاز میکند و به آن بازمی‌گردد. پس
بررسی زندگی در تراز تفکر فلسفی مستلزم تحلیل بیون و وجود و زندگی است. برای
دستیابی به این هدف: ۱) با استفاده از عبارت ارسطو که "زندگی فعلیت عقل
است(متافیریک)" به دو مسئله زندگی و عقلانیت در اندیشه ملاصدرا می‌پردازیم. در
تفکر کلاسیک و نیز ملاصدرا، زندگی بر اساس وجود "نفس" تعريف ميشود. طبق
دبیگاه صدرایی، حدود و نشست نفس از یک مرحله جسمانی آغاز میشود اما طی
تحولات و تطورات جوهری بسیار مراحل عقلانی فعالیت می‌باید. این سعی وجودی که
از حدود جسمانی تا اتحاد با عقل فعال گسترش است درواقع فعالیت و اشتاداد
زندگی را برپیازد. ۲) حقیقت زندگی طی سیر و سلوك وجودی يعني سفرهای
چهارگانه عقلی به اکتشاف درمی‌آید. از اینرو با استفاده از بیان ملاصدرا در ابتدای
الاسفار، عقلانیت را بیشک مراحل سفرهای چهارگانه تحلیل میکنیم. قوام موجودیت
هر سفر به سه مؤلفه میباشد: مقصود و مسیر بستگی دارد؛ مبدأ همان وجود احدي
صمدی است، مقصدم همان معاد است و مسیر نیز همان چیزی است که ملاصدرا
تحت عنوان حکمت متعالیه آن را ترسیم و طراحی کرده است. عقل (گوهر وجود
انسانی) طی این سفرهای اشراقی متعالی فعالیت می‌پذیرد و با اشتاداد و مرجوشی به
حقیقت وجود تقریب می‌یابد. ۳) زندگی و سفر بر محر عقلانی به هم گره مخورورد
و مجدداً بسط می‌یابند. در اینجا، لازم است حدود و آغاز و انجام زندگی بحث شود،
که بر اساس نظرگاه حکمت متعالیه، مرزهای زندگی هرگز محدود و منحصر به حدود
توحد و مرج در دنیا نیست، بلکه حدود زندگی تا افق ابدیت وجود گستریده می‌باشد. بر
این اساس، کوشش می‌شود دیدگاه ملاصدرا نسبت به زندگی و جوهر عقلی آن و
همینطور حدود و فرجام وجودی آن (که به شدت و ضعف سفرهای عقلانی نفس

*کارشناس ارشد فلسفه اسلامی و دانش پژوه سطح چهار عرفان اسلامی، مجتمع آموزش علی امام خمینی(ره)
بستگی دارد) مورد بحث و بررسی قرار گیرد، تا این نکته روشن شود که زندگی دروایج سفری از وجود و بارگذشته به آن است. ملاصدرا راه این سفر را تحت عنوان حکمت متعالیه هموار ساخته است. در پایان، بجای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی نظر ملاصدرا را - بعنوان مثال - با نظر هایدرگر، ابته بنا به گذرا و خلاصه، مقایسه می‌کنیم؛ يعني تلاش می‌گردد با استفاده از دستاوردهای افق فکری هایدرگر، نوری بر ظرفیت‌های تفکر ملاصدرا نسبت به زندگی اشراقی در جهان معاصر افکنده شود.

کلیدوواژه‌ها: حکمت متعالیه، راه زندگی، عقل، نفس، حرکت جوهری
فرادیت گراپی در معنای زندگی

حسین شوروژی، موسی خانی

پرسش از معنای زندگی، سوالی است که بسیاری از فیلسوفان بطور مستقیم یا غیرمستقیم با آن درگیر بوده‌اند. برخی فیلسوفان سوال از معنای زندگی را به‌هوده دانسته و یا کوشیده‌اند با تحول معنای زندگی به حوزه سعادت و اخلاق، استقلال پاسخ به این سوال را نادیده گرفته‌اند. اما گروه دیگری از فیلسوفان به انرژی مختلف درصد پاسخ به این پرسش برآمده‌اند. پاسخ این گروه را می‌توان با توجه به نحوه‌ی نگرش آنها در پاسخگویی به دو نسخه عضیده «طبعت گرایانه» و «فرادیت گراپی» تقسیم‌بندی کرد.

نوشتار حاضر کوششی است در شرح و بررسی نکرش فرادیت گراپی در معنای زندگی که در آن حصول معنای زندگی مستلزم وجود موجودی فراطیبی بوده و با آن طریق زندگی جاودانه برای انسان حقیق می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: طبیعت گراپی، فرادیت گراپی، معنای زندگی، خدا

1. دانشجوی دکتری فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
2. دانشجوی کارشناس ارشد فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد
بایگاه فلسفه‌فرهنگ‌گل کریستال
فلسفه‌فرهنگ‌گل

مراجع شکری، صالح صادقی

یکی از صاحب‌نظران در حوزه مباحث علوم نظری بر وجود پیوند وثيق میان فلسفه و تمدن صاحب‌نظران و ساحت این دو مقوله را مستقیم و بین‌یاز از یکدیگر به‌حساب نمی‌آورد و چنان‌که به داد و دهش در این عرصه هستند که سخن‌گفتنت از یک تمدن بیگانه با فلسفه را تقریباً امری بعد می‌دانند و نیز تصور وجود یک نظام فلسفی بر اساس به تمدن و داعی‌ها و ارزش‌ها و پروپلمنتیک تمدنی را دور از ذهن تلقی می‌نمایند. کما این‌که برآمدن تمدن در یونان باستان و مغرب زمین در دوره بعد از رنسانس و همچنین در میان مسلمانان میتواند شاهدی بر یافته مدعای این طیف از صاحب‌نظران باشد.

هدف ما در نوشته‌ای حاضر کنکاش پیرامون این مسئله و برداختن به نقش و چاپگاه فلسفه-خواه در وجه نظری و خواه در وجه عملی آن در تکوین و تکون تمدن است. بر اساس، فلسفه و تکون فلسفی در کتاب‌های عناصر و عوامل تکنیکی و ارزشی مؤثر در پیدا‌آمدن یک تمدن از اهمیت و اعتنای اولویت اول از اکاری برخوردگ در است. فلسفه هم با اعتبار روشن و هم با اعتبار ابزار و هم به اعتبار ترسیم چشم اندیز در پدیدار شدن یک تمدن نقش افرینی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فلسفه، زندگی، شکل‌گیری تمدن

1. کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی
2. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی و پژوهشگر
پایانه "فیضه و کودک" در کسب مدارس‌های ابتدایی

لیا رحیم زاده، معصومه ایمانی

مهم‌ترین اجتماعی، عبارتند از مجموعه‌ای از توانایی‌هایی که زمینه سازگاری و رفتار مشت و مفید را فراهم می‌آورند. این مهارت‌ها متونان در روابط آدمی با دیگران نتایج مشت و موافقیت‌آمیزی را بوجود آورند. (ارتباط مؤثر)

از جمله مهارت‌های اجتماعی متونان به مهارت‌های هنری از قبیل موسيقی، نقاشی، نویسندگی و شعر و... اشاره کرد. رشد در کسب مهارت‌های اجتماعی به موارد زیر نیاز دارد: ارتباط با گروه، مهارت گوش دادن، مهارت در ارتباط غیرکلامی، مهارت در تشخیص احساس‌های خوبی، مهارت کنترل خوبی و...

شخصی که دارای مهارت‌های اجتماعی است متونان به انتخاب و ارائه رفتارهای مناسب در زمان و وضعیت معین، دست یابد. همین واقعیت اخیر است که ما را وامی‌داده تا از آموزش تفکر در طرح "فلسفه و کودک" بر توانایی‌های فرد برای توجه به زمینه‌های اجتماعی او تأکید کنیم. در این رابطه گروه "فلسفه و کودک" پروری کرده تفکروی‌ها برای کودکان پایه سوم دبستان در سه منطقه مجزای تهران در دو گروه دختران و پسران در سال‌های 88 و 89 اجرا کرده و آثار و پایان‌دهان آن را (توسط مربیان پرورش) در کسب مهارت‌های اجتماعی مورد ارزیابی قرار داده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل کودکان و اولیای آنان می‌باشد که شامل 40 کودک و 43 مادر است.

روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه صورت گرفته و شیوه نمایش اطلاعات آماری بصورت نمودار می‌باشد است که در سال 90-91 تدوین شده است.

حاصل ارزیابی جامعه آماری فوک تأثیر مشت طرح "فلسفه و کودک" به کسب مهارت‌های اجتماعی در جامعه بوده است.

کلید واردها: مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های زندگی، تفکر، کودک

1. کارشناس ارشد گروه فلسفه و کودک بنیاد حکم‌ت اسلامی صدرا
2. کارشناس گروه فلسفه و کودک بنیاد حکم‌ت اسلامی صدرا
تمایل می‌شود انسان به خدا می‌خندد و بر همین اساس مسیر و راهی پیش روي انسان می‌گردد تا به این مقصد برسد. با ارائه چنین تعریفی این حکم متأهل فلسفه را هم در معنای کردن زندگی و هم در معنا بخشی به آن توانمند و کارآمد می‌داند. ملاصدرا معتقد است انسان در میان ممکنات نیا موجود است که حقیقت وجود از روح جویانی فانت و روح ملکی باقی ترکیب شده و از این روست که دائماً در مسیر تکامل و تعالی سیر میکند و منزل و مقامات را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد تا از مقامات خلقی به منازل ملل‌کمی یا سرد و تبیه به آن ابداً کند. از دیدـگاه ملاصدرا انسان بالقوه خلقی خداست پس برای اینکه این استعداد به فعالیت سردد یا باید نگاه او دائمی به حسن پایگان و آموزه‌های آن باشند تا راه‌ها را گم نکند.

از نظر او آنچه باعث می‌شود انسان به نظر ب رفسنجانی کردن زندگی برسد و راه زندگی را گم نکند، استاندارد بر زمین محکم و مطمئن معرفت نفس است. نور معرفت که با معرفت نفس شروع می‌شود، موجب غلب روح ملکی بر روح جویای میشود. بیروتر روح ملکی که در واقع غلب جنسی عقلانی روح است، رشد و کمال عقل نظری را بدلیل دارد که خود موجب کمال عقل عملی می‌گردد. حاکمیت عقل عملی بر افعال انسان یعنی تخلق به اختلاف هیله که همین تشیه به الله است.

کلیدواژه‌ها: زندگی، خلیفه خدا، عقل نظری، عقل عملی، ولایت، سعادت

1. کارشناس ارشد فلسفه
2. کارشناس ارشد فلسفه
ارزشمندی علوم

رضا امیری

ملاصدرا در آثار خود علوم را برگزارند تا به سعادت و حکمت واقعی دست بیایند؟ ناتوانی عقل در کشف حقیقت، ناتوانی شهود در بیان حقیقت و سطحی نگری در فهم شریعت موجب شد تا ملاصدرا کلام، عرفان و فلسفه را با هم ادغام کند و در دانش جدیدی بینم حکمت متعالیه به وحدت برساند و در عین حال وحی را در نظام خود وارد نماید. ابته ناکفته نماند که در تمام این موارد سلوک عقلی حاکم است.

ملاصدرا برای علوم تجربی، به تنهایی ارزش معرفت قائل نیست و پرداختن به آنها با این که عوامل مقدمه برای دستیابی به علوم شریفتی باشد. کلام بعلت ماهیت جدی و تلقیه‌ای، توان دستیابی به معرفت الیه را ندارد و عرفان با عدم رعایت قواعد پرهان و استدلال نمی‌تواند یافته‌ها و کشف و شهود خود را برای دیگران قابل فهم نماید و علی‌البدل به عقل عملی و امور دنبی است.

به عوامل ناتوانی علوم در کشف حقیقی الیه نیز اشاره می‌شود: انحراف در عقل نظری، یعنی دوری از پرهان و استفاده از جدل و انحراف در عقل عملی، یعنی عدم تقوى و دیناطوی و نیز جهله به کمال قواد ادراکی از آن جمله است.

برترین دانش که همه دانشها در خدمت آن باشند و آن به استفاده هیچ دانشی درنیاز داشته باشند. اما به واسطه هیچ دانش‌ها نمی‌توانند شاخه‌ای آن هستند، علم الیه است. علوم نظری الیه برترین علوم است و همان می‌رود آن از علوم عملی بالاتر است، زیرا علوم عملی وسیله اصلاح اعمال و ازاین رتبه آنها پایین از اعمال است. از طرفی حرکات و کردار و اعمال، مقدمه‌های صفات و احوال و احوال مقدمه علوم و معافند با منابعی از

* کارشناس ارشد فلسفه و دانش آموخته حوزه علومی قم
آن علوم و سپس احوال و آنگاه اعمال میبایشید. در میان علوم مکاشفه‌ی معرفت الله و علم خداشناسی برترین است.

کلیدواژه‌ها: سعادت، حکمت متعالیه، حقایق الهی، علم نظری، علم عملی
آموزه‌های علمی تفکر انسانی نوین‌چرید

فائزه عابد کوهی

همترين پرسش دوره كنوني، نيازهای بينادين زندگي انساني است. بتعبر ديگر، پس از طرح مسئله نهيليسم و غرب انسان غربي از سوی متفکران برگي همچون نهج و هایدگر، جستجوها برای یافتن راه بروز و گرفتن از این وضعیت شکل گرفت و بطور کلي شه رهایت در این خصوص عرضه شد.

نخست ديدگاه اگریستنسلبيستها بود كه بر وجه اصالت آدمي و نيازهاي ذاتي افراد، تأكيد وريزيده و درمان اين معضل را در گرو توجه به خود انسان تلقى كردن. اخلاق» نظر به و رويكود دومي بود كه از سوی متفکران اين حوژه طرح گرديد. در اخلاق سه راهبند اخلاق حداکثری، اخلاق حداقلي و اخلاق اعتدالی شکل گرفت. اما تأكيد بيش از حد انسان معاصر بر اخلاق حداقلي، بسیاری از تلاشها برای مقابله با مشكل فوق را عقيم بخت.

در رويکرد سوم، «معنویت گرايي» ظهور كرده. بيهام در نسبت آن با دين و ناديدة گرفتن نيازهای اساسی آدمی سبب ناکارآمد شدن اين ديدگاه گرديد. حقيقت آن است كه انسان كنوني براي مپيدان راه صحيح زندگي و دستيابي به حقوق حيات سعادتندانه نياز به تفسيري جديد از زندگي دارد. اين نگاه بدون توجه به تفکر توآمان عقلاني و ديني امکانپذير نخواهد بود. در اين راستا فلسه ملاصدرا ميتواند بينانهاي اساسي نياز انسان امروز لى فراهم سازد. اين نيازها عبارتند از:

الف) توجه به ساحت دينی و بهره‌گری از آموزه‌هاي وحياني
ب) تأكيد بر وجه عقلاني زندگي بشي در دور ساحت هستي انساني و معرفتي شناسی
چ) بهره‌گری از بينانهای اخلاق بهخصوص اخلاق دينی با تأكيد بر اخلاق حداکثری
د) توجه بينادين به معنویت برگرفته از دين و نيازهای حقیقی انسان

* کارشناس ارشد فلسفه غرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

163/ ملاصدرا
نگارنده معنی‌دار است با پازخوانی فلسفه ملاصدرا میتوان این اصول بیان بادین را استخراج و تدوین نمود.

کلیدواژه‌ها: ملاصدرا، انسان، زندگی سعادتمندانه، دین و عقلانیت، اخلاق، معنی‌دار
صوبره علي حسينی

اینچه تفکر از ویژگیهای ذاتی انسان است و انسان منتهاً تفکر انسان بیشمار نمی‌اید، از دیرباز مورد قبول دانشمندان و فلاسفه شرق و غرب بوده است. منطقدان تفکر را از ویژگیهای ذاتی انسان می‌دانند و از آن به «نطق» تعبیر می‌کنند و انسان را حیوان ناطق یا متفرک می‌دانند. اگرچه اصل تفکر در انسان غیررادی است، آدمی هرگونه نمی‌تواند فکر نکند، اما اینکه چگونه فکر کنیم و چگونه از فکر خود استفاده کنیم کاملاً اراده و در اختیار انسان است. از این‌رو پورش فکری از پرداختن تا آخر عمر انسان یک امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و مطالعه و تحقیق در مورد آن یک کار پیوسته و دائمی است. از اینکه تفکر در کودکان از چه زمانی آغاز می‌شود و کودکان چگونه فکر می‌کنند، یک نظر قطعی و یقینی در دست نیست، اما در یک نگاه کلی می‌توان عوامل مؤثر در تفکر را به زمان انعقاد نطفه و حتی قبل از آن نیز نسبت داد.

بدون شک عملکرد افراد در جامعه که زایده فکر آهناسی ریشه در گذشته بسیار دور آنها دارد. وراثت، محیط، سلامتی روی و جسمی پدر و مادر، تغذیه مناسب والدین و کودکان و ... در جسم و روح کودکان تأثیرگذار است. اگر چه در رشد فکری و عقلی کودکان مؤثر است، خارج از حد و شمارش است. 

توجهی فردی، نیازها و خواسته‌های متغیفان، عوامل زندگی، محیط و هزاران عامل دیگر، پورش فکری کودکان را از هم متمایز می‌کند. اگر پورش فکری کودک در زمان کودک صورت گیرد، جوامع کنتر دچار مشکلات ناشی از کودک فکری و ضعف و سوء تدبیر در مدیریت سطحی در این، خردهمایی، فرفکر خوردنها و ... خواهند شد.

کلیدوازدها: کودک، تفکر، پورش فکری

* کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی
فرشته سادات روغنی

فلسفه آفرینش انسان را میتوان در آموزه‌های دینی و اخلاقی ادیان بیانه مشاهده نمود. انسان و خدا همواره از جهات مختلف ارتباطی گوناگونی داشته‌اند. این ارتباط از بعد خالقیت و مخلوقیت یک ارتباط فطری و ذاتی است و در لسان فلسفه به رابطه علت و عملول تعیین می‌شود، اما ارتباط انسان با خالق خویش صرفاً از جنبه مخلوقیت نیست، پرداختن به انسان و سرگشه‌های لحظه بدنیال و تپانیی از ضرایبی درونی و معنوی خویش است، به‌همین دلیل موضوع یافتن راه حل می‌کند تا بتواند در راهی نهایی گذارده که را به اقتباس بیگانه است. بی‌پیوندیست و در اینجا رابطه عبادی انسان و خدا شکل می‌گیرد.

براساس اصول عقلانی، پرداختن به آموزه‌های دینی با محوریت انسان و توجه به مبدأ هستی و تعالی معنوی از جمله اموری است که از لحظه پیدایش آدمی جزء لاپیدک ذهنیت بشر بوده است که در تمام ادیان پرسش و بندگی به درگاه گرددگان در هر قابل و شکلی، راهی است برای ارتباط با سرمشق هستی و عبادت و بندگی در هر سرزمینی نشنلی از فرهنگ و اعتقاد دینی آنهاست. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که فلسفه عبادت در ادیان بخصوص ادیان شرقی چیست؟ و آیا تمام آموزه‌های دینی آنها متوند راهی برای راه‌یابی انسان از بنست آشفتگی باشد؟ سوالاتی است که در این نوشته به بررسی جنبه‌های مختلف آن پرداخته شده و با فلسفه عبادت در اسلام مورد تطبیق قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: عبادت، ادیان شرقی، اسلام، تعالی

* کارشناس ارشد عرفان اسلامی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران
مريم نوربالا

نکشیده‌ی درمی‌کنیدی از طرفی دور یکی یا یک‌گارد، یک قاب کشی

یکی از مهم‌ترین و ناقص‌ترین آگاهی‌ها به بیان اکثر علماء، فیلسوفان و عارفان، آگاهی به خود است، گونه‌ای که یکی از دو شعر اصلی سقراط، حکم و معلم بزرگ یونانی، نیز همین بوده است: «خود را بشناس». سورن یک یک‌گارد و بابا افضل کاشانی در فیلسوفی، بوهدانن که بحث محوری فلسفه‌شنان خودآگاهی بوده است، از این روی در این نوشته به بررسی هر یکی از علم به خود از دیدگاه این دو فیلسوف پرداخته می‌شود.

فلسفه یک یک‌گارد به‌عنوان تقابل با فلسفه‌هگل، شناخته می‌شود، زیرا او معنی‌دار است که حقیقت‌های انسانی بودن است وی به‌شدت روش فهم آقایی را دفع می‌کند و تنها راه رسیدن به ایمان و خودآگاهی را تفکر انسانی می‌داند که منجر به سیر باطنی می‌شود. مراحل خودآگاهی پس از مرحله استحسان از نظر یا شامل مرحله اختلال عقلانی، اختلال دینی و مسیحیت با ایمان است. کمال «خود» از نظر او در رسیدن به خداوند است. اما در مرحله ایمانی، فرد به فرآیند از «خود» میرسد. مفاهیم اضطراب، نامیده و گناه در نظر یک یک‌گارد عواملی هستند که منجر به چهار مرحله بعد یا قبل در مراحل خودآگاهی می‌گردد.

بابافضل به‌تهرین راه رسیدن به خودآگاهی را از طریق فلسفه می‌داند. در واقع، طریقه بابافضل را می‌توان تلفیق بین فلسفه و عارفان و عقل و عمل دانست و اما تفاوت وی با دیگر عارفان در این است که آنها در توجیه عارفان نظری خویش از فلسفه می‌دانند، اما بابافضل راه رسیدن به عارفان حقیقی که هم‌انگیز خودآگاهی است را از راه فلسفه می‌داند. بابا افضل برای عقل نقشی با اهمیت قائل است و تفکر عقلانی را حائز اهمیت می‌داند، با این حال تفاوت که وجود عقل از نظر وی، آگاهی و دانستن «خود» است و علم آقایی از نظر وی زمانی معنی‌دار است که با علم انسانی بتوان به آن رسید. زیرا

* کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی
انسان تمامی موجودات را در درون خویش دارد و راه رسیدن به علم آفاقی نیز از خودآگاهی می‌گذرد. بابا‌فضل نیز مراتب آدمیان را در خودآگاهی شامل سه مرحله ناقضان انستوده، ناقضان پسنیده و مرحله اقصی میداند.

این دو متفکر در تأکید بر خودشناسی و انسی بودن حقیقت دارای واقع هستند ولی در طریقه رسیدن به خودآگاهی دارای تفاوت‌هایی می‌باشند که در نوشته‌های حاضر به آن خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: خودآگاهی، خودشناسی، علم، خود، آگاهی، کی، پرکارگرد، بابافضل
سهیل‌نما همانند برگ‌دارش ملاصدرا و هم‌زنا

عثمان رضا رمضان، تحقیق اربیکان

همه انسان‌ها در ذات خویش طالب سعادت و خوشبختیند. برخی سعادت را در کسب فضایی اخلاقی دانسته و آن را نفسانی و روایی میدانند و برخی دیگر سعادت را در اکتساب امور مادی و جسمی همانند بدنی آوردند ثروت و جاه و... بیان داشته که انسان پیشگاه آنها به سعادت و تکیه‌گاه دست می‌یابد. ملاصدرا و اسپینوزا برای سعادت و کمال حقيقی انسان دیدگاه‌های فلسفی خاص دارند. ملاصدرا سعادت واقعی را در وجود علم به حقایق اشیاء از طریق کسب حکمت و فضایی عملی می‌داند و اسپینوزا سعادت را دارای محیطی اخلاقی پنداره که نوعی فعالیت عقلانی است که نفس انسان با معرفت به هستی، عقل عقلانی به خداوند را می‌چویند. اسپینوزا برعکس ملاصدرا سعادت و رستگاری بشر را در عشق به خداوند آورده و آن را عشق پایدار و سرمدی نسبت به خداوند برهم‌سازد که نفس می‌تواند به آرامش حقيقی دست‌یابد. اما آنچه این‌ها به نگرش نزدیک می‌رسد، اندریش عقلانی آنها در کسب سعادت است. در این مقاله کوشش مشورتی در مورد سعادت و رستگاری بشر، اندیشه‌های آنان مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: سعادت، رستگاری، خیر و شر، وجود ادراک عقلانی

* کارشناس ارشد فلسفه، دانشگاه اینالی امام خمینی (ره)
فرآیند آموزش و تربیت محور و محوریت معلم و هوول

عاطفه شرفی

برای درک و فهم ماهیت تربیت، در درجه اول باید آن چیزی را شناخت که موجب تربیت است و آن انسان است؛ این کودکی که در انتخاب معلم قرار می‌گیرد، است. اصول فلسفه این است که حقایقی را که از راه آزمایش‌های قبلی بدست آمده است، تفسیر می‌کند و برای یافتن حقیقت کامل‌تر از راه‌های جزئی و فرعي «كه در ضمن آن حقیقت گنجانده شده است» راه خود را روشن می‌سازد. ابتدا باید به روحیه و شخصیت کودک توجه کنیم و از این شناسی تا حقیقت معنی فلسفه و تربیت کودک را دریابیم. در این نوشته، بدبینال پاسخگویی به این سوال هستیم که آیا اساساً تعلیم و تربیت کودکان معلم محور باه‌تر است با کودک محور؟

کلیدواژه‌ها: تعلیم و تربیت، معلم محور، کودک محور

*کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب
مالیت‌های زندگی پایه فلسفی‌رسی کانو

آلهم السادات مجلسی نیا

در این نوشته سعی بر آن است به بحث از فلسفه و کودک پرداخته شود. بگذارید سکیت، هدف فلسفه، جستجوی حقيقة است و برغم نگارندگان، در جهان حقيقیت والاند از زندگی یافته نمی‌شود. فلسفه و تفکر در جریه باوجای تابیز از یکدیگر، در واقع فلسفه از یکدیگر زاده می‌شود. بر این اساس، از آنجا که زندگی بدن تفکر سراسبی بش نیست و از آنجا که پذیرفتن هر مسئله در قابل تفکر و عقل امکان‌پذیرتر است، در این نوشته برآیند تا به ارائه هدف و طرحی با عنوان آموزش مهارت‌های زندگی در قابل تفکر فلسفی برای کودک پردازیم و به بررسی تطبیقی میان آموزش تفکر به کودک با روش ستی و روش مزبور و بازدهی این دو خواهیم پرداخت. همچنین در نوشته حاضر راهکارهای عملی و علمی پیacomون دستیابی به این هدف ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: کودک، مهارت‌های زندگی، اخلاق، تفکر

* کارشناس ارشد فلسفه اخلاق
مریم فرخی نیا

برای پرورش و تربیت کودک در جامعه برنامه‌ریزی و فعالیت فراوانی شده است، اما برای انتباه نفس اگونه که نیاز است، کاری انجام بشده است. هدف این مطالعه، بسترسازی مناسب جهت آماده‌سازی نفس کودک برای آموزش مفاهیم فلسفی است.

مقاله حاضر یک مطالعه مروری است که با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و جستجو در اینترنت و مقالات علمی تدوین شده است. براساس آنچه در جستجوی منابع یافته شد، جهت بسترسازی انتباه نفس کودک میتوان بر شکل برنامه‌ها را پیاده نمود: برگزاري کارگاه‌ها و کلاس‌هایی جهت آگاهی از دیگر ابعاد وجودی خود، تقویت تجربه مثبت از خویش و تصمیم‌گیری راسخ در بحران‌های فردی و اجتماعی زندگی. با نظر فیلسوفان اسلامی، آغاز آموزش فلسفه برای کودک زمان مشخصی دارد. طبق گفته صدرالممالکی، زمان دری مفاهیم از آغاز دوران بلوغ می‌باشد. اما میتوان ار از پیش از دوران بلوغ و وجود ابعاد معنوی شخصیت آگاه ساخت و تصویرات مناسبی از علوم فلسفی در ذهن‌ش کلید پدیدآورنده: کودک، نفس، فلسفه

* دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات (گراش فلسفه و حکمت)، دانشگاه آزاد اسلامی ساری
رعیه غفاری

بازی، هر گونه فعالیتی است که باعث لذت، سرگرمی و تفریح باشد. بازی در کودک و سیله‌بی طبیعی برای «بیان خود» است و موجب برایگیریه شدن افکار، تجربیات و هیجانات یک میگردند. پیامبر اکرم (ص) میفرماید: «سزاوار است که طفل خردسال بازیگوش و پرچم و جوش باشد.» حضرت علی (ع) فرمان‌هاده: «کسی که شبته بازی باشد، سعادتمند خواهد شد.» همچنین خوراک نصرالدن طوسي معتقد است که بازی وسیله‌ی است برای تأمین سلامت جسم و روح کودک. بازی برای کودکان ارزش‌های متعددی دارد، از جمله ارزش اجتماعی، ارزش اخلاقی و ارزش درمانی.

از مهم‌ترین عوامل در تربیت اخلاقی کودک، بازی است. زیرا بوسیله بازی میتوان مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی را به کودکان منتقل کرد. اگرچه کودک در خانه و مدرسه با ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شود، اما درونی شدن و ثبت میزان‌های اخلاقی در بازی قوی‌تر است. کودک در میان‌بندی که اگر بخواهد در بازی فرد قابل قبول باشد، باید درست‌کردن، باوکار و عاده باشد. کودکی که پليس شیر و به دستگیری دزد می‌بندد، درواقع به تأیید اصول اخلاقی اقدام می‌کند. پس برخلاف نظر برخی والدین، بازی برای کودکان، اتلاف وقت تلقی نمی‌شود، بلکه بازی به کودک یک مکان می‌کند به یک انسان تبدیل شود. در این مقاله برآیند با نقد بازی‌ها را در درونی شدن ارزش‌ها در کودک مورد بررسی قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: بازی، درونی شدن، کودک، ارزش‌های اخلاقی

* دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق دانشگاه زنجان
جاپاوا ترکت چوهری ملاصدرا به زندگی

معصوبه حاجی آقایی شهرستانی

حرکت چوهری ملاصدرا یک مفهوم انتزاعی صرف نیست بلکه دارای جایگاهی خاص است. سازندگی در زندگانی است؛ گونه‌بی‌ها به کاملیت و معنا‌بخشی زندگی بسته به این است. به‌طور کلی، پس از بوجود آمدن در عالم، میزان نگه‌داری از حس است و همین حس در حرکت ماده در ذات خود است که منشأ آن اثر شگفت‌انگیز بی‌پایانی می‌شود. بر این اساس، حس حرکت در جوهر و ذات خود می‌پردازند و در میان همه مواد طبیعی فقط یک ماده است که پس از اندکی که در سیر جوهریش به پیشرفت قابلیت و استعداد نفس مجرد در آن پدید می‌آید و آن ماده بدن است. منظور ملاصدرا از جسمیت‌الحدوث بودن، همین پیدایش نفس از ماده بوسیله حرکت چوهری است. بر این اساس، با توجه به عوامل و در راستای حرکت چوهری بدن بتدویش دارای نفس نباتی می‌شود، اما بدن در تحصیل و تحقیق خود نیازمند نفس است (ارگچه نفس بلحاظ حیاتیت مجرد و وجود عقلانی نیازی به آن ندارد). بنابرین، تعلق نفس به بدن مادی شرط مبتنی خاصی از وجود نفس است نه شرط وجود آن بطور مطلق، زیرا نفس قبل از این مرحله - مرحله تعلق به ماده - نیز وجود داشته پس هرگاه ماده بدن قابلیت و استعداد نفس را دارد شد نفس به آن تعلق می‌گیرد. بنابر این باد از ملاصدرا بطور جدی، قید نفس را قبول دارد، زیرا همه مبادیش آن را اثبات می‌کند و هم آیات و روایات. پس نفس از زمانی که با ماده همراه می‌شود بوسیله حرکت چوهری ماده‌اش در قوس صعودی قرار گرفته و بتدویش رو به تجرد می‌رود، بنابرین نفس برای تکامل و تعالی خود شاروری جز اتحاد با ماده بدنی ندارد و به این ترتیب نفس استخدمات خود را می‌آورند حرکت چوهری است و هرچه جسم طبیعی رو به نابودی گذاشته
میشود، جسم برخی شکل میگیرد و همانطور که ماده به فلزیت میرسد، نفس به تجربه نمی‌کند و در کامل نزدیک میشود.

بر این اساس میلاد، بالا باتن انسان هر لحظه از نوعی به نوع دیگر انتقال می‌باید ولی اکثر مردم از درک این نکته عاجزند و یا در ورطه غفلت و بیخبری افتاده‌اند مگر آنها خداوند متعال غفلت را از دیدگانش در این دنیا برداشته است. چنانکه قرآن کریم میفرماید: «بل هم فی لبس من خلق جدید.»

در این نوشتار به جایگاه حکم جهوری در تشکیل زندگی فردی و اجتماعی پرداخته میشود.

کلیدواژه‌ها: حکم جهوری، ملاصدرا، نفس و بدن، زندگانی فردی و اجتماعی
ترمیت و فلسفه از مغز اسلام

فرزاد شرقوی

انسان بعنوان جانشین و خلیفه خدا در روزی زمین از مقام والایی برخوردار است. علم و شناخت حقیقی که این خلیفه خدا را از فرش به عرش برده و در دیدگاه اسلام دارای ارزش بوده و از منزلت والایی برخوردار است. از اینجایی با سطح اهمیت و منزلت این علم است که معلم، روش، محتوای آموزشی و شناخت و ... اهمیت بیش از میکند. در این جستار کوتاهی به تحلیل فلسفی موارد ذکر شده برداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، فلسفه، تربیت، معلم، روش، آموزش

* دانشجوی کارشناسی تربیت معلم شهیدرجاپی شیراز واحد آب باریکه